

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

راه آفتاب

ویژه فرهنگیان

گزیده ای از بهترین مطالب از منابع مختلف که در قالب یک کتاب ارائه شده با امید به توفیق روز افزون برای تمامی معلمان عزیز

نویسنده و تهیه کننده:

سلمان دادویی دریکنده‌ای

فرهنگسرای زبان

راه آفتاب

مؤلف: سلمان دادویی دریکنده‌ای

ناشر: فرهنگسرای زبان

صفحه‌آرا: مریم کاظمی

شابک:

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ نخست: ۱۳۹۰

قیمت:

چاپ و نشر معرفت

آدرس مرکز پخش: ۱- قائم‌شهر، ابتدای خیابان کوچکسرا، انتشارات فرهنگسرای زبان

تلفن: ۰۱۲۳-۲۲۲۷۲۴۲ — ۰۹۱۱۳۲۶۰۷۵۸

۲- تهران، خیابان انقلاب، ابتدای وصال شیرازی، چاپ و نشر معرفت

تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۹۵۱۴۳

فصل اول

پیشگفتار

مقدمه

تصویر معرفت

سخن بزرگان درباره معلم

نظر شخصیت‌ها درباره ی تعلیم و تربیت و انتخاب معلم

مفهوم علم

مفهوم علم و معلم

هدف علم

مقام علم از دیدگاه حدیث

مقام معلم از دیدگاه قرآن

جایگاه معلم در مکتب تعلیم و تربیت اسلامی

معلم در آیات و روایات

فصل دوم

ویژگی‌های یک معلم خوب

چطور بر روند تحصیلی دانش‌آموزان نظارت داشته باشیم

رابطه معلم با دانش‌آموز و تاثیر آن در بهداشت روانی کودکان

بهداشت روانی کودکان

نقش مدارس در ارتقای بهداشت روان

نقش معلم در بهداشت روانی کودکان

ارتباط معلم با دانش‌آموزان بر اساس دنیای روانی آنها

روشهای ایجاد انگیزه و رغبت دانش‌آموزان به درس کلاس و مدرسه

توسط معلم

نقش معلم در تربیت عقلانی دانش‌آموزان

فصل سوم

معلم خوب چه ویژگی‌هایی بایستی داشته باشد

ارتباط معلم و دانش آموز

نقش معلم در اعتلا و تعمیق تربیت اسلامی

جایگاه معلم در نظام‌های آموزشی

جایگاه معلم در نظام آموزشی الهی

جایگاه معلم از دیدگاه بعضی از علمای تعلیم و تربیت جهان

جایگاه معلم از دیدگاه بعضی از علمای تعلیم و تربیت مسلمان

جایگاه معلم در فرایند یاددهی - یادگیری

نقش و جایگاه معلم در دوران معاصر

فصل چهارم

استفاده از رایانه در دوره ی متوسطه

کودکان را چگونه با کامپیوتر آشنا کنیم

تغییر نقش معلم در کلاس درس

ارتباطات

غنی سازی یاد گیری

نقش ICT چیست

وظیفه اصلی معلم

فصل پنجم

تلاقی آفتاب و دریا در نگاه مهربان معلم

*قدردانی امام حسین (ع) از مقام معلم

درباره ی معلم

گفته های بزرگان درباره معلم شهید

اشعار حاج فیض الله خدایی



• **ظلم است که معلم را به شمع تشبیه کرد زیرا شمع را می‌سازند که بسوزد**

ولی معلم می‌سوزد که بسازد.

• **پیشگفتار**

هر فردی با استعداد و شایستگی خاصی دیده به جهان می‌گشاید و در صورتی به تکامل و خوشبختی نائل می‌شود که با شناختی صحیح از قابلیت و توانایی‌های ویژه در مسیر پرورش اصولی قرار گیرد. در حقیقت تربیت جز شناخت ویژگی‌ها و فعالیت بخشیدن به استعداد و شایستگی‌های نهفته دانش‌آموز نیست و این مهم جز به دست توانمند آموزگار انجام‌پذیر نخواهد بود.

جمله فرهیختگان و دانشمندان از اقیانوس بیکران استاد سیراب شده‌اند تا بتوانند راه ناهموار علم را بیمایند.

باغبان دغدغه‌ای جز فراهم ساختن زمینه‌های ویژه برای رشد و نمو نهال ندارد و معلم نیز فقط و فقط به ایجاد شرایط پرورش و خلاقیت شاگردان خود همت می‌گمارد تا تعلیم و تعلم همه جانبه صورت پذیرد.

تنها توجه با آموختن دانش و علوم کافی نیست توانمندی آموزگاران در درک روحیه شاگردان و جذب آنان است. معلمی موفق است که درباره همه جنبه‌های فردی دانش‌آموزان مانند رشد فیزیکی و پرورش مغزی، روحی و شخصیت ایشان آگاهی داشته و آنان در مسیر تکامل رهنمون سازد تا به عضو مؤثر و مفید برای اجتماع تبدیل شوند.

درس معلم از بود زمزمه محبتی جمعه به مکتب آورد طفل گریزپای را

به مناسبت روز معلم و برای سپاس و تجلیل از مقام این ستاره‌های پر فروغ آسمان بیکران علم، مرکز مطالعات و پژوهش‌های روزنامه همشهری اقدام به نظرسنجی تلفنی از مردم تهران درباره "معلم" کرده است.

معلم و نقش آن در تعلیم و تربیت از مسایلی نیست که در آن کسی تردید روا دارد. معلم از عوامل مهم تاثیرگذار در امور تعلیم و تربیت می‌باشد. معلم در تمامی عرصه‌های وجودی متربیان از جمله بعد عقلانی دانش‌آموزان می‌تواند نقش عمده و مهمی ایفا نماید. اما سؤال این است که شیوه‌های تاثیرگذاری در بعد عقلانی چیست؟ در این مقاله کوشیده‌ایم روش‌های اثرگذاری معلم را در بعد عقلانی دانش‌آموزان بررسی نماییم. این روش‌های بدلیل رویکرد قرآنی بحث، از آیات اتخاذ و اصطیاد گردیده است. با مراجعه به قرآن کریم متوجه می‌شویم که برای رشد و شکوفایی بعد شناختی و عقلانی انسان از شیوه‌های مختلفی استفاده شده است. برخی از این شیوه‌ها، مشاهده، قصه‌گویی، ضرب‌المثل، سیر و سیاحت و محبت از جمله‌ی این شیوه‌ها است که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است.



مقدمه:

در فرهنگ اسلامی معلم جایگاه ممتاز و ارجمندی دارد. از نظر منطبق قرآن، خالق هستی اولین معلم است؛ زیرا او اولین کسی است که به ابوالبشر اسمای الهی را تعلیم داد. قرآن اولین برنامه‌اش را با خواندن آغاز کرد و به ابزار خواندن و نوشتن یعنی «قلم» سوگند یاد نمود. پس از خداوند رسول مکرم اسلام، معلم بزرگ بشر می‌باشد. چنان‌که از ایشان روایت شده است: «بِالتَّعْلِيمِ أُرْسِلْتُ [۱]». من برای آموزش مردم، از طرف خدا فرستاده شده‌ام. در مرحله بعد از وجود شریف ایشان، امامان معصوم از معلمان تاثیرگذار در روح و روان و اندیشه انسانند. از منظر قرآن و اسلام، معلم و آموزگار به‌نحوی با خداوند و رسولان و امامان سنخیت داشته و از نظر نقش باهم همسانند. شاعر این جایگاه و نقش را به زیبایی ترسیم نموده و در باره مقام رفیع معلم فرموده است:

آموزگار اگرچه خداوندگار نیست	بعد از خدای برتر از آموزگار نیست
آموزگار خلقت انسان نمی‌کند	کاین نقش جز به عهده حق واگذار نیست
لیکن به کار تربیت روح آدمی	آموزگار خوب کم از کردگار نیست [۲]

به دلیل اهمیت و تأثیرگذاری معلم در ابعاد وجودی دانش‌آموزان از جمله بعد عقلانی در تعلیم و تربیت از اهمیت ویژه برخوردار است. دین اسلام دینی است که به ابعاد مختلف وجودی انسان نظر می‌نماید. همه جهات را مد نظر قرار می‌دهد. بعد بدنی و جسمی، بعد عاطفی، معنوی، و از جمله بعد عقلانی انسان از مسایلی است که در کانون توجه مکتب اسلام است. از این‌رو در این مقاله خواهیم کوشید نقش معلم را در توسعه و رشد عقلانیت و بعد عقلانی دانش‌آموزان بررسی نماییم و از روش مورد استفاده در قرآن برای این امر بهره خواهیم برد.

سخن بزرگان درباره معلم

تعلیم دهید و خشونت مکنید که آموزگار بهتر از خشونتگر است. «حضرت محمد (ص)»
کسی را که علم از او می‌آموزید محترم دارید و کسی را که علم بدو می‌آموزید
محترم دارید. «حضرت محمد (ص)»

جنندگان زمین، ماهی‌های دریاها، و هر کوچک و بزرگی در زمین خدا و
آسمان او برای معلم خوبی‌ها، استغفار می‌نمایند. «امام صادق (ع)»
با آن کس که تو را سخن آموخت به درشتی سخن مگویی و با کسی که راه
نیکو سخن گفتن به تو آموخت لاف بلاغت مزن. «حضرت علی (ع)»
دانش خود را به دیگران آموزش ده و دانش دیگران را بیاموز؛ چرا که علم
خود را انفاق کرده‌ای و آنچه را نمی‌دانی آموخته‌ای. «امام حسن (ع)»
معلم را بر پدر شرف باشد به قدر آن که روح را بر جسم شرف است. زیرا
معلم سبب کمال و تربیت روحانی است و پدر سبب تربیت جسمانی. «جلال‌الدین
دوانی»

کسی که در خود آتش ندارد نمی‌تواند دیگران را گرم کند. «ضرب‌المثل آلمانی»
آموزگار در صف مقدم است و من به او اعتماد دارم و می‌دانم که با سلاح خود
یعنی کتاب ابتدائی خود بر صفوف دشمن پیروز خواهد شد. «بورگه»
من از یاد دادن آنچه یاد گرفته‌ام هرگز خسته نشده‌ام. این یگانه خدمت ناچیزی
است که من آنرا نسبت به خود می‌توانم انجام داد. «کنفوسیوس»
در هر ملت چراغی است که به عموم افراد نور می‌دهد و آن معلم است.
«ویکتور هوگو»

مردی را که مهیای آموختن است تعلیم ندادن، انسانی را به هدر دادن است.
مردی را که آماده آموختن نیست، تعلیم دادن، سخن به هدر دادن است. خردمند نه
انسان را به هدر می‌دهد و نه سخن را. «کنفوسیوس»

🔗 نظر شخصیت‌ها درباره‌ی تعلیم و تربیت و انتخاب معلم 🔗

استاد جلال‌الدین همایی: معلم، یعنی کسی که برای معلمی خلق شده و شایستگی این شغل مقدس و لیاقت این مقام و منزلت عالی را داشته باشد، بسیار گران‌بها و عزیزالوجود است.

چنین نیست که هر کس ایامی چند درس خواند و خط و سوادى به هم رسانید، یا دست بالا به مقام اجتهاد قدیم یا دکترای جدید هم رسید، واقعاً شایسته ایفاء وظیفه و شغل خطیر معلمی باشد.

استاد در تاریخ ۱۳۴۵/۵/۵ در یک سخنرانی اظهار داشته‌اند:

حدود ۳۵ سال پیش مقاله‌ای تحت عنوان «هر خواننده‌ای داننده و هر داننده‌ای آموزنده نیست» برای مجله تعلیم و تربیت نوشتم، از آن زمان تاکنون، روز به روز بر تجربه من افزوده شده است اکنون هم از بن دندان می‌گویم، «هر کس درس می‌خواند، عالم حقیقی نمی‌شود و هر عالمی هم از عهده کار معلمی بر نمی‌آید از صدها دانشجو، جز عده قلیلی واقعاً عالم نمی‌شود و از صدها عالم نیز غیر از معدودی واحد شرایط معلم حقیقی نیستند».

درست فهمیدن مطالب، هضم شدن معانی در روح، قوه تعبیر و حسن تقریر، قدرت خلاقه بیانات خطابی جهت تقریب و تأثیر مطالب در ذهن دانش‌آموزان و دانشجویان، با رعایت این شرط که «هر سخن جایی و هر نکته مکانی دارد»، حلیم و بردباری، درست‌کرداری و راست‌گفتاری حسن شفق و دلسوزی و مهربانی، مراعات شیوه دلالت و هدایت و بالجمله داشتن عواطف پدری نسبت به دانش‌آموز و دانشجو و امثال این‌ها از شرایط معلم واقعی است.

برای آن‌که معلم، از نظر جسمی و روحی تربیت هماهنگ داشته باشد و برای انجام وظیفه آماده شود، باید حداقل به مدت ۲ سال شبانه روز زیر نظر کارشناسان خبره قرار گیرد، و حتی الامکان در این مدت از تماس با محیط بیرون و خارج از مرکز تربیت معلم خودداری نماید.

در بعضی از کشورهای پیشرفته دوره دانشسراهای شبانه‌روزی دورانی چهار سال است. شایسته است، این روش را تعقیب کنیم، و به معلمان آینده جامعه خود پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک را بیاموزیم و ترتیبی بدهیم که محیط آموزشی ایشان در سطح بسیار والا قرار گیرد. به‌طور یقین وقتی محدودیت‌های موجود از نظر امکانات مادی و وسایل آزمایشگاه و ابزار کار هر رشته و سایر تجهیزات، برطرف شد شاهد رشد و شکوفایی اندیشه خواهیم بود. دانشجو حداقل باید در دانشسرای عالی برای مدت ۳ سال دوره ببیند.

برای دانشسرا باید بهترین دانش‌آموزان را به‌صورت ورودی انتخاب و گزینش کنیم و این وظائف رؤسای نواحی و مناطق آموزش و پرورش می‌باشد.

معلم دانشسرا علاوه بر مراتب فضل و دانش و بهره داشتن از علوم تربیتی باید از نظر فضایل اخلاقی بین همکاران و همگنان ممتاز باشد.

بر همین اساس «در قانون معلم» داوطلبان ورود به دانشسراها مورد تشویق و حمایت جدی قرار می‌گرفتند، و نیز برای معلمان این مراکز امتیازات ویژه‌ای در نظر می‌گرفتند. از نظر من، معلم در مقابل کار پرزحمت خود پاداش مادی ناچیزی دریافت می‌کند، اما چیزهای دیگری دریافت می‌کند که جنبه مادی ندارد و کسانی که در مشاغل دیگری کار می‌کنند از دریافت آن محروم می‌باشند و آن عبارتست از: ۱- معلم کسری درآمد خود را با لذات معنوی جبران می‌کند؛ زیرا لذتی بالاتر از آن وجود ندارد که انسان بتواند شخصیت و تکوین منش افراد را سامان دهد. و این کار معلم است. لذتی که معلم از آدم‌سازی، یعنی باز کردن چشم و گوش کودکان و جوانان و آشنا ساختن ایشان به رموز علم و پرورش قوای عقلی و اخلاقی آنها می‌برد، بیشتر از لذتی است که مهندس و معمار از ساختن یک بنای تازه یا ادیب و صنعتگر از ایجاد یک اثر ادبی و صنعتی می‌برد.

۲- معلم هر قدر جلوتر می‌رود بیشتر به نواقص علمی خود پی می‌برد و علاقه‌مند است که نواقص وجود خود را رفع کند و کمالات اخلاقی و علمی را درک کند و در حرفه معلمی می‌تواند به این هدف دست یابد.

۳- معلم به تدریج این عقیده را پیدا می‌کند که هیچ کاری پر مغزتر از کارهای علمی نیست و اگر عادت به مطالعه کرده باشد، به هیچ قیمتی کار خود را با کارهای اداری که از نظرش ماشین‌وار جلوه می‌کند، عوض نخواهد کرد.

اگر این اصول را قبول کنیم تنها کار دستگاه آموزش و پرورش آن است که با تدابیر ویژه‌ای بتوانند عده‌ای از جوانان علاقه‌مند، باهوش و مستعد را به مراکز تربیت معلم جذب نماید؛ زیرا می‌دانیم وقتی وارد مدرسه شدند و آن تربیت ویژه و عشق به معلمی را آموختند، و شروع به کار معلمی کردند، دیگر از معلمی دست نخواهند کشید.

ضمناً باید گفت همان‌طوری که لایق‌ترین فرمانده نظامی، بدون داشتن سربازان ورزیده و شجاع نمی‌تواند کاری از پیش ببرد و نخستین اقدام او تربیت سربازان و مجهز کردن ایشان است. همان‌طور یک مدیر کل یا یک رئیس آموزش و پرورش هر قدر هم که فاضل و مدیر و مدبر و فعال باشد، اگر آموزگاران و دبیران تربیت‌شده و کاردان در اختیار نداشته باشد، نمی‌تواند کار مهمی از پیش ببرد.

◀ ارشادات مرحوم محمد علی فروغی به معلمان:

۱- کوشش کنید تا مدرسه برای فرزندان ما، زندان و درس برای ایشان عذاب نباشد. بدین معنی که تلاش کنید مدرسه از نظر ساختمان و فضای سبز و بهداشت و نور و رنگ بسیار باصفا و دلپذیر باشد. به‌طوری‌که دانش‌آموزان همواره از ورود به مدرسه شادمان شوند.

۲- رفتار معلمان، معاونان، مدیران مدارس چنان باشد که همه دانش‌آموزان را جذب نمایند. نمی‌گوییم که ابهت و هیبت نداشته باشند، بلکه این حشمت و هیبت توأم با مهر و محبت باشد.

درس ادیب اگر بود زمزمه محبتی جمعه به مکتب آورد طفل گریز پای را

۳- درس را باید با شادی و مسرت توأم ساخت، مطالب باید با فهم دانش‌آموزان متناسب باشد، مخصوصاً معلمان باید مطابق ذوق و استعداد و هوش دانش‌آموزان و حتماً به زبان ایشان تدریس کنند؛ زیرا این پند بزرگ، یکی از اصول تعلیم و تربیت است:

چون سروکار تو با کودک فتاد پس زبان کودکی باید گشاد

۴- گفتار و کردار معلم باید آمیخته با ادب و کمال باشد، آنچه می‌گوید و آنچه عمل می‌کند باید برای دانش‌آموزان سرمشق باشد.

پاکیزگی، ادب، حسن خلق، راستی و درستی، نیکوکاری و شرافتمندی و صفات برجسته دیگر چیزهایی است که اگر دانش‌آموزان از معلمان، یعنی پیشوایان فکری خود ببینند، صد چندان بهتر می‌آموزند تا کتاب یا از واعظ و معلم بی‌عمل بشنوند.

۵- در تعلیم و تربیت در مرحله ابتدایی مانند مراحل دیگر باید متوجه پرورش قوه فکر و اندیشه دانش‌آموزان باشند و نه پر کردن حافظه ایشان، تمام مطالبی که آموزش می‌دهید باید دانش‌آموزان به خوبی درک کنند و یاد بگیرند، آنچه در سابق تأکید می‌کردند که نوآموز مطالبی را حفظ کند، به کلی غلط و غیراصولی و باطل است.

۶- در آموزش مطالب به نوآموزان به هیچ‌وجه شتاب نکنید، آرام‌آرام ابتدا مطالب را شفاهی و از روی نقشه و تصاویر جالب توجه یا ابزارهای آموزشی، وسایل آزمایشگاهی شرح دهید تا خود او کم‌کم با آنچه شما می‌گویید یا اهداف

مدرسه آشنا شود و بعد با نهایت دقت و با برنامه‌ریزی دقیق و زمان‌بندی شده به او کلمات و طرز محبت کردن و روش نوشتن را بیاموزید.

حضرت علی (ع) میفرماید:

«اگر کسی به فرزندان من کلمه‌ای بیاموزد اگر دهانش را پر از در و گوهر کنم هم، نمی‌توانم حق او را ادا کنم»

امام سجاد (ع) در رساله حقوق می‌فرماید:

«یکی از کسانی که حق بر گردن انسان دارد معلم است در حقیقت معلم پدر علمی آدمی است»

تعلیم و تعلم از شئون الهی است و خداوند، این موهبت را به پیامبران و اولیای پاک خویش ارزانی کرده است تا مسیر هدایت را به بشر بیاموزند و چنین شد که تعلیم و تعلم به صورت سنت حسنه آفرینش درآمد.

انسان نیز با پذیرش این مسئولیت، نام خویش را در این گروه و در قالب واژه مقدس «معلم» ثبت کرده است. معلم، ایمان را بر لوح جان و ضمیرهای پاک حک می‌کند و ندای فطرت را به گوش همه می‌رساند. همچنین سیاهی جهل را از دل‌ها می‌زداید و زلال دانایی را در روان بشر جاری می‌سازد.

معلمی شغل و حرفه نیست، بلکه ذوق و هنر توانمندی است معلمی در قرآن به‌عنوان جلوه‌ای از قدرت لایزال الهی نخست ویژه ذات مقدس خداوند تبارک و تعالی است. در نخستین آیات قرآن که بر قلب مبارک پیغمبر اکرم (ص) نازل شد، به این هنر خداوند اشاره شده است:

و خداوند در سوره علق آیات ۵-۱ می‌فرماید:

«بخوان به نام پروردگارت که جهانیان را آفرید. انسان را از خون بسته سرشت بخوان! و پروردگارت کریم‌ترین است همان‌که آموخت با قلم، آموخت به انسان آنچه را که نمی‌دانست».

در این آیات خداوند، خود را «معلم» می‌خواند و جالب این‌که معلم بودن خود را بعد از آفرینش پیچیده‌ترین و بهترین شاهکار خلقت؛ یعنی انسان آورده است. مقام معلم بودن خدا، بعد از آفرینش قرار داد. نوعی انسانی را که هیچ نمی‌دانست، به وسیله قلم آموزش داد که این از اوج خلاقیت و هنر شگفت خداوند در امر آفرینش حکایت دارد. از این‌رو، می‌توان گفت که هنر شگفت معلمی از آن خداوند عالم است.

در جای دیگر در «سوره نحل آیه ۷۸» می‌فرماید:

«و خداوند شما را از شکم‌های مادرانتان بیرون آورد درحالی‌که چیزی نمی‌دانستید و به شما چشم و گوش و قلب به تدریج اعطا کرد تا مگر دانا شوید و شکر این همه نعمت را به‌جای آورید».

یعنی انسان در بدو تولد همانند نوار خامی است که هرچه را می‌توان در آن ثبت و ضبط کرد و این هنر معلمی است که بتواند از این زمین آماده کاشت چگونه استفاده کند چه بکارد تا در آینده امید به برداشت خوب داشته باشد.

معلم باید نیروی فکری متعلم را پرورش دهد و او را به سوی استقلال رهنمون شود. باید قوه ابتکار او را زنده کند؛ یعنی در واقع، کار معلم آتش‌گیره دادن است. فرق است میان تنوری که شما بخواهید آتش از بیرون بیاورید و در آن بریزید تا آن را داغ کنید و تنوری که در آن هیزم و چوب جمع است و شما فقط آتش‌گیره از خارج می‌آورید و آن‌قدر زیر این چوب‌ها و هیزم‌ها قرار می‌دهید که این‌ها کم‌کم مشتعل شود.

می‌توان در سایه آموختن	گنج عشق جاودان اندوختن
اول از استاد، یاد آموختیم	پس، سویدای سواد آموختیم
از پدر گر قالب تن یافتیم	از معلم جان روشن یافتیم
ای معلم چون کنم توصیف تو	چون خدا مشکل توان تعریف تو
ای تو کشتی نجات روح ما	ای به طوفان جهالت نوح ما

(لقد من الله على المؤمنين اذ بعث فيهم رسولا من انفسهم يتلوا عليهم آياته و يزيكهم و يعلمهم الكتاب و الحكمة و ان كانوا من قبل لفي ضلال مبين)
(آل عمران/ آیه ۶۱)

قرآن کریم به عنوان چراغ پرفروغ و سراج و هاج که کامل ترین برنامه و قوانین را برای سعادت بشر دارد در آیات نورانی اش مکتب تعلیم و تربیت اسلامی را به زیبایی هرچه تمام ترسیم کرده است و خداوند را به عنوان اولین معلم بشر معرفی کرده که به پیامبرش در آغاز بعثت فرمود: «اقراء باسم ربك الذي خلق، خلق الانسان من علق، اقراء و ربك الاكرم الذي علم بالقلم علم الانسان ما لم يعلم» (سوره علق) و این چنین مکتب تعلیم و تربیت اسلامی به عنوان مکتبی ممتاز، مستقل و با مبانی و اصول مشخص پدیدار شد که در این مکتب علم و دانش، معلم و متعلم (شاگرد و مربی)، مدرسه و مکتب‌خانه از جایگاه بسیار ارزشمند و رفیعی برخوردارند.

کلمات رب، ربا، ربکا، ربکا، ربه، ربهها، ربهما، ربی، ربهما، ربکما که در قرآن کریم آمده است بیانگر ربوبیت ذات مقدس احدیت می باشد و اصل رب تربیت است و آن عبارت از ایجاد شیء است تا به تدریج او را به مقصد کمال و تمام رهنمون سازد. با توجه به همین جایگاه تعلیم و تربیت است که هدف از بعثت پیامبران تعلیم کتاب و حکمت و پرورش و تصفیه روح از ناخالصی ها معرفی شده است و در کلمات رسول الله (ص) آمده است (بالتعلم ارسلت)، (بعثت معلما)، (بعثت لا تتم مكارم الاخلاق) که این جملات بیانگر آن است که اسلام در زمینه تعلیم و تربیت دارای مکتبی ممتاز، مستقل با مبانی و اصولی مشخص و الهی است از جمله مبانی مطرح در مکتب تعلیم و تربیت اسلام اصل خدا محوری یا اخلاص، اصل تقدم اصلاح خود بر اصلاح دیگران، اصل توکل و اعتماد به نفس، اصل آیت بودن و نشانه شدن به سوی کمال مطلق، اصل مدارا و دوری از سخت گیری و تکلف، اصل عقلانی بودن نظام تعلیم و تربیت و اصل حاکمیت دادن به تعلیم و تربیت الهی می باشد. در مکتب تعلیم و تربیت اسلام فراگیری علم و دانش همراه با تهذیب

و تربیت دینی هدف رسالت نبوی شمرده شده و برای تحصیل علم نه محدودیت زمانی دارد و نه مکانی و از نظر معلم مرز نمی‌شناسد چرا که علم و حکمت را گمشده مؤمن می‌داند که نزد هر کس بیابد آنرا می‌گیرد. در مکتب اسلام تمام افرادش باید معلم باشند و تمام افرادش متعلم، همه باید هم تحصیل کنند و هم تدریس نمایند و انسان‌ها را الهی تربیت کنند.

معلمی وظیفه‌ای بس گران‌قدر و ارزشمند در اسلام است. اولین معلم خداوند متعال است که فرمود: الرحمن، علم القرآن... خداوند رحمان قرآن را آموخت... دومین معلم، پیامبر اکرم(ص) است که خود فرمود: من معلم برانگیخته شده‌ام و ائمه اطهار و بزرگان دین نیز هر یک معلمانی برجسته و راهنمایانی بس شایسته بوده‌اند. علاوه بر نگرشی کلی به مکتب تعلیم و تربیت اسلامی به جایگاه معلم و رسالت معلم از منظر آیات و حیانی قرآن کریم و احادیث پرداخته شده است و رسالت یک معلم قرآنی را همان رسالت خداوند و رسالت رسولان الهی در هدایت، سرپرستی و خروج از ظلمات به سوی نور و رشد و کمال بخشی انسان به قرب حضرت حق است. «لقد من الله علی المومنین اذ بعث فیهم رسولا من انفسهم یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الكتاب و الحکمه و ان کانوا من قبل لفی ضلال مبین» (آل عمران/ آیه ۴۶۱)

مقام معلم مقام والایی است، مقامی است که بالاتر از مقام معلم نیست و چنین است که وارثان انبیاء شمرده می‌شوند. چنانچه در احادیث و سخنان بزرگان آمده است و فرموده‌اند: «ان العلما ورثه الانبیاء»، یعنی دانشمندان وارثان پیامبرانند. با بررسی آیات و روایات و کلمات بزرگان دین ویژگی‌هایی که می‌تواند ارزشمندی و خوبی یک معلم را نمایان سازد احصاء کرده‌ایم که به ترتیب عبارت اند از: ریشه اساسی اخلاص در نیت و عمل همان تصفیه و تزکیه و پالایش درون باطن از همه آلودگی‌هاست.

معنای عالم با توجه به دو تعریف از علم را می‌توان از دو نگاه مورد بررسی قرار داد که در نگاه اول به علم که نگاه ترکیبی به معرفت است خداوند معلم اول و پیامبر معلم ثانی است. اما در نگاه دوم که نگاه تفکیکی به شاخه‌ای معرفت است. معلم اول ارسطو است. امروزه در زبان پارسی و عربی کلمه علم به دو معنای متفاوت به کار برده می‌شود. ۱- معنای اصلی و نخستین علم، دانستن در برابر ندانستن است. ۲- کلمه علم در معنای دوم منحصراً به دانستنی‌هایی اطلاق می‌شود که بر تجربه مستقیم حسی مبتنی باشند... علم در این جا در برابر همه دانستنی‌هایی قرار می‌گیرد که آزمون‌پذیر نیستند.

مکتب تعلیم و تربیت اسلامی رسالت‌های مهمی را برای معلم و مربی ترسیم کرده است که عبارت‌اند از: دعوت به سوی خدا و تربیت الهی، دعوت به سوی نور و تربیت نورانی، دعوت به سوی اصلاح جامعه و تربیت صالح، دعوت به پاک سازی و تربیت اخلاقی و دعوت به سوی علم و دانش و تربیت قرآنی.

با بررسی آیات و روایات و کلمات بزرگان دین ویژگی‌هایی که می‌تواند ارزشمندی و خوبی یک معلم را نمایان سازد عبارت‌اند از: اخلاص در نیت و عمل، تقید به عمل صالح، حسن خلق و فروتنی، علو همت و عفت نفس، عالم به مقتضیات زمان، توجه به مسئولیت معلمی و احساس مسئولیت (احساس بعثت) در همه حالات و زمان‌ها و ایجاد زمینه برای شکوفائی و رشد تفکر و تعقل و معنویت در متریان. علم از نظر قرآن یکی از چیزهایی است که خدابه وسیله‌ی اعطاء آن بر پیغمبران و انسان‌ها منت می‌نهد: خداوند در حق مؤمنان لطف کرد. بدان‌گاه که پیغمبری از خودشان را به سوی‌شان روانه داشت پیغمبری که آیات خدا را بر آنان می‌خواند و ایشان را پاکیزه می‌دارد و بدیشان کتاب آسمانی قرآن و اسرار شریعت می‌آموزد هر چند که پیش‌تر در گمراهی آشکار بوده باشند... . علم از نظر حدیث، میراث پیغمبران، مایه حیات اسلام، و از زمره افضل عبادات است: دانش میراث من و تو که پیغمبران پیش از من است... .

در اسلام تحصیل دانش، محض فرزاندگی صرف نیست، بلکه دانش باید مایه بینش گردد، و بینش هم منتهی به پرستش خدا شود. علاوه بر آن تحصیل علم باید در انسان ایجاد تقوا کند، چرا که قدرت مادی و علم فراوان اگر با تقوا همراه شود مایه سعادت است والا باعث شقاوت. قرآن، نخستین معلم، خدا، دومین معلم، پیغمبران و سومین معلم، علما و فرزندانگانی معرفی می‌کند.

مفهوم علم

* امروزه در زبان پارسی و عربی کلمه علم به دو معنای متفاوت به کار برده می‌شود.

۱- معنای اصلی و نخستین علم، دانستن در برابر ندانستن است. قرآن کریم به این معنا اشاره دارد که «هل یستوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون) آیا یکسانند آنان که می‌دانند و آنان که نمی‌دانند.» (زمر/۹) از این منظر به همه دانستنی‌ها صرف نظر از نوع آن‌ها علم گفته می‌شود مطابق این معنا، اخلاق، ریاضات، فقه، دستور زبان، مذهب، زیست‌شناسی و نجوم همه علم‌اند... کلمه Knowledge در انگلیسی و Connaissance در فرانسه معادل این معنا علم‌اند.

۲- کلمه علم در معنای دوم منحصرأً به دانستنی‌هایی اطلاق می‌شود که بر تجربه مستقیم حسی مبتنی باشند... علم در این جا در برابر همه دانستنی‌هایی قرار می‌گیرد که آزمون‌پذیر نیستند. اخلاق (دانش خوبی‌ها و بدی‌ها) متافیزیک (دانش احکام و عوارض مطلق هستی) عرفان (تجارب درونی و شخصی) منطق (ابزار هدایت فکر) فقه، اصول، بلاغت، و ... همه بیرون از علم به معنای دوم آن قرار می‌گیرند و همه به این معنا غیر علمی‌اند کلمه SCIENCE در انگلیسی و فرانسه معادل این معنا علم‌اند.

دیده می‌شود که علم در این معنا بخشی از علم به معنای اول را تشکیل می‌دهد و به سخن دیگر علم تجربی نوعی از انواع دانستنی‌های بسیاری است که در اختیار

بشر می‌تواند قرار گیرد. رشد علم به معنای دوم عمدتاً از آغاز دوره رنسانس به بعد است در حالی که علم به معنای مطلق آگاهی (معنای اول) تولدش با تولد بشریت هم‌آغاز است. آیه قرآنی «خلق الانسان علمه البیان» (خداوند رحمن انسان را آفرید و بیان را به وی تعلیم داد/ رحمن/ ۴ و ۳) بهترین مؤید این معناست.

معنای عالم با توجه به دو تعریف از علم

- در نگاه اول به علم که نگاه ترکیبی به معرفت است خداوند معلم اول و پیامبر معلم ثانی است چرا که پس از تعلیم آدم توسط خداوند دستور «قال یا آدم انبئهم باسمائهم» (ای آدم ملائکه را به این اسماء آگاه ساز/ بقره ۳۳) آدم علیه‌السلام داده شده این بدان جهت است که اساساً هدف آفرینش انسان با علم و معرفت پیوند ناگستنی دارد در بیان رسا و جامع سید شهیدان امام حسین (ع) این معنا به خوبی روشن است که:

«ما خلق العباد الا ليعرفوه، فاذا عرفوه عبدوه» (بندگان را نیافرید مگر برای آن که او را بشناسند پس چون او را شناختن عبادتش خواهند کرد. - در این معنا هدف از ارسال معلم ثانی ارائه معرفتی است که انسان به واسطه آن به عبادت می‌رسد «هو الذی بعث فی الامیین رسولاً منهم تیلوا علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمه و ان کانوا من قبل لفی ضلال مبین» (اوست خدایی که پیامبر بزرگوار از میانشان برانگیخت تا بر آنان آیات وحی را تلاوت کند و آنان را پاک سازد و شریعت کتاب و حکمت الهی را بیاموزد که پیش از این همه در ورطه‌ی جهالت و گمراهی بودند (جمعه/ ۲) در این آیه همه علوم از جمله بیان، اخلاق، تعلیم کتاب و حکمت، برای رهایی از گمراهی و یافتن راه هدایت (عبادت) توسط پیامبر (ص) معرفی شده است.

- در نگاه دوم که نگاه تفکیکی به شاخه‌ای معرفت است. معلم اول ارسطو است چرا که: وی نخستین واضع علم منطقی بود... و راه دلیل و برهان منطقی را باز نمود،

و معلم ثانی نیز ابونصر فارابی است به خاطر آن که او اول بار کتب حکمت یونانی را که ارسطو و غیره تحریر کرده‌اند از یونانی به عربی ترجمه کرد و تعلیم داد... .

قرآن کریم به عنوان چراغ پرفروغ و سراج و هاج که کامل‌ترین برنامه و قوانین را برای سعادت بشر دارد در آیات نورانی‌اش مکتب تعلیم و تربیت اسلامی را به زیبایی هرچه تمام ترسیم نموده است و خداوند را به عنوان اولین معلم بشر معرفی نموده که به پیامبرش در آغاز بعثت فرمود: (اقراء باسم ربك الذی خلق، خلق الانسان من علق، اقراء و ربك الاكرم الذی علم بالقلم علم الانسان ما لم یعلم) (سوره علق) و این چنین مکتب تعلیم و تربیت اسلامی به عنوان مکتبی ممتاز، مستقل و با مبانی و اصول مشخص پدیدار گردید که در این مکتب علم و دانش، معلم و متعلم (شاگرد و مربی) و مدرسه و مکتب‌خانه از جایگاه بسیار ارزشمند و رفیعی برخوردارند. ما در این مقاله علاوه بر نگرشی کلی به مکتب تعلیم و تربیت اسلامی به جایگاه معلم و رسالت معلم و ویژگی‌های یک معلم از منظر آیات و حینانی قرآن کریم و روایات نورانی حضرات معصومین (علیهم‌السلام) پرداخته‌ایم و رسالت یک معلم قرآنی را همان رسالت خداوند و رسالت رسولان الهی در هدایت، سرپرستی و خروج از ظلمات به سوی نور و رشد و کمال‌بخشی انسان به قرب حضرت حق دانسته‌ایم.

مفهوم علم و معلم

کلمه علم در دو مفهوم عام و خاص معنی می‌شود.

معنای نخستین علم دانستن در برابر ندانستن است و قرآن کریم به این معنا نیز اشاره دارد که «آن‌هایی که می‌دانند با آن‌هایی که نمی‌دانند یکسان نیستند» از این دیدگاه به همه‌ی دانستنی‌ها، صرف‌نظر از نوع آن علم اطلاق می‌شود. اما در نگاه خاص‌تر به علم، صرفاً به دانستنی‌هایی اطلاق می‌شود که مبتنی بر تجربه حسی بوده و در این معنا علم در برابر همه دانش‌هایی قرار می‌گیرد که آزمون‌پذیر نیستند. علم به معنای اول با تولد و ظهور بشریت همراه بوده است و همیشه نیز وجود

خواهد داشت. اما در معنای دوم در طی مراحل مختلف تاریخی در حال شکل‌گیری است. معلم نیز از کلمه علم به دست می‌آید و در فرهنگ لغت به معنای تعلیم‌دهنده، آموزنده، مدرس، آموزگار و استاد و شیخ آمده است. بنابراین در دیدگاه اول و معنای نخست با علم ترکیبی از شناخت است و در این نگاه، خداوند متعال اول معلم بشریت است چرا که در قرآن می‌فرمایند «عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا» و پیامبران، فرستادگان الهی، دومین معلم بشریت هستند و این بدان دلیل است که در اصل هدف آفرینش انسان با علم و معرفت پیوند ناگسستنی دارد. در حقیقت معلمان ثانی همانا شاگردان برجسته و برگزیده مکتب حق هستند که بر اساس مشیت الهی به مقام و رتبه معلمی دیگر آحاد بشر رسیده‌اند و با رسیدن به چنین مقامی اعتبار و منزلت یافته‌اند. آنان با الهام خداوند و تربیت نفس تا سرحد خلافت معلم اول ارتقاء یافتند.

بنابراین خداوند متعال هم معلم عمومی افراد بشر است و هم شاگردان ممتاز و برجسته خصوصی دارد که شاگردان این تدریس خصوصی همان انبیاء و برگزیدگان درگاهش هستند. نمونه عینی ارزش و مقام معلم را در سیمای انبیاء و امامان معصوم و بزرگان دینی به وضوح می‌توان یافت.

معلمان بزرگ و راستین سعی دارند تا انسان را بیدار نمایند و زوایای روح در خواب عمیق فرورفته را آگاه سازند. معلم علاوه بر آن که مطالبی را که تاکنون در ذهن افراد نیامده است، یاد می‌دهد، به کمک نور تذکر، تنبیه و یادآوری، اشخاص را از ظلمت گناه و عصیان و تاریکی‌ها و آلودگی‌ها بیرون می‌آورند و به فضای نورانی تقوا و پارسایی و پاکیزگی سوق می‌دهند.

هدف علم

به طور خلاصه به دو نکته‌ی تکان‌دهنده اشاره می‌کنیم:

الف - در اسلام تحصیل دانش، محض فرزاندگی صرف نیست، بلکه دانش باید

مایه بینش گردد، و بینش هم منتهی به پرستش خدا شود:

وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ (ذاریات/ ۵۶)

[پری‌ها و انسان‌ها را جز برای پرستش خویش نیافریده‌ام...]

به عبارت دیگر علمی معتبر است که با عمل تلفیق گردد:

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ (بینه/ ۷)

[کسانی که ایمان می‌آورند و کارهای شایسته می‌کنند، بهترین مردمانند...]

ب- علاوه بر آن تحصیل علم باید در انسان ایجاد تقوا کند، چرا که قدرت

مادی و علم فراوان اگر با تقوا همراه شود مایه سعادت است والا باعث شقاوت:

إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ (حجرات/ ۱۳)

[قطعاً پرهیزگارتین شما، گرامی‌ترین شما در پیش‌گاه خدا است...]

❧ مقام علم از دیدگاه قرآن

علم از نظر قرآن یکی از چیزهایی است که خدایه و سیله‌ی اعطاء آن بر پیغمبران

و انسان‌ها منت می‌نهد:

لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ

وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِن كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (آل عمران/ ۶۴)

خداوند در حق مؤمنان لطف کرد. بدان‌گاه که پیغمبری از خودشان را به

سوی‌شان روانه داشت پیغمبری که آیات خدا را بر آنان می‌خواند و ایشان را پاکیزه

می‌دارد و به ایشان کتاب آسمانی قرآن و اسرار شریعت می‌آموزد هر چند که

پیش‌تر در گمراهی آشکار بوده باشند...

❧ مقام علم از دیدگاه حدیث

علم از نظر حدیث، میراث پیغمبران، مایه حیات اسلام، و از زمره افضل عبادات است:

«العلم میراثی و میراث الانبیا قبلی»

[دانش میراث من و تو که پیغمبران پیش از من است...]

مکان و زمان کسب علم

گستره‌ی زمانی و مکانی دانش‌اندوزی در اسلام، در ازای عمر انسان، و پهنای جهان است:

«طلب العلم فریضه علی کل مسلم»

[تحصیل علم بر هر مسلمانی واجب است...]

مقام معلم از دیدگاه قرآن

نخستین معلم، خدا است: «وَ عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا» (بقره/۳۱)

[به آدم نام‌های (اشیا و خواص و اسرار چیزهایی را که نوع انسان از لحاظ پیشرفت مادی و معنوی آمادگی فراگیری آن‌ها را داشت، به دل او الهام کرد و بدو) همه را آموخت...]

دومین معلم، پیغمبرانند:

«وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رُسُلًا إِلَى قَوْمِهِمْ فَجَاءُوهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ (روم/۴۷)

[ما پیش از تو، پیغمبران بزرگواری به سوی اقوام خود روانه کرده‌ایم و ایشان برای آنان دلیل‌ها و برهان‌ها ذکر کرده‌اند و بدیشان معجزات روشنی نموده‌اند...]

سومین معلم، علما و فرزندانگاند:

«الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا» (احزاب/۳۹)

[کسانی هستند که رسالت‌های خدا را می‌رسانند و از او می‌ترسند و از کسی

جز خدا نمی‌ترسند، و کافی است که خدا حسابرس باشد...]

اسلام معلم را به‌عنوان پدر روحانی معرفی می‌کند و می‌گوید: «اب معلمک»

یعنی یکی از پدران ثلاثه تو، معلمی است که به تو دانش می‌آموزد و بنابراین تمام

حقوقی که درباره پدر و مادر رعایت می‌شود باید در حق معلم به‌صورت کامل‌تری

رعایت شود. نام معلم چنان با عظمت است که در جای‌جای متون اسلامی از او

تجلیل به عمل آمده تا به آن حد که خداوند علیم خود را معلم خوانده و رسول الله (ص) فرموده‌اند: «انما بعثت معلما»، امام خمینی (ره) نیز در این مورد فرموده‌اند: «معلم اول، خدای تبارک و تعالی است که اخراج می‌کند مردم را از ظلمات به نور و به وسیله انبیا و آیات و حیانی مردم را دعوت می‌کند به نورانیت، دعوت می‌کند به کمال، به عشق و به محبت و به مراتب کمالی که از برای انسان است، دعوت می‌کند. به دنبال او انبیا هستند که همان مکتب الهی را نشر می‌دهند و آن‌ها هم شغل‌شان تعلیم است، معلمند، معلم بشرند، آن‌ها هم شغل‌شان این است که مردم را تربیت کنند و انسان را تربیت کنند که از مقام حیوانیت بالا برود و به مقام انسانیت برسد. مقام معلم مقام والایی است، مقامی است که بالاتر از مقام معلم نیست و چنین است که وارثان انبیا شمرده می‌شوند. چنانچه در احادیث و سخنان بزرگان آمده است و فرموده‌اند: «ان العلما ورثه الانبیاء»، یعنی دانشمندان وارثان پیامبرانند.

معلم شمع سوزان و فروزان هدایت است که نورش بر اساس حدیث مشهور «العلم نور یقذفه الله فی قلب من یشاء» از منبع اصلی نور یعنی خدا دریافت داشته و برای نورافشانی قلوب و بینا کردن آن‌ها به منظور هدایت در طرح مستقیم و رسیدن به قرب الهی که مقصد نهایی انسان است تلاش می‌کند، معلم راهبر دل‌ها به قله‌های کمال و سعادت است معلم به مثابه باغبانی دل‌سوز است که بذر ایمان می‌افشاند و گل تقوا می‌پروراند.

جایگاه و شأن معلم و استاد تا بدان‌جاست که رسول الله (ص) در کلامی به حضرت علی (ع) فرموده‌اند: «یا علی اگر یک فرد به وسیله تو و (به مدد الهی) طریق هدایت را باز یابد و به حق رهنمون گردد پر ارزش‌تر و بهتر از آن است که مالک شتران سرخموی فراوان باشی».

معلمان مایه حرکت و برکت جامعه هستند و حضرت علی (ع) فرموده است: «العلما باقون ما بقی الدهر اعیانهم مفقوده و امثالکم فی القلوب موجوده» دانشمندان

تا پایان جهان زنده‌اند، شخص آن‌ها در میان نیست اما آثارشان در قلب‌ها موجود است و چنین است که علما به مقام شفاعت می‌رسند.»

پیامبر گرامی اسلامی در این مورد فرموده‌اند: «یشفع یوم القیامه الانبیاء ثم العلماء، ثم الشهداء» روز قیامت نخست انبیا شفاعت می‌کنند، سپس علما و بعد از آن‌ها شهیدان، و چنین است که از خدا می‌ترسند و به مقام عالی خشیت می‌رسند، یعنی تنها دانشمندان هستند که از خدا می‌ترسند و خشیت یعنی ترس از مسئولیت توأم با درک عظمت مقام پروردگار و این حالت خشیت مولود سیر در آیات آفاقی و انفسی و آگاهی از علم و قدرت پروردگار و هدف آفرینش است.

در نظام تعلیم و تربیت اسلام معلم مسئول تمام مقدراتی است که برای یک کشور یا جامعه پیش می‌آید و مسوول تمام مقدراتی است که برای یک کشور یا جامعه پیش می‌آید و مسوول تمام انسان‌هایی است که زیر دست او باید تربیت بشوند. معلم اگر خودسازی کند و تهذیب نفس کند و حاکم بر خود باشد افراد یک جامعه صالح و صالحه خواهند بود و اگر خدای ناخواسته معلم تربیت دینی نداشته باشد سبب انحراف نسل‌ها و عصرها می‌شود و جامعه‌ای را به خرابی می‌کشاند و همه سعادت‌ها و همه شقاوت‌ها از مدرسه‌هاست و کلیدش به دست معلم است و این موضوع حکایت‌گر جایگاه خطیر و بسیار مهم معلم و مربی است، امام باقر (ع) فرموده‌اند: «عالم یتففع بعلمه افضل من سبعین الف عابد»

پس از نهاد خانه و خانواده که کانون پر مهر و محبت پدر و مادر است مدرسه مهم‌ترین مکان برای تعلیم و تربیت است جایی که محل بروز و ظهور رسالت خطیر معلمی است که اگر او معلمی کند راه انحراف بسته می‌شود و در زندان‌ها مسدود می‌گردد. مکتب تعلیم و تربیت اسلامی رسالت‌های مهمی را برای معلم و مربی ترسیم کرده است.

یکی از اهداف عالیه در دعوت انبیا که سرلوحه کار آن‌ها محسوب می‌شود دعوت به خدا و تربیت مردم برای حرکت در مسیر کمال معبود است. خداوند

متعال از زبان پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «الا تعبدوا الا الله» نخستین دعوت من این است که به جز خدای یگانه را نپرستید.» و معلم بایستی همه چیزش برای خدا باشد (اقرء باسم ربك الذی خلق) آموزشش برای خدا، تربیتش برای خدا، اعمالش برای خدا، نشستش برای خدا، سکوتش برای خدا، با توجه به خداست که می‌شود تربیت الهی کرد.

در قرآن کریم آمده است «رسولا یتلوا علیکم آیات الله مبینات لیخرج الذین آمنوا و عملوا الصالحات من الظلمات الی النور»، یکی از اهداف عالیه در دعوت انبیا اخراج مردم از ظلمات به سوی نور بوده است که با تلاوت آیات الهی آنها را از ظلمت‌های کفر، جهل، گناه و فساد اخلاق بیرون آورده به سوی نور ایمان و تقوی و سعادت هدایت می‌کند.

رسالت معلم در جامعه همان رسالت خداوند است که فرموده است: «الله ولی الذین آمنوا یخرجهم من الظلمات الی النور» یعنی خدای تبارک و تعالی ولی مؤمنین است و آنها را از ظلمات به سوی نور خارج می‌کند. نقش سرپرستی، دلسوزی و خروج آگاهانه افراد از ظلمات به سوی نور به عهده معلم گذاشته شده است، معلم همانند انبیاء که معلم بشریت هستند، بشریت را معلمی می‌کند و چه بسا با تربیت نورانی یک نفر جهانی را متحول کند.

در قرآن کریم آمده است «ان ارید الا الاصلاح ما استطعت و ما توفیقی الا بالله» من جز اصلاح تا آنجا که توانایی دارم و توفیق من جز به خدا نیست. این شعار تربیتی همه انبیا الهی بوده که توأم با عمل تربیتی آنها اسباب اصلاح در تفکر، اندیشه، اخلاق و نظامات فرهنگی، اقتصادی و سیاسی جامعه را در همه ابعاد پدید آورده است و رسالت معلمی نیز چنین است که با کسب توفیق الهی به اصلاح فرهنگ و تربیت فکر و مغزهای متفکر می‌پردازد تا تمامی عرصه‌های جامعه به سمت اصلاح حرکت کند.

در قرآن کریم آمده است «فقولا قولاً لینها لعله یتذکر او یخشی» این آیه اشاره لطیفی به این حقیقت است که رسالت انبیا برای پاکسازی انسان‌ها و بازگرداندن طهارت فطری نخستین به آن‌هاست. نخستین دستور قرآن برخورد ملایم و توأم با مهر و عطوفت انسانی است. هدف آن است که مردم جذب بشوند، متذکر شوند راه پیدا کنند. توقع اصلاح جامعه بدون اصلاح مریبان و معلمان آن جامعه توقعی بی‌جا و نارواست. لذا پاکسازی و خودسازی را هرکس باید خودش شروع کند و عقاید و اخلاق و اعمالش را تطبیق با اسلام بدهد آن‌وقت به اصلاح دیگران بپردازد. تربیت اخلاقی کند و احساس مسئولیت اخلاقی را در همه عرصه‌ها در مریبان رشد دهد و آن‌ها را متعهد به جامعه اسلامی تحویل دهد.

با بررسی آیات و روایات و کلمات بزرگان دین ویژگی‌هایی که می‌تواند ارزشمندی و خوبی یک معلم را نمایان سازد احصاء کرده‌ایم که به ترتیب عبارت‌اند از: ریشه اساسی اخلاص در نیت و عمل همان تصفیه و تزکیه و پالایش درون باطن از همه آلودگی‌هاست. امام صادق (ع) می‌فرماید: «کونوا دعاه الناس باعمالکم و لا تکنوا دعاه بالستکم»، امام صادق (ع) هم چنین می‌فرماید: اثر تعلیم معلم بدون عمل صالح را به بارانی تشبیه می‌کند که روی صخره می‌ریزد و بر روی آن می‌لغزد و تأثیری ندارد.

جایگاه معلم در مکتب تعلیم و تربیت اسلامی

اسلام معلم را به عنوان پدر روحانی معرفی می‌کند و می‌گوید: (اب معلمک) یعنی یکی از پدران ثلاثه تو، معلمی است که به تو دانش می‌آموزد و بنابراین تمام حقوقی که درباره پدر و مادر رعایت می‌شود باید در حق معلم به صورت کامل تری رعایت گردد. نام معلم چنان با عظمت است که در جای‌جای متون اسلامی از او تجلیل به عمل آمده تا به آن حد که خداوند علیم خود را معلم خوانده و رسول‌الله (ص) فرموده‌اند: (انما بعثت معلما). امام خمینی (ره) فرموده‌اند:

(معلم اول، خدای تبارک و تعالی است که اخراج می‌کند مردم را از ظلمات به نور و به وسیله انبیاء و آیات و حیانی مردم را دعوت می‌کند به نورانیت، دعوت می‌کند به کمال، دعوت می‌کند به عشق، دعوت می‌کند به محبت، دعوت می‌کند به مراتب کمالی که از برای انسان است. به دنبال او انبیاء هستند که همان مکتب الهی را نشر می‌دهند و آن‌ها هم شغل‌شان تعلیم است، معلمند، معلم بشرند، آن‌ها هم شغل‌شان این است که مردم را تربیت کنند و انسان را تربیت کنند که از مقام حیوانیت بالا برود و به مقام انسانیت برسد.

مقام معلم مقام والایی است، مقامی است که بالاتر از مقام معلم نیست و چنین است که وارثان انبیاء شمرده می‌شوند. چنانچه امام صادق (ع) فرموده‌اند: (ان العلماء ورثه الانبیاء) یعنی دانشمندان وارثان پیامبرانند.

معلم شمع سوزان و فروزان هدایت است که نورش بر اساس حدیث مشهور (العلم نور یقذفه الله فی قلب من یشاء) از منبع اصلی نور یعنی خدا دریافت داشته و برای نورافشانی قلوب و بینا نمودن آن‌ها به منظور هدایت در طرح مستقیم و رسیدن به قرب الهی که مقصد نهائی انسان است تلاش می‌کند، معلم راهبر دل‌ها به قله‌های کمال و سعادت است معلم به مثابه باغبانی دل‌سوزاست که بذریع ایمان می‌افشاند و گل تقوا می‌پروراند.

جایگاه و شأن معلم و استاد تا بدان‌جاست که رسول‌الله (ص) در کلامی به امام علی (ع) فرموده‌اند:

(یا علی اگر یک فرد به‌وسیله تو و (به‌مدد الهی) طریق هدایت را باز یابد و به حق رهنمون گردد پر ارزش‌تر و بهتر از آن است که مالک شتران سرخ‌موی فراوان باشی)

معلمین مایه‌ی حرکت و برکت جامعه هستند و امام امیر المومنین علی (ع) فرموده است: (العلماء باقون ما بقى الدهر اعیانهم مفقوده و امثالکم فی القلوب

موجوده) دانشمندان تا پایان جهان زنده‌اند، شخص آن‌ها در میان نیست اما آثارشان در قلب‌ها موجود است و چنین است که علما به مقام شفاعت می‌رسند)
 رسول‌الله (ص) فرموده‌اند: (يشفع يوم القيامة الانبياء ثم العلماء، ثم الشهداء) روز قیامت نخست انبیاء شفاعت می‌کنند، سپس علما و بعد از آن‌ها شهیدان، و چنین است که از خدا می‌ترسند و به مقام عالی خشیت می‌رسند، یعنی تنها دانشمندان هستند که از خدا می‌ترسند و خشیت یعنی ترس از مسئولیت توأم با درک عظمت مقام پروردگار و این حالت خشیت مولود سیر در آیات آفاقی و انفسی و آگاهی از علم و قدرت پروردگار و هدف آفرینش است.

در نظام تعلیم و تربیت اسلام معلم مسؤل تمام مقدراتی است که برای یک کشور یا جامعه پیش می‌آید و مسؤل تمام انسان‌هایی است که زیر دست او باید تربیت بشوند. معلم اگر خودسازی کند و تهذیب نفس نماید و حاکم بر خود باشد افراد یک جامعه صالح و صالحه خواهند بود و اگر خدای ناخواسته معلم تربیت دینی نداشته باشد سبب انحراف نسل‌ها و عصرها می‌گردد و جامعه‌ای را به خرابی می‌کشاند و همه سعادت‌ها و همه شقاوت‌ها از مدرسه‌هاست و کلیدش به دست معلم است و این موضوع حکایت‌گر جایگاه خطیر و بسیار مهم معلم و مربی است، امام باقر (ع) فرموده‌اند: (عالم یتففع بعلمه افضل من سبعین الف عابد)

معلم در آیات و روایات

همان‌گونه که آوردیم علم و معلم یا تعلیم و تعلم با آفرینش بشر همراه بوده و در اولین آیات قرآن به پیامبر بحث آموختن و یاد دادن مطرح شده است. «الذی علم بالقلم، علم الانسان مالم یعلم» و در سوره الرحمن می‌خوانیم «و الرحمن علم القرآن خلق الانسان علم البیان» برای دانستن مقام و منزلت معلم در آیات کافی است تا قرآن کریم، نهج‌البلاغه و احادیث روایات را مرور کنیم، آن‌گاه به عظمت و ارزش این مقام بهتر پی می‌بریم. در آیه‌ای دیگر می‌خوانیم «یرفع الله الذین آمنوا

منکم و الذین اوتو العلم درجات»، خداوند آنان را که ایمان آورده و آنان را که دارای علم‌اند، چندین درجه بالا می‌برد. و یا «قل هل یتوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون انما یتذکر اولوالالباب» بگو آیا آن‌هایی که می‌دانند با آن‌هایی که نمی‌دانند برابرنند؟ رسول اکرم (ص) در ضمن حدیثی فرموده‌اند: من برای تعلیم و آموزش فرستاده شده‌ام» و یا حضرت علی (ع) می‌فرماید: دانشمندان تا روزگار باقی است پایدارند، بدن‌های‌شان مفقود و آثار آنان در قلب‌ها موجود می‌باشد.

پیامبر اعظم فرموده‌اند: «مثل عالمان و معلمان در زمین، مثل ستارگان در آسمان است که مردم در تاریکی‌های خشکی و دریا، به کمک آنان راه خود را پیدا می‌کنند و هرگاه این ستارگان خاموش شوند، بسا راه‌یافتگان نیز گمراه شوند»

آوردن حتی شمه‌ای از ارزش و مقام معلم در آیات و روایات در این وجیزه هرگز نمی‌گنجد و از باب تبرک فقط به همین چند حدیث گهربار اکتفا می‌کنیم تا بگوییم که «گر نکته‌دان عشقی بشنو تو این حکایت...»، چرا که از قدیم گفته‌اند در خانه اگر کس هست یک حرف بس است تا ارزش و مقام معلمی را در آیات و روایات بدانیم و خود بیش‌تر و بهتر دنبال نماییم. معلمی در منظر آیات و روایات جلوه‌ای از قدرت لایزال الهی است که از مجموع آن می‌توان به این سخن مشهور امام (ره) که فرمودند معلمی شغل انبیاست بهتر پی ببریم و بهتر بدانیم که معلمی هنر است که باید به آن عشق ورزید.

رسالت معلمان و مربیان

پس از نهاد خانه و خانواده که کانون پر مهر و محبت پدر و مادر است مدرسه مهم‌ترین مکان برای تعلیم و تربیت است جایی که محل بروز و ظهور رسالت خطیر معلمی است که اگر او معلمی کند راه انحراف بسته می‌شود و در زندان‌ها مسدود می‌گردد. مکتب تعلیم و تربیت اسلامی رسالت‌های مهمی را برای معلم و مربی ترسیم کرده است که به ترتیب به طرح آن‌ها می‌پردازیم.

دعوت به سوی خدا و تربیت الهی

یکی از اهداف عالیّه در دعوت انبیاء که سر لوحه کار آنها محسوب می‌شود دعوت به خدا و تربیت مردم برای حرکت در مسیر کمال معبود است. خداوند متعال از زبان پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: (الا تعبدوا الا الله) نخستین دعوت من این است که به جز خدای یگانه را نپرستید. و معلم بایستی همه چیزش برای خدا باشد (اقرء باسم ربک الذی خلق) آموزشش برای خدا، تربیتش برای خدا، اعمالش برای خدا، نشستش برای خدا، سکوتش برای خدا، با توجه به خداست که می‌شود تربیت الهی نمود.

دعوت به سوی نور و تربیت نورانی

در قرآن کریم آمده است (رسولا یتلوا علیکم آیات الله مبینات لیخرج الذین آمنوا و عملوا الصالحات من الظلمات الی النور) یکی از اهداف عالیّه در دعوت انبیاء اخراج مردم از ظلمات به سوی نور بوده است که با تلاوت آیات الهی آنها را از ظلمت‌های کفر، جهل، گناه و فساد اخلاق بیرون آورده به سوی نور ایمان و تقوی و سعادت هدایت می‌نماید. رسالت معلم در جامعه همان رسالت خداوند است که فرموده است: (الله ولی الذین آمنوا یخرجهم من الظلمات الی النور) یعنی خدای تبارک و تعالی ولی مومنین است و آنها را از ظلمات به سوی نور خارج می‌کند. نقش سرپرستی، دلسوزی و خروج آگاهانه افراد از ظلمات به سوی نور به عهده معلم گذاشته شده است، معلم همانند انبیاء که معلم بشریت هستند، بشریت را معلمی می‌کند و چه بسا با تربیت نورانی یک نفر جهانی را متحول کند.

دعوت به سوی اصلاح جامعه و تربیت صالح

در قرآن کریم آمده است (ان ارید الا الاصلاح ما استطعت و ما توفیقی الا بالله) من جز اصلاح تا آنجا که توانایی دارم و توفیق من جز به خدا نیست. این شعار

تربیتی همه‌ی انبیاء الهی بوده که توأم با عمل تربیتی آن‌ها اسباب اصلاح در تفکر، اندیشه، اخلاق و نظامات فرهنگی، اقتصادی و سیاسی جامعه را در همه‌ی ابعاد پدید آورده است. و رسالت معلمی نیز چنین است که با کسب توفیق الهی به اصلاح فرهنگ و تربیت فکر و مغزهای متفکر می‌پردازد تا تمامی عرصه‌های جامعه به سمت اصلاح حرکت نماید.

دعوت به پاکسازی و تربیت اخلاقی

در قرآن کریم آمده است (فقولا قولاً لینها لعله یتذکر او یخشی) این آیه اشاره لطیفی به این حقیقت است که رسالت انبیاء برای پاکسازی انسان‌ها و بازگرداندن طهارت فطری نخستین به آن‌ها است. نخستین دستور قرآن برخورد ملایم و توأم با مهر و عطف انسانی است. هدف آن است که مردم جذب بشوند، متذکر شوند راه پیدا کنند.

توقع اصلاح جامعه بدون اصلاح مربیان و معلمان آن جامعه توقعی بی‌جا و نارواست. لذا پاکسازی و خودسازی را هر کس باید خودش شروع کند و عقاید و اخلاق و اعمالش را تطبیق با اسلام بدهد آن وقت به اصلاح دیگران پردازد. تربیت اخلاقی کند و احساس مسئولیت اخلاقی را در همه عرصه‌ها در مربیان رشد دهد و آن‌ها را متعهد به جامعه اسلامی تحویل دهد.

دعوت به سوی علم و دانش و تربیت قرآنی

در قرآن کریم آمده است (قل هل یتوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون) یعنی بگو آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند یکسانند، مهم‌ترین دعوت انبیاء به سوی علم و دانش بوده به طوری که رسول الله (ص) فرموده‌اند: (بالتعلیم ارسلت) یعنی من برای تعلیم فرستاده شده‌ام و باید دانست علم در آیات قرآن به معنی داشتن یک‌سری اصطلاحات و الفاظ نیست بلکه منظور از علم آن معرفت و

آگاهی خاصی است که انسان را به اطاعت پروردگار و ترس و امید از خدا دعوت می‌کند. اگر در یک قلب تربیت شده این علم وارد بشود عطرش عالم را می‌گیرد و همه استعدادها در پرتو آن شکوفا می‌شود و جامعه به سوی اصلاح و کمال حرکت می‌نماید. و چنین علمی در پرتو تربیت قرآنی میسر می‌گردد تربیتی که نور علم را در وجود انسان جلوه‌گر می‌سازد.

برآیند تربیت قرآنی این است که:

- ۱- تربیت‌یافته‌گان با تقوا و خدا ترس باشند.
- ۲- تربیت‌یافته‌گان خادم اسلام و قرآن و مردم باشند.
- ۳- تربیت‌یافته‌گان برنامه‌دار و هدفمند به سوی سعادت جامعه حرکت کنند.
- ۴- تربیت‌یافته‌گان موجبات رشد و ارتقاء مقام انسانی را برای مردم فراهم کنند.
- ۵- تربیت‌یافته‌گان نه خود و نه دیگران را بنده طاغوت نکنند.
- ۶- تربیت‌یافته‌گان نیازهای زمانه و علوم مربوط به آن را برای خدا فرا گیرند و به‌کار بندند.

ویژگی های یک معلم خوب

با بررسی آیات و روایات و کلمات بزرگان دین ویژگی‌هایی که می‌تواند ارزشمندی و خوبی یک معلم را نمایان سازد احصاء نموده ایم که به ترتیب عبارتند از:

- ۱- **اخلاص در نیت و عمل:** ریشه اساسی اخلاص در نیت و عمل همان تصفیه و تزکیه و پالایش درون باطن از همه‌ی آلودگی‌هاست.
- ۲- **تقید به عمل صالح:** امام صادق (ع) می‌فرماید: (کونوا دعاه الناس باعمالکم و لا تکنوا دعاه بالستکم)، امام صادق هم‌چنین می‌فرمایند: اثر تعلیم معلم بدون عمل صالح را به بارانی تشبیه می‌کند که روی صخره می‌ریزد و بر روی آن می‌لغزد و تأثیری ندارد.

۳- حسن خلق و فروتنی: امام صادق (ع) فرموده‌اند: (رأس العلم التواضع)

۴- علو همت و عفت نفس: رسول الله فرموده‌اند: (الفقهها امناء الرسل)

۵- عالم به مقتضیات زمان: بچه‌های ما در هر زمانی موافق آن زمان باید

تربیت شوند.

۶- توجه به مسولیت معلمی و احساس مسولیت (احساس بعثت) در همه

حالات و زمان‌ها.

۷- ایجاد زمینه برای شکوفایی و رشد تفکر و تعقل و معنویت در متریان.

فرق تربیت الهی یا مکتب الهی، با تربیت‌ها و مکتب‌های زمینی، که نتیجه‌ای

این چنین دارد، در دو چیز عمده است:

۱- تربیت الهی یا مکتب الهی، تمام جنبه‌های شخصیت آدمی را مورد توجه

قرار می‌دهد، در صورتی که تربیت‌های غیر الهی یا مکتب‌های زمینی، یک یا چند

بعد از شخصیت انسان را در نظر می‌گیرند، و تحت تأثیر شرایط زمانی و مکانی و

اجتماعی و دیگر عوامل قرار دارند.

۲- مکتب‌های غیر الهی حیات انسان را به فاصله‌ی میان انعقاد نطفه و مرگ،

محدود می‌سازد. در صورتی که در مکتب الهی، حیات انسان جاودانه است، و دنیا و

آخرت را در بر دارد...

اسلام ارزش بسیاری برای علم و معلم قایل است. مکتبی است که نخستین

کلام آن با قرائت و علم و قلم و تعلیم و تعلم آغاز می‌گردد: اِقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي

خَلَقَ (۱) خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ (۲) اِقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ (۳) الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ (۴) عَلَّمَ

الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ (۵) (علق ۱-۵)

بخوان به نام پروردگارت. آن که انسان را از خون بسته بیافرید. بخوان و بدان

که پروردگارت بزرگوارتر از هر کسی است. پروردگارت که با قلم به مردم چیزها

را تعلیم داده است. به مردم چیزهایی آموخته است که نمی‌دانسته‌اند.

فرجام سخن

از مجموعه مباحث می‌توان به این یافته‌ها رسید که:

۱- ارزش و مقام معلم از چنان قداستی برخوردار است که در حقیقت با نگاهی الهی به معلم می‌توان دریافت که معلم می‌تواند زبان واسطه فیض الهی باشد و از این رو شغل انبیاء را دارد و معلم اگر در مسیر ارزش‌ها گام بردارد و کارش الهی باشد در حقیقت فرزندان معنوی پرورش می‌دهد و این با ارزش‌ترین خدمت معلم به جامعه است.

۲- شأن و منزلت و مقام معلمی همان‌گونه که در آیات و روایات و تأکید بزرگان دین و جامعه آمده است اقتضاء می‌کند که به معلم و مسئولیت خطیر او با بصیرت و اعتبار خاص و ویژه‌ای نگاه شود و لذا بزرگداشت معلم در روز و هفته خاصی به این مناسبت نمی‌تواند قدردانی واقعی و راستین از زحمات آنان و بها دادن به ارزش و مقام آنان باشد بلکه باید در طول سال معلمان مورد تجلیل قرار گیرند.

۳- در بررسی مشکلات معلمان، در نخستین گام کمبودهای مالی خودنمایی می‌کند، اما راقم این سطور معتقد است که درک معلم در جامعه از یک طرف و اعطای عزت حرفه‌ای از طرف دیگر خصوصاً برای معلمان حق‌التدریس که سال‌های سال با کم‌ترین حقوق کار می‌کنند، کم‌تر از مشکلات مالی نیست. حفظ شئون معلمی توسط خود معلمان و درک متقابل جامعه از مسئولیت معلمی و احترام و تکریم این جایگاه که به شدت مورد تأکید دین مبین اسلام و خاصه اسلام فقهتی و ناب و بزرگان نظام اسلامی و علمای اعلام است، نقش ارزنده‌ای در هدایت جامعه و اتصال نسل‌ها و انتقال ارزش‌ها دارد.

۴- باز تولید مقام معلم در انگاره‌های الهی مستلزم این است که؛ تا زمانی که در جامعه هم از طرف اولیاء دانش‌آموزان و دانشجویان و هم خود شاگردان و هم فضای عمومی جامعه و ارکان آموزش و پرورش و سایر دستگاه‌ها، به معلم به

دیده‌ی احترام و با نگاهی معنوی نگاه نکنند، خروجی نظام آموزشی ما تولید جوانان معنوی به آن‌گونه که انتظار داریم نخواهد بود و از طرف دیگر و مهم‌تر از آن ورود حساب شده و گزینش حقیقی در به‌کارگیری معلمان نیز در خصوص تولید نظام آموزشی بسیار مؤثر می‌باشد و تا نگاه خود معلمان به جایگاه و ارزش و مقام خودشان عوض نشود، انتظاری از نگاه جامعه هم نخواهد بود.

✎ چطور بر روند تحصیلی دانش‌آموزان نظارت داشته باشیم؟ ✎

یکی از عوامل مهم در موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان حمایت و پشتیبانی والدین است. خانواده‌ها نقش مهمی در فراهم ساختن زمینه رشد و پرورش توانایی‌های فرزندان خود بر عهده دارند.

والدین می‌بایست شادی گم‌شده در لابه‌لای سنگینی تکالیف درسی را به دانش‌آموزان باز گردانند و آرامش و اطمینان خاطر را در آن‌ها به‌وجود آورند. این جزء در سایه نظارت دائم و منظم بر فعالیت‌های یادگیری، توجه به شرایط روحی و روانی، بررسی وضعیت درسی دانش‌آموزان در منزل و مدرسه امکان‌پذیر نیست. نظارت و پیگیری نباید به گونه‌ای باشد که استقلال و اعتماد به نفس را از فرزندان بگیرد. دستور دادن و امر کردن و پیگیری همراه با سرزنش و توبیخ جزء افت تحصیلی هیچ ثمره‌ای نخواهد داشت.

در سال‌های ابتدایی این نظارت شاید حتمی باشد ولی با رسیدن دوران بلوغ و نوجوانی، برای آن‌ها خوشایند نیست که والدین مدام به آن‌ها گوشزد کنند، که چگونه تکالیفشان را انجام دهند.

نوجوان در این دوره احساس استقلال می‌کند و دوست دارد به ارزش‌ها، ایده‌ها، نگرش‌ها و... او احترام گذاشته شود و تمایل به امر و نهی دیگران ندارد. ولی این بدان معنا نیست که حمایت و نظارت بر عملکرد او کاملاً قطع شود، بلکه

در این دوران نیاز به نظارت غیر مستقیم است، به گونه‌ای که دانش‌آموز حس استقلال عمل داشته باشد و حس کنترل از طرف شما بر او القاء نشود.

رعایت نکات زیر در هدایت و نظارت تحصیلی دانش‌آموزان می‌تواند مؤثر باشد.

۱. به کمک فرزندتان یک برنامه مطالعاتی منظم، واقع‌بینانه و قابل اجرا، بر اساس یک هدف مشخص تهیه کنید. با این کار به مطالعات و فعالیت‌های او نظم بخشید تا از سردرگمی و پراکندگی مطالعاتی کاسته شود.

۲. در همین ابتدای سال، اگر احساس می‌کنید در درسی ضعف دارد با همفکری یکدیگر به دنبال راهکار باشید. انتخاب کلاس‌های مختلف و شلوغ کردن برنامه روزانه دانش‌آموز جز خستگی و بی‌حوصلگی آن‌ها، که موجب افت تحصیلی نیز می‌شد، ثمره‌ای دیگری ندارد. در این انتخاب باید توانایی‌ها و شرایط جسمانی و روحی او را در نظر بگیرید.

۳. زمانی را در آخر روز در نظر بگیرید و از دانش‌آموز بخواهید گزارشی از کارهای خود به شما بدهد. در مقطع ابتدایی، والدین هستند که باید نظارت مستقیم کنند ولی در مقاطع بالاتر از دانش‌آموز باید خواست خود به توضیح عملکردش بپردازد. اگر متوجه پنهان کردن مسأله‌ای از طرف او شدید، غیر مستقیم بفهمانید که متوجه شده‌اید.

۴. در زمان‌های استراحت مابین مطالعه، برای فرزند خود تغذیه مناسب فراهم کنید و در مورد موضوع‌های خوشایند صحبت کنید. بحث‌های درسی انجام ندهید و انرژی لازم برای ادامه درس خواندن را در او ایجاد کنید.

۵. آخر هفته زمانی را برای تفریح در نظر بگیرید. تخلیه هیجانی به‌خصوص در زمان بلوغ عامل مهمی در حفظ آرامش و کاهش استرس در دانش‌آموزان است که با فعالیت‌های ورزشی، بازی و تفریحات امکان‌پذیر خواهد بود.

۶. با او رابطه عاطفی و منطقی برقرار کنید. شرایط سنی او را درک کنید و هرگز فرزند خود را با دیگر دوستانش مقایسه نکنید تا حس حسادت در او ایجاد نشود.
۷. سطح توقعات خودتان را با توانایی‌های عمومی و استعدادهای ویژه او هماهنگ کنید. آمال و آرزوهای خود را القاء نکنید، زیرا اگر انتظارات متناسب با شرایط او نباشد موجب افسردگی و افت تحصیلی فرزندتان می‌شود.
۸. داشتن استرس به دلیل تغییر مقطع تحصیلی، افزایش کتاب‌ها، درگیر شدن با مسأله آمادگی برای کنکور، دروان بلوغ و شرایط خاص آن [دردسرهای بلوغ]، عدم شناخت از روش‌های صحیح مطالعه و... می‌تواند از عوامل مهم در افت تحصیلی دانش‌آموز باشد، که این امور مستلزم توجه دقیق است.
۹. زمانی که از نگرانی‌هایش صحبت می‌کند، گوش کنید و نشان دهید که او را درک می‌کنید. بخواهید در مورد معلمان، مشکلات درسی، درگیری‌های خود با همکلاس‌ها و... صحبت کند و شما منصفانه و به‌دور از سرزنش او را راهنمایی کنید. این کار باعث کاهش اضطراب او از مدرسه می‌شود. در حل مسائل تحصیلی نظر او را هم جویا شوید و بخواهید او هم برای خود تصمیم بگیرد.
۱۰. علاقه دانش‌آموزان به بازی‌های کامپیوتری در کلیه سنین دیده می‌شود. ممنوعیت یا جمع کردن آن، راهکار مناسبی برای درس خواندن نیست. این امر می‌تواند به لجبازی منجر شود و افت تحصیلی را در پی داشته باشد. می‌توان با یک برنامه مناسب که با همفکری دانش‌آموز تهیه شده است، ساعاتی را بعد از انجام فعالیت‌های درسی به آن اختصاص داد.
۱۱. موفقیت‌های تحصیلی او را بلافاصله تقویت کنید، اگر امکان انجام فوری نبود از توضیحات کلامی استفاده و زمان ارائه آنرا بیان کنید. اگر فاصله بین ارائه تقویت و عمل طولانی شود ممکن است در این میان رفتار نامطلوبی از او سرزند که تشویق ارائه شده آنرا هم پوشش دهد.

استفاده از عامل تشویق‌کننده باید متناسب با سن، جنس و عمل او باشد. در میان دیگران و همسالان موفقیت‌هایش را گوشزد کنید و عزت نفس را در او افزایش دهید و نشان دهید که برای او ارزش قائل هستید و بهش افتخار می‌کنید.

۱۲. در مقابل رفتار نامطلوب به جای سرزنش با او صحبت کنید، می‌توانید او را متناسب با عملش جریمه کنید یا از فعالیت مورد علاقه‌اش برای مدت کوتاهی محروم کنید، البته این قرارداد را در ابتدا با فرزندتان در میان بگذارید، تا بدانند در صورت کم‌کاری این برنامه اجرا می‌شود.

۱۳. اگر فرزند شما تمایلی به گوش فرا دادن به نصیحت ندارد بهتر از روش‌های غیر کلامی مواردی را که لازم است گوشزد کنید. مثل تهیه یادداشت‌های کوچک و قرار دادن در وسایل او یا نصب تخته کوچک مخصوص صحبت‌های محرمانه با او. می‌توانید قرار بگذارید کلیه موارد چه از طرف شما و چه از طرف فرزندتان بر روی تخته یا یادداشت بنویسید و خواسته خود را به یکدیگر بیان کنید.

۱۴. یکی از عوامل مؤثر در تحصیل دانش‌آموزان توجه به امر تغذیه آن‌هاست [مغز سالم با تغذیه سالم]. برنامه صبحانه باید جدی گرفته شود قرار دادن آب‌میوه در برنامه ضروری است [صبحانه با طعم آب‌میوه]. صبحانه سنگینی فراهم نکنید زیرا انرژی زیادی برای هضم آن نیاز است، در نتیجه فعالیت بیش از حد معده، باعث کسلی و خستگی می‌شود و فعالیت‌های فکری را کاهش می‌دهد. خوردن کیک، شکلات، شیرینی‌جات برای صبحانه مناسب نیست و باعث کاهش تمرکز می‌شود. در این دوران که آگاهی‌ها و سطح فکری دانش‌آموزان افزایش یافته است و آن‌ها مدام در معرض هجوم اطلاعات زیاد قرار می‌گیرند، والدین نیز می‌بایست سطح آگاهی‌های خود را در کلیه زمینه‌ها بالا ببرند و اطلاعات اولیه را در زمینه‌های مختلف، تا حد رفع نیاز، کسب کنند تا بتوانند با این نسل روبرو و آن‌ها را هدایت کنند و پاسخگوی نیازهای فرزندانشان خود باشند به گونه‌ای که آن‌ها والدین خود را آگاه به کلیه امور بدانند و بتوانند ارتباط مفیدی داشته باشند و مشکلات خود را مطرح کنند.

🔗 رابطه معلم با دانش‌آموز و تأثیر آن در بهداشت روانی کودکان

امروزه در نقش و وظایف مدارس بسیاری از کشورهای جهان دگرگونی‌های عظیمی رخ داده است. این تحولات باعث شده تا علاوه بر نقش سنتی مدرسه یعنی آموزش صرف و رشد مهارت‌هایی مانند خواندن و نوشتن و اکتساب دانش نقش پرورش روان و تکامل انسان نیز مورد توجه قرار گیرد. در حال حاضر در بسیاری از کشورها فعالیت‌های پرورشی و بهداشتی وسیعی به عهده مدارس گذاشته شده است که مطالعات حکایت از نتایج و پیامدهای مثبت آن می‌کند.

کشور ما نیز با توجه به خیل عظیم دانش‌آموزان و همچنین نقش سلامت روان و پرورش کودکان و نوجوانان توجه بیشتر به نقش پرورشی مدارس ضرورت تام دارد. حال زمان آن است که باید با ایجاد زمینه‌های مناسب به ارتقای بهداشت روانی و سطح سلامت در مدارس پرداخته و شرایطی فراهم شود تا مسئولان مدارس برنامه‌ریزان مشاوران روان‌شناسان و دیگر دست‌اندرکاران آموزش و پرورش از طریق آشنایی با موضوعات بهداشت روانی نونهالان این آب و خاک را برای دستیابی به روان سالم یاری دهند. بهداشت روانی صرفاً در محیط سالم فیزیکی به دست نمی‌آید بلکه محیط سالم روانی نیز یک اصل مهم است. چه بسا که محیط فیزیکی کودکان سالم و آرام باشد اما محیط روانی آن‌ها از درون ناامن و مضطرب باشد.

طبق تعریف سازمان جهانی بهداشت "بهداشت روانی" عبارت است از "توانایی کامل برای ایفای نقش‌های اجتماعی روانی و جسمی". این سازمان معتقد است که بهداشت روانی فقط نبود بیماری یا عقب‌ماندگی نیست بنابراین کسی که احساس ناراحتی نکند از نظر روانی سالم محسوب می‌شود.

بهداشت روانی کودکان

بهداشت و سلامت روان کودکان موضوعی است که به توجه جدی نیاز دارد. امروزه با استفاده از برنامه‌های مختلف مانند آموزش مهارت‌های زندگی آموزش بهداشت روانی مداخلات بهداشتی مبتنی بر مدرسه و نیز درمان‌های تخصصی می‌توان به کودکان کمک کرد تا زندگی مفیدتر و رضایتمندانه‌تری داشته باشند.

همه کودکان در زندگی خود با استرس‌های شدیدی روبه‌رو می‌شوند که بخشی از آن‌ها ناشی از تغییرات رشد بهنجار کودکان است مانند رشد و تغییرات هورمونی و همچنین تغییراتی که در ارتباط با والدین و اجتماع رخ می‌دهد. استرس‌های دیگر فردی‌تر بوده و شامل فشار برای پیشرفت در مدرسه نقل و انتقال خانواده تغییر مدرسه نزاع والدین طلاق یا فشار برای سوءاستفاده از مواد است.

بسیاری از کودکان بدون این‌که دچار مشکلات رفتاری یا تحصیلی جدی شوند این دوره را پشت سر می‌گذارند و این امر به علت ترکیب عواملی چون مهارت‌های مقابله‌ای موفقیت‌آمیز میزان حمایت‌های قابل دسترس و میزان استرس‌های محیطی (که با آن روبه‌رو شده‌اند) است. متأسفانه تعیین کودکانی که مشکلات بهداشتی دارند تا پیش از بروز مشکل امکان‌پذیر نیست بنابراین در برنامه‌ریزی‌های بهداشتی همه کودکان و نوجوانان باید مدنظر قرار گیرند و دامنه گسترده‌ای از مداخلات از آموزش مهارت‌هایی برای سلامت روان تا مداخلات اختصاصی بهداشت روان به کار گرفته شود.

تقریباً یک‌پنجم کودکان بدون در نظر گرفتن این‌که کجا و چگونه زندگی می‌کنند در دوران کودکی دچار اختلالات رفتاری هیجانی می‌شوند. حتی با محافظه‌کارانه‌ترین برآورد هم می‌توان ادعا کرد که ۱۰ درصد کل کودکان زمانی در طول این دوره دچار آشفتگی‌های روانی می‌شوند که با آسیب‌های جدی همراه است و مدرسه در زندگی بسیاری از کودکان نقش اساسی دارد و در رشد بالقوه آنان مؤثر است به‌ویژه هنگامی که خانواده از ایفای نقش‌های اساسی خود ناتوان باشد. بنابراین

مدارس برای بسیاری از کودکان حساس‌ترین و مناسب‌ترین نقطه مداخلات بهداشت روانی است. از آن‌جا که همه کودکان به‌خصوص کودکان در معرض خطر وارد مدرسه نمی‌شوند یا مدرسه را ترک می‌کنند برای ماندن این کودکان در مدرسه یا دسترسی به کودکانی که مدرسه نمی‌روند باید به فکر استراتژی‌های دیگر بود. در جهت تأمین نیازهای کودکان و نوجوانان باید بین نهادهای جامعه‌نگر نهادهای جوانان و سازمان‌های ورزشی نهادهای مذهبی موزه‌ها پارک‌ها و کتابخانه‌ها و... از یک سو و خانواده، مدرسه، سازمان‌های بهداشتی، رسانه‌های گروهی و دولت از سوی دیگر همکاری و فعالیت مشترک ایجاد شود.

نقش مدارس در ارتقای بهداشت روان

مدرسه برای بهبود زندگی بسیاری از کودکان و نوجوانان فرصت بسیار مناسبی فراهم می‌کند. به موازات حرکت ملت‌ها در جهت آموزش همگانی نقش مدارس در ارائه خدماتی مانند خدمات بهداشت روانی در امور تحصیل اهمیت روزافزون یافته است. در حال حاضر مدارس با حمایت کامل خانواده و اجتماع بهترین محل برای برنامه‌های جامع بهداشت روانی به شمار می‌رود؛ زیرا:

- تقریباً تمام کودکان در دوره‌ای از زندگی خود به مدرسه می‌روند.
- مدارس قوی‌ترین سازمان اجتماعی و آموزشی قابل دسترسی برای مداخله هستند.
- مدارس اثر عمیقی بر کودکان خانواده‌ها و اجتماع می‌گذارند.
- مدارس مانند شبکه‌ای امن از کودکان در برابر خطراتی که بر یادگیری رشد و سلامت روانی اجتماعی تأثیر می‌گذارد محافظت می‌کنند.
- مدرسه همگام با خانواده نقش تعیین‌کننده‌ای در ایجاد یا تخریب عزت نفس کودک و احساس شایستگی آنان دارد.

- توانایی و انگیزه کودکان برای ماندن در مدرسه یادگیری و استفاده از آموزه‌های‌شان متأثر از سلامت روان آنان است.

محیط موسسه آموزشی در سطوح مختلف کودکان، دبستان، دبیرستان و دانشگاه از عواملی هستند که تأثیر اساسی در بهداشت روانی افراد دارند. کار آموزش و پرورش در آموزشگاه‌ها در واقع دنباله کار پرورش شخصیت افراد در محیط خانواده است. کودکان در محیط آموزشگاه‌ها یاد می‌گیرند که چگونه رفتار اجتماعی داشته باشند و نقش خود را در اجتماع ایفا کنند. آنان می‌آموزند در چه محدوده‌ای بیندیشند و حس همکاری داشته باشند. این محیط می‌تواند ارتباط درستی با کودک برقرار کند. او را آماده پذیرش مسئولیت تصمیم‌گیری و حل مسائل زندگی سازد. کودکانی که تازه به محیط آموزشگاه پا می‌گذارند مسلماً مشکلاتی مانند پیوستگی اخلاقی دارند یعنی هریک از کودکان در محیط خانوادگی خاص خود تربیت شده‌اند و والدین آن‌ها سلیقه‌های تربیتی متفاوتی دارند. مربیان و آموزگاران باید با درایت خود این مسائل را درک کنند و کودکان را با محیط جدید تطبیق دهند.

آموزشگاه محیطی نیست که فقط مسائل و مطالبی به کودک القا شود؛ بلکه در این محیط اخلاق و رفتار کودک نیز تکوین می‌یابد. مهم‌ترین تمایلات بنیادی کودکان بنا به تعلق داشتن و احساس امنیت ناشی از نیاز به ارزشمند بودن است. کودکی که به مدرسه می‌رود به دنبال احساس تعلق مشابه آن‌چه در خانه تجربه کرده است می‌گردد و در صورتی که در خانواده به این احساس دست نیافته باشد در پی جبران آن در مدرسه است. هرگاه نتواند در گروه همسن خود به احساس ارزشمند بودن برسد برای نشان دادن این که فرد باارزشی است درصدد جلب توجه دیگران برمی‌آید. این جلب توجه ممکن است به شیوه‌های مختلفی بروز کند. برخی کودکان از طریق پیشرفت تحصیلی ورزشی و اجتماعی این نیاز را در خود رفع می‌کنند. کودکی که محرومیت خود را به صورت پرخاشگری نشان می‌دهد در

کلاس اختلال به وجود می‌آورد و باعث ناراحتی معلم و مدیر مدرسه می‌شود؛ کودکی که خشم خود را فرو می‌خورد به ندرت بی‌انضباط می‌شود؛ ولی اختلال شخصیت در او بیشتر از کودکی است که عناد خود را آشکار می‌سازد. معمولاً دلایل ناسازگاری در کلاس درس روشن است. هر کودکی میل به موفقیت دارد؛ ولی اگر وظایف او خارج از حدود استعداد و علاقه‌اش باشد احساس ناکامی و بی‌حوصلگی خواهد کرد. این احساس محرومیت آزاردهنده است و او باید به گونه‌ای آن را جبران کند. این عمل جبران ممکن است به صورت آزار رساندن به معلم تخریب کتاب و صندلی و نیز اذیت کردن همکلاسی‌ها جلوه نماید. هر کودکی دوست دارد دیگران و به‌خصوص معلم و همکلاسی‌هایش بدانند که او با استعداد است؛ هرچند تا حدی هم کم‌استعداد باشد باید به‌طور کلی او را همان‌طور که هست قبول کنند. این پذیرش از طرف دیگران و معلم به او احساس اعتماد به نفس و اطمینان خاطر می‌بخشد و او را شخصی با ارزش نشان می‌دهد.

نقش معلم در بهداشت روانی کودکان

تحقیقات گوناگون در این زمینه نشان می‌دهد رفتار اطفال دبستانی بسیار به رفتار معلمان آن‌ها بستگی دارد چنان‌چه معلمی روش محبت‌آمیز همراه با انضباط منطقی در کلاس خود به کار گیرد از همکاری علاقه‌مندی و قدرت ابتکار شاگردانش بهره‌مند خواهد شد. برعکس معلمی که از روش پرخاشگرانه و زور و تهدید استفاده می‌کند شاگردانش نیز با بی‌انضباطی در کلاس بی‌توجهی به درس و پرخاشگری صریح ظاهر می‌شوند. چنین معلمی نمی‌تواند منبع دانش برای اطفال باشد و اگر از طریق تنبیه و پرخاشگری هم بتواند انضباط را در کلاس حاکم سازد چنین حالتی پایدار نخواهد بود و نمی‌تواند احساس همکاری و علاقه‌مندی در شاگردان به وجود آورد. میل به پیشرفت درسی در اغلب کودکان وجود دارد و این تمایل تنها هنگامی ارضا می‌شود که هدف‌های مورد نظر کودک خارج از دسترس

او نباشد. تلاش معلم نباید تنها به این منجر شود که دانش‌آموزان بهترین نمره را کسب کنند؛ بلکه باید بکوشد به هر فرد به اندازه توانایی او مسئولیت دهد و تا حد امکان به پرورش فکری روانی و جسمانی کودک بپردازد. معلمان در محیط آموزشی می‌توانند با ارائه ارزش‌های صحیح و منطقی بزرگسالان به دانش‌آموزان به نحو احسن کمک کنند. دادن پاداش مناسب شناساندن و تدارک مدل‌های درست اخلاق و تربیتی جهت همانندسازی و یاری کردن آن‌ها جهت رضایت داشتن از محیط مدرسه از اهمیت خاصی برخوردار است؛ زیرا کودکان اغلب با کنترل درونی نامناسب و اجتماعی شدن نامطلوب به مدرسه می‌آیند. اگر کمک معلمان نباشد چنین کودکان در مدرسه نیز شکست می‌خورند و انگیزه بسیار کمی برای پذیرش ارزش‌های صحیح مدرسه خواهند داشت؛ کودکی که رضایت کافی از مدرسه به دست نیابد اغلب در همانندسازی با اولیای مدرسه شکست می‌خورد و با مشکلات منضبطی و تحصیلی مواجه می‌شود و در نهایت عده زیادی از آن‌ها ترک تحصیل می‌کنند.

امروزه بیشتر روان‌شناسان تربیتی معتقدند کارکنان مدرسه در سلامت روان دانش‌آموزان دارای نقش‌های حرفه‌ای هستند. مسئولیت اولیای مدرسه فقط در پرورش نیروی عقلی و آشنا کردن دانش‌آموزان به مسائل اجتماعی و اخلاقی خلاصه نمی‌شود. مدرسه مسئول تغییر و اصلاح رفتارهای ناسازگارانه و تأمین بلوغ عاطفی و سلامت روانی دانش‌آموزان نیز است.

در مدرسه فرزندان عاطفه و محبت را تجربه می‌کنند. معلم با محبت و توجه آنان را در مسیر صحیح هدایت می‌کند دانش‌آموز در مدرسه چگونگی برقراری روابط درست عاطفی سازگاری با دیگران و مسئولیت‌پذیری را می‌آموزد و راه‌های مبارزه با کینه‌توزی، دیگرآزاری و حسادت را یاد می‌گیرد.

تحقیقات متفاوتی که در این زمینه انجام شده نشان می‌دهد رفتار کودکان دبستانی بستگی بسیار با رفتار معلمان آن‌ها دارد و چنانچه معلمی روش محبت‌آمیز

همراه با انضباط منطقی را در کلاس خود به کار ببرد از همکاری، علاقه‌مندی و قدرت ابتکار شاگردانش بهره‌مند می‌شود.

نقش الگویی معلم و نفوذی که او در انضباط دادن به رفتارهای دانش‌آموزان دارد بر همگان روشن است. از آنجا که دانش‌آموزان یکی از الگوهای مهم رفتاری خود را معلمان قرار می‌دهند اگر معلم از ویژگی الگودهی خوبی برخوردار باشد می‌تواند تأثیرات عمیقی در رشد شخصیت و بهداشت روانی دانش‌آموزان باقی بگذارد.

معلمی که الگوی تعاملی و متعادلی میان خود و دانش‌آموز برقرار می‌کند و در این ارتباط به شخصیت و نیازهای دانش‌آموزان توجه کافی دارد و کارها را بر اساس استعدادها و تمایلات میان شاگردان تقسیم می‌کند چنین معلمی نقش بهتری را در بهداشت روانی دانش‌آموزان ایفا خواهد کرد.

یک روان‌شناس به نام "کارل راجرز" نگرش آزادمنشانه در کلاس را پیشنهاد می‌کند. به بیان دیگر معلم باید کودک را بپذیرد هرچند نمی‌تواند رفتار او را بپذیرد. به کودک باید احترام گذاشت و به عنوان انسانی با توانایی‌های بالقوه به او ارجح نهاد؛ هرچند او کوچک‌تر، ناپخته‌تر، کم‌دانش‌تر و کم‌تجربه‌تر از معلم است. معلم نباید کوشش خویش را صرف حکمرانی بر کودک کند بلکه باید سعی در جهت دادن اعمال کودک به سوی پیشرفت موفقیت‌آمیز و سازگاری هر چه بیشتر کند.

ماهیت این رابطه کمکی بستگی به احساسات واقعی معلم دارد. معلم باید قادر به بیان و ابراز احساسات واقعی خویش باشد تا آن‌که کودک بتواند او را به عنوان یک انسان شریف و قابل اعتماد ببیند و نه فردی که پیوسته چیزی را از او پنهان می‌دارد.

چنین معلمی در عین حال که درصدد ایجاد تغییر مطلوب در رفتار کودک است هرگز برای او تهدیدآمیز نیست. او نسبت به زندگی گذشته و حال کودک تعصبی ندارد بلکه آینده کودک را بر حسب توانایی‌هایش در نظر دارد. اگر معلم

بتواند به کودک تفهیم کند که سعی دارد به او کمک کند و اگر بتواند به کودک نشان دهد که صفات و عادات خوب کودک را می‌شناسد بیشتر قادر خواهد بود به نتایج مطلوب دست یابد.

مهم‌ترین شرط معلم خوب از لحاظ بهداشت روانی این است که او با کمال صمیمیت و خلوص نیت کودکان را دوست بدارد و از رفتار آنان آزرده نشود بلکه با صبر و حوصله و خوشرویی سعی کند به عمق مشکلات کودکان پی ببرد و در حل این مسائل تا حد ممکن بکوشد.

معلم نباید تمام تلاش خود را صرف این کند که دانش‌آموزان بهترین نمره را کسب کنند بلکه باید بکوشد به هر فرد به اندازه توانایی او مسئولیت دهد و حتی‌الامکان در پرورش فکری و روانی و جسمانی کودک بکوشد.

روشی که اکنون در ارزشیابی تحصیلی به کار می‌رود روش نامطلوبی است؛ زیرا نمرات آن‌قدر دقیق نیستند که معلم بتواند میان ۱۵ و ۱۶ یا ۹ و ۱۰ را به‌خوبی تشخیص دهد فرق بگذارد؛ به‌علاوه همیشه برای شاگرد هدف مطلق کاملی وجود دارد که او باید با تمام قوا برای به‌دست آوردن آن بکوشد. مسلماً هیچ دانش‌آموزی قادر نیست موفقیت صددرصد در درس داشته باشد؛ زیرا حتی خود او نیز تمام مطالب را به طور کامل نمی‌داند.

در ضمن از نظر بهداشت روانی نامطلوب است که تکامل‌جویی را ملاک نظر کودکان قرار دهیم. هدف کودک نباید رسیدن به حد کمال و برتری‌جویی باشد بلکه مقصود باید صرفاً کسب دانش باشد تا به‌وسیله آن شخص برای خود و دیگران سودمند واقع شود. نمره و به‌ویژه نمره عددی کودکان را به رقابت شدید تحریک می‌کند در حالی که از نظر تربیتی و روانی صحیح نیست هدف عمده تحصیل فقط آرزوی غلبه بر دیگران باشد.

نتایج مضر این روش (نمره دادن) بیش از همه متوجه افراد کم‌هوش می‌شود؛ زیرا آن‌ها قادر به رقابت با دیگران نیستند و از این بابت احساس حقارت حماقت

و شکست شدید خواهند کرد. شکست همیشه نامطلوب است و عدم موفقیت پی‌درپی معمولاً منجر به رفتار غیرعادی خواهد شد. موفقیت تجربه مثبت و مفیدی است و موفقیت مداوم باعث ایجاد تعادل شخصیت و احساس اعتماد به نفس می‌شود.

یکی از عوامل سلامت روانی دانش‌آموز درک شدن او توسط معلمش است. معلم باید در ارتباط با شاگردان آن‌چنان رفتاری داشته باشد که شاگرد تنبل و قوی و فقیر و غنی همه خیال کنند که معلم به خاطر هریک از آنان به کلاس درس آمده است.

امروزه ناله بسیاری از دانش‌آموزان دبیرستانی از این منظر بلند شده است و همه فریاد می‌زنند که معلمان ما را درک نمی‌کنند. ما می‌خواهیم آنان ما را درک کنند. همان‌طور که هستیم ما را شناسایی کنند. با همه دشواری‌ها شخصیت‌هایمان را بشناسند. با همه عیوب و نارسایی‌هایمان با همه آرمان‌ها و اندیشه‌هایمان ما را دریابند. به عبارت دیگر آن‌ها می‌گویند ما می‌خواهیم معلمان همه وجود روحی ما را لمس کنند نه این‌که تنها به درس دادن قناعت کنند.

معلم باید در ارتباط با شاگردان آن‌چنان رفتاری داشته باشد که شاگرد تنبل و قوی و فقیر و غنی همه خیال کنند که معلم به خاطر هریک از آنان به کلاس درس آمده است. اگر شاگرد درک شود شاگرد به آن معلم علاقه‌مند شده به سوی او کشیده خواهد شد. دلش هوای او خواهد کرد در دیدارش آثار شادمانی و نشاط و خرمی موج خواهد زد و اگر به او بگویند که این معلم دیگر به این مدرسه نخواهد آمد اشک چهره او را در بر خواهد گرفت.

به نظر "گلاسر" نظام تعلیم و تربیت مدرسه باید چنان باشد که در آن هر دانش‌آموزی بتواند دوست داشتن و دوست داشته شدن و احساس ارزش را تجربه کند. معلمی که به مقام انسانی کودکان و نوجوانان ارجح می‌نهد و نیاز به جلب توجه و محبت آنان را در مسیر صحیح هدایت می‌کند همچنین معلمی که خالصانه سعی دارد آنچه را که می‌داند به دانش‌آموزان بیاموزد نه تنها نیازهای روانی آنان را ارضا

می‌کند بلکه برقراری روابط صحیح عاطفی سازگاری با دیگران مسئولیت‌پذیری را نیز به ایشان می‌آموزد. در چنین فضای تربیتی افراد به بلوغ عاطفی می‌رسند و از لحاظ روانی سالم بار می‌آیند.

معلمان در محیط آموزشی می‌توانند با ارائه ارزش‌های صحیح و منطقی بزرگسالان بیشترین کمک را به دانش‌آموزان داشته باشند. دادن پاداش‌های مثبت مناسب شناساندن و تدارک الگوهای صحیح اخلاقی و تربیتی جهت همانندسازی و یاری کردن آن‌ها در یافتن رضایت و خشنودی واقعی در مدرسه از اهمیتی خاص برخوردار است زیرا کودکان اغلب با کنترل‌های درونی نامناسب و اجتماعی‌شدن‌های نامطلوب به مدرسه می‌آیند.

اگر کمک معلمان نباشد چنین کودکان در مدرسه نیز شکست می‌خورند و انگیزه بسیار کمی برای پذیرش ارزش‌های صحیح مدرسه خواهند داشت و این روشن است کودکی که رضایت کافی از مدرسه به دست نیامورد اغلب در همانندسازی با اولیای مدرسه شکست می‌خورد و با مشکلات انضباطی و تحصیلی مواجه می‌شود و در نهایت عده زیادی از آن‌ها ترک تحصیل می‌کنند.

فلسفه تعلیم و تربیت عصر ما با سال‌های گذشته متفاوت است. به این معنی هدف آموزش و پرورش تنها تعلیم دروس و دیگر مطالب فکری نیست بلکه پرورش جسم و روان به‌طور کلی منظور نظر است. برآوردن احتیاجات جسمانی و اجتماعی روانی کودک قسمت عمده‌ای از تربیت او را شامل می‌شود که از عوامل بسیار مهم پرورش کودک است.

اگر چه تربیت جسمانی کودک در مدارس از سال‌ها پیش مقرر شده و امکاناتی در مدارس فراهم آمده ولی موضوع سلامت فکر اطفال هنوز به شکل صحیح مورد توجه و قبول مدرسه قرار نگرفته و بر اساس این غفلت درباره بهداشت روانی کودک مدرسه به‌طور غیر مستقیم در پیشرفت و ازدیاد اختلالات روانی کودکان مؤثر واقع شده است.

باید بپذیریم مسئولیت اولیای مدرسه به پرورش قوای عقلانی و آشنا کردن دانش‌آموزان به ارزش‌های شناختی اجتماعی و اخلاقی خلاصه نمی‌شود بلکه اینان مسئول تغییر و اصلاح رفتارهای ناسازگار و تأمین بلوغ فکری و سلامت روانی کودکان و نوجوانان نیز هستند. همچنین توجه مربیان و والدین به این پدیده روانی اجتماعی نه تنها زمینه مساعدی برای شکوفایی استعدادهای نهفته کودکان و نوجوانان را فراهم می‌آورد بلکه در بهبود سلامت روانی آن‌ها نیز مؤثر خواهد بود.

ارتباط معلم با دانش‌آموزان بر اساس دنیای روانی آن‌ها

برقراری ارتباط صحیح بین معلم و دانش‌آموزان از ارکان وظایف معلمان در فرآیند تدریس می‌باشد. در واقع ارتباط مؤثر با دانش‌آموزان است که باعث توفیق معلمان در انجام وظایف آموزشی می‌گردد. این فعالیت سازمان یافته آموزشی نیازمند به ارتباط صحیح و شناخت دانش‌آموزان است. معلمان برای رسیدن به اهداف کلی و رفتاری تدریس خود نیاز به هدایت دانش‌آموزان دارند و این هدایت مستلزم پیام دادن و ارائه طرح آموزشی است. باید دانست که بستر انتقال پیام‌ها ارتباطات می‌باشد. حال اگر این ارتباط براساس شناخت ویژگی‌های دانش‌آموزان و دنیای روانی آن‌ها باشد مؤثر خواهد بود که نتیجه آن افزایش بازدهی آموزشی می‌باشد. در این قسمت سعی می‌گردد با ارائه نقش دنیای روانی دانش‌آموزان، معلمان را در جهت ارتباط مؤثر با آنان یاری دهیم.

معلمان در دنیای نوشتارها، گفتارها، فنآوری‌ها و... عمل می‌کنند. بیشتر وقت معلمان در ارتباط با دانش‌آموزان می‌گذرد و این ارتباطات آن‌ها را برای تحقق و رسیدن به اهداف آموزشی و پرورشی هماهنگ می‌سازد. تحقیقات نشان می‌دهد معلمان در عمل ارتباطات گفتاری را بر ارتباطات نوشتاری و یا استفاده از وسایل آموزشی ترجیح داده و بیشتر می‌پسندند. واضح است که آگاهی و میزان دانش معلمان در برقراری ارتباط با دانش‌آموزان مؤثر است، بنابراین نمی‌توان یک اصل

کلی را برای چگونگی ارتباط معلم با دانش‌آموزان را مطرح ساخت. ارتباطات یعنی مبادله اطلاعات و انتقال معنی.

ریشه بسیاری از مشکلات فردی، سازمانی و اجتماعی را می‌توان در کمبود ارتباطات مؤثر، نقش سیستم ارتباطی یا به‌طور کلی سوء تعبیر و تفسیرهای ارتباطی جستجو کرد.

فعالیت‌های کلاسی به تمامی با ارتباط متقابل کلامی میان دانش‌آموزان و معلمان ممکن می‌شود. این پدیده آن‌چنان همگانی شده است که برای یک مشاهده‌گر فعالیت‌های کلاسی، شگفت‌آور نیست که سخنگوی اصلی در کلاس‌ها معلمان هستند.

با توجه به نمودار شماره ۱ معلم به‌عنوان فرستنده پیام آغازکننده ارتباط آموزشی است که قبلاً جهت این ارتباط طرحی را آماده کرده است. دانش‌آموزان گیرندگان پیام می‌باشند که پیام را پس از دریافت استنباط می‌کنند. اگر این استنباط با مقصود و هدف معلم یکی نباشد باید گفت که معلم به اهداف آموزشی مورد نظر نرسیده است. مفهوم ذهنی پیام، اهداف کلی و رفتاری و به‌طور کلی فکر و اندیشه‌ای است که در جریان آموزش باید به دانش‌آموزان انتقال یابد. مفهوم عینی پیام تبدیل پیام به یک سری علائم است که به‌صورت انواع روش‌های تدریس و به کمک وسایل آموزشی به دانش‌آموزان انتقال می‌یابد. دانش‌آموزان پس از دریافت پیام آن‌را به مفهوم ذهنی تبدیل می‌کنند یعنی پیام را براساس اهداف آموزشی ارائه‌شده توسط معلم تفسیر می‌کند این تفسیر می‌تواند بر مبنای تجربه قبلی دانش‌آموزان و یا اهداف آموزشی درس جدید باشد. که در نهایت منجر به درک پیام می‌شود. معلمان از طریق واکنش و عکس‌العمل‌های دانش‌آموزان و یا از طریق ارزشیابی تکوینی و مرحله‌ای می‌توانند به درجه اثربخشی و کارایی ارتباط پی ببرند. در این فرآیند باید عواملی که مانع ارتباط صحیح می‌شوند را شناسایی کرد و به کمک دانش‌آموزان آن‌ها را برطرف کرد. ارتباط مؤثر پاسخی را می‌طلبد که

نشانگر درک، علاقه و توجه دانش‌آموزان به امر تدریس می‌باشد. با توجه به مطالب عنوان‌شده باید گفت دانش‌آموزان از نظر روان‌شناختی براساس حقیقت یا واقعیت رفتار نمی‌کنند. رفتار آنان از ادراک، تعبیر و تفسیرشان از حقیقت یا واقعیت برانگیخته می‌شود. این ادراک‌ها، تعبیر و تفسیرها نتیجه دریافت‌هایی است که از طریق حواس پنجگانه حاصل می‌شود. این دریافت‌ها آنقدر زیاد هست که انسان نمی‌تواند به همگی آن‌ها توجه کند، تنها بخشی از این دریافت‌ها، از طریق آگاهی انتخابی، نقشه‌های روانی دانش‌آموزان را شکل می‌دهد. رفتار، مبتنی بر این نقشه‌های ذهنی است و این نقشه‌ها، بر آن‌چه که افراد درک می‌کنند اثر می‌گذارد. اگر معلمان روشی که دانش‌آموزان براساس آن، نقشه دنیای روانی خود را ترسیم می‌کنند را بشناسند ارتباطها مؤثر فزونی خواهد یافت. و چون این ادراک‌ها بین دانش‌آموزان متفاوت است شناخت تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان جهت ارتباط بهتر و رسیدن به اهداف آموزشی لازم است.

باید دانست ارتباطات چیزی بیش از انتقال مقصود و منظور است. ارتباطات کامل زمانی وجود خواهد داشت که یک فکر یا نظریه منتقل شود، به‌گونه‌ای که تصویر مغزی گیرنده درست همانند تصویر مغزی فرستنده پیام باشد.

تصویر انسان از دنیای خویش به کمک سیستم‌های حسی انتخابی آن‌ها صورت می‌گیرد. این سیستم‌های نمایشی حسی برای معلمان سودمند می‌باشد. زیرا اگر آن‌ها بدانند که دانش‌آموزان چگونه به کمک این سیستم‌ها می‌بینند، حس می‌کنند و می‌شنوند، دنیای روان‌شناختی خود را تنظیم می‌کنند، احتمال نفوذشان در آن‌ها بیشتر است و سریع‌تر می‌توانند به اهداف آموزشی و پرورشی دست یابند. این طرح صرفاً به یکی از روش‌ها منحصر نمی‌شود بلکه طرحی است که از همه راحت‌تر است و دانش‌آموزان آنرا ارجح می‌دانند.

براین اساس دانش‌آموزان را می‌توان به دسته‌های زیر تقسیم کرد:

- ۱- بعضی از دانش‌آموزان تصویری (بصری، پدیداری) هستند. آنان اگر نقشه دنیای روانی خود را با تصاویر تنظیم نمایند، آسوده‌ترند.
- ۲- عده‌ای از دانش‌آموزان احساسی (همجواری، عاطفی، جنبشی) هستند. آنان نقشه دنیای روانی خود را با احساسات ترسیم می‌کنند.
- ۳- بعضی از آن‌ها شنیداری (صوتی، صدایی، سامعی) هستند. آنان تمایل به تنظیم نقشه دنیای روانی خود، با صداها دارند.
- ۴- بعضی از دانش‌آموزان ارقامی (زبانی، واژه‌ای، عددی) هستند که ترکیبی از سه دسته قبل هستند. اگر بتوانیم سیستم جلوه اصلی دانش‌آموزان را بشناسیم به هنگام تدریس و یا برقراری ارتباط با آن‌ها در وضعیت بهتری خواهیم بود. آن‌گاه ممکن است بتوانیم تدریس خود را به طریقی که دانش‌آموزان بهتر می‌توانند بپذیرند، بفرستیم.

برای مثال دانش‌آموزانی که شنیداری هستند اغلب در ارتباط با پدر و مادرشان دچار دردسر می‌شوند. هنگامی که پدر یا مادر و یا معلم با آنان صحبت می‌کنند به پایین چشم می‌دوزند. پدر و مادر به اشتباه می‌گویند: «هنگامی که من با تو صحبت می‌کنم به من نگاه کن» زیرا احساس می‌کنند فرزندشان گوش نمی‌دهد. اگر در این هنگام دانش‌آموز به چشمان والدین یا معلم خود نگاه کند درک آن‌چه گفته می‌شود برایش دشوارتر است. به عبارتی دانش‌آموز سرش را پایین انداخته و از طریق گوش‌های خود و صوت با والدین و معلم خود ارتباط برقرار می‌کند. در نتیجه اگر معلم سر این دانش‌آموزان را به طرف بالا حرکت دهد درک مفاهیم دشوار و در نتیجه موجب سوء تفاهم بیشتر، خشم و به ناتوانی در برقراری ارتباط منجر می‌شود. این دانش‌آموزان در کلاس درس در سمت راست یا چپ کنار دیوار با توجه به بهترین گوش خود که مطالب را بهتر می‌شنوند، می‌نشینند. این دانش‌آموزان به هنگام تدریس معلم ممکن است به این طرف و آن طرف نگاه کنند و از خود صدا

درآوردند و یا صدای خود را زیر و بم کنند. این دانش‌آموزان اغلب واژه‌هایی از این قبیل به کار می‌برند: «گوش خراش نیست» یا «گوشم به توست».

در دوره ابتدائی بخش و صداکشی کلمات برای این‌گونه دانش‌آموزان لذت‌بخش است. معلم در جریان تدریس باید صدای رسایی داشته باشد و تن صدای خود را تغییر دهد این حالات جهت ارتباط بهتر با این‌گونه دانش‌آموزان لذت‌بخش است. این دانش‌آموزان شعر و یا متن‌های موزون را بهتر از دیگران فرا می‌گیرند. دانش‌آموزان تصویری به فاصله علاقه‌مندند و فضا را دوست دارند. این دانش‌آموزان در کلاس درس آنقدر دور می‌نشینند که معلم خود در برد بصری آنها قرار گیرد و بیشتر وقت‌ها در آخر کلاس می‌نشینند. پس اگر یک دانش‌آموز کوتاه‌قد را در آخر کلاس مشاهده کردیم نباید متعجب شد. استفاده از وسایل آموزشی، شکل، چارت، نمودار، جداول جهت ارتباط مؤثر با این دانش‌آموزان می‌باشد. آنها در سخنان خود بیشتر از واژه‌های «وضع را طوری می‌بینم که» یا «از دید من اشکالی ندارد» استفاده می‌کنند. چون این دانش‌آموزان عناوین، پاراگراف‌ها و فواصل کوتاه را در نگارش دوست دارند بهتر است معلم به آنها بگوید در هنگام خواندن زیر مطالب مهم خط بکشند.

دانش‌آموزان احساسی ترجیح می‌دهند به معلم خود نزدیک‌تر باشند. آنها بیشتر به طریق شخصی با معلم خود تعامل دارند. آنها بیشتر در ردیف جلو قرار دارند و سعی می‌کنند هرچه بیشتر خودشان را به معلم نزدیک‌تر کنند تا در جریان تدریس دخالت داشته باشند. این دانش‌آموزان تمام حرکات معلم را زیر نظر دارند. معلم باید به این دانش‌آموزان نگاه کند. از آنها سؤال بپرسد و در جریان تدریس آنها را شرکت دهد. آنها واژه‌های احساسی به کار می‌برند مانند: «احساس می‌کنم شما ناراحت هستید.» یا «راجع به آن موضوع چه احساسی دارید؟» آنها دوست دارند تابلو را تمیز کنند، کلاس را به فرمان معلم باز کنند و دفتر کلاس را بیاورند

و ...

افراد ارقامی دوست دارند اطلاعات مکتوب و به سبک منطقی به آنان ارائه شود. واژه‌ها باید تعریف شده باشند و از نظر املائی، علایم نقطه‌گذاری، دستوری، حاشیه و صفحه‌بندی را دوست دارند.

برای دانش‌آموزان عددی پیش‌بینی نشستن در کلاس دشوار است. بیشتر به این بستگی دارد که به نظر خودشان جایی بنشینند که مطالب درسی را بهتر بفهمند. پس بهتر است معلم در هنگام تدریس اصطلاح‌ها را به صورت منطقی تعریف نماید و یا آن‌ها را روی تابلو بنویسد. بنابراین شیوه رساندن پیام‌ها باید گوناگون باشد تا احتمال برقراری ارتباط با همه دانش‌آموزان افزایش یابد.

روش‌های ایجاد انگیزه و رغبت دانش‌آموزان به درس، کلاس و مدرسه

توسط معلم

انگیزه به دو نوع درونی و بیرونی قابل تقسیم است.

از انگیزه بیرونی می‌توان به تقویت‌کننده‌هایی چون، تأیید، محبت، احترام، نمره، و از تقویت‌کننده‌های درونی می‌توان به رضایت خاطر و احساس خوب از یادگیری اشاره کرد.

آنچه که بیشتر موجب رفتار خودجوش می‌شود، انگیزه درونی است. هدف عمده فعالیت‌های پرورشی معلم یا مربی این است که دانش‌آموز به تدریج از انگیزه‌های بیرونی به سمت انگیزه‌های درونی هدایت شود.

تفاوت اساسی افراد دارای انگیزه درونی با افراد دارای انگیزه بیرونی این است که افراد با انگیزه درونی احساس کفایت بیشتری در خود دارند و کمتر به دیگران اجازه می‌دهند که محرک رفتارشان شوند. این گروه از دانش‌آموزان، خود تعیین‌کننده رفتارها هستند و به خاطر کفایتی که در خود احساس می‌کنند، باور دارند که می‌توانند با رفتارشان بر محیط خود تأثیر بگذارند.

این گروه از دانش‌آموزان با انگیزه درون‌گرا، تصورشان این است که موفقیت و عدم موفقیت در تحصیل به خاطر نحوه رفتار صحیح یا غلط خودشان است. اما برخلاف آن‌ها، دانش‌آموزان با انگیزه برون‌گرا، احساس بی‌کفایتی یا کفایت کم داشته و همواره تصور می‌کنند که موفقیت آن‌ها تحت تأثیر عوامل محیطی نظیر: معلم و سؤالات سخت است. این گروه از دانش‌آموزان حتی اگر درس بخوانند، باز هم موفقیت چندانی نخواهند داشت. چرا که اندک تلاش آن‌ها به خاطر همان انگیزه‌های بیرونی، همچون فرار از تنبیه یا کسب خواسته معلم است. اینان در صورت کسب موفقیت اندک هم آن‌را به شانس و تصادف نسبت می‌دهند و نه به تلاش و استعداد خود.

این دانش‌آموزان حتی اگر نیم‌نگاهی به موفقیت داشته باشند، آن‌قدر آن‌را صعب‌الوصول می‌دانند که دست به عمل نمی‌زنند، در نتیجه هرگز طعم موفقیت را نخواهند چشید.

در حقیقت گام اول در برخورد با این افراد چشاندن طعم موفقیت به آن‌ها و درهم شکستن تصور منفی آن‌ها در مورد دست‌یابی به موفقیت است. در این صورت است که «موفقیت»، «موفقیت» می‌آورد.

از آنجایی که انسان آمادگی دارد تا فعالیت‌ها و تصوراتش را تعمیم دهد، موفقیت در یک درس منجر به موفقیت در دروس دیگر می‌شود و این موضوع در مورد دروس اصلی هر رشته مهم‌تر است.

درواقع، ضعف درسی در این دروس منجر به بی‌علاقگی به تحصیل و گاهی حتی ترک تحصیل می‌شود و البته عکس آن هم صادق است. به همین علت به معلمان دروس اصلی هر رشته توصیه می‌شود، شرایط آموزشی و امتحانی را مطلوب نمایند و با ارزشیابی‌های مناسب فضای کلاس را لذت‌بخش کنند.

• چند روش برای ایجاد انگیزه

- به طور کلی به منظور افزایش انگیزه دانش‌آموزان و سوق دادن آن‌ها به سمت درونی شدن انگیزه‌ها راهکارهای زیر توصیه می‌شود:
- ۱ - سعی کنیم اولویت تجربه‌های دانش‌آموزان برای آن‌ها جالب باشد، احساس موفقیت اولیه اعتماد به نفس آن‌ها را افزایش می‌دهد. این موضوع در مسابقات ورزشی نیز مشهود است.
 - ۲ - برای موفقیت دانش‌آموزان پاداش در نظر بگیریم. منتظر نباشیم تا افت تحصیلی اتفاق افتد و سپس موفقیت را تحسین کنیم.
 - ۳ - با احترام گذاشتن به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان، هرگز آن‌ها را با یکدیگر مقایسه نکنیم.
 - ۴ - دانش‌آموزان را در کلاس کمتر درگیر مسائل عاطفی منفی نمائیم و نسبت به حساسیت‌های عاطفی آنان آشنا و در کاهش آن کوشا باشیم. سخت‌گیری و انضباط شدید، تبعیض، بیان قضاوت‌های منفی و خبرهای ناخوشایند از جمله عواملی است که موجب درگیری ذهنی و کاهش علاقه به یادگیری می‌شود.
 - ۵ - بلافاصله پس از آزمون یا پرسش کلاسی، دانش‌آموزان را از نتیجه کار آگاه کنید.
 - ۶ - برای این‌که دانش‌آموز بداند، در طول تدریس به دنبال آموختن به چیزی باشد، بیان اهداف آموزشی مورد انتظار از او را در ابتدای درس فراموش نکنیم.
 - ۷ - چگونگی یادگیری و نحوه انجام کار برای دانش‌آموز مشخص شود.
 - ۸ - به منظور افزایش حس کفایت در دانش‌آموز از او بخواهیم مطالب یادگرفته شده را به دوستان یا کلاس آموزش دهد.
 - ۹ - در مورد مشکلات درسی دانش‌آموز و ریشه‌یابی آن، با او تبادل نظر و گفت‌وگو کنیم.
 - ۱۰ - تشویق کلامی در کلاس، به صورت انفرادی بسیار حائز اهمیت است.

- ۱۱ - مطالب درسی را به ترتیب از ساده به دشوار مطرح کنیم.
- ۱۲ - از بروز رقابت ناسالم در بین دانش‌آموزان پیشگیری شود.
- ۱۳ - در فرآیند آموزش متکلم وحده نباشیم و یادگیرندگان را در یادگیری مشارکت دهیم.
- ۱۴ - علاقه به دانش‌آموزان و تعلق خاطر و اهمیت دادن به یکایک آن‌ها، سطح انگیزه‌ها را افزایش می‌دهد.
- ۱۵ - آموزش را با «تهدید» پیش نبریم.
- ۱۶ - برای دانش‌آموزان با انگیزه، خوراک علمی کافی داشته باشیم.
- ۱۷ - با محول کردن مسئولیت به دانش‌آموزان کم‌توجه، آنان را به رفتارهای مثبت هدایت و علل کم‌توجهی در آن‌ها را بررسی کنید.
- ۱۸ - شیوه‌های تدریس را از سنتی به شیوه‌های روز تغییر داده و با استفاده از تکنولوژی آموزشی، حواس پنجگانه دانش‌آموزان را به کار گیریم.
- ۱۹ - میان درس کلاس و مسائل زندگی که به وسیله همان درس قابل حل است، ارتباط برقرار کنیم.
- ۲۰ - تدریس را با طرح مطالب و پرسش‌های جالب توجه آغاز کرده و با تحریک حس کنجکاوی، دانش‌آموزان را برانگیخته‌تر سازیم.
- ۲۱ - به وضعیت جسمانی دانش‌آموزان توجه کرده و علل جسمی بی‌توجهی و کاهش انگیزه آنان را بیابیم.
- ۲۲ - محیط کلاس را با طراحی زیبا و مناسب، جذاب سازیم تا مانع بروز کسالت روحی شویم.
- ۲۳ - با فرهنگ و تاریخچه زندگی افراد مدرسه یا محله‌ای که در آن تدریس می‌کنیم، آشنا شده و در طول تدریس از مثال‌های آشنا استفاده کنیم.

- ۲۴ - به منظور اطلاع از نتیجه فعالیت درسی دانش‌آموزان و ارائه بازخورد به موقع و مناسب، تکالیف آنان را بلافاصله در جلسه بعدی ملاحظه و با رفع اشکالات، جنبه‌های مثبت را تشویق کنید.
- ۲۵ - در گرفتن آزمون و امتحان به قول خود عمل کنیم.
- ۲۶ - زمان یادگیری باید در حد توان دانش‌آموز باشد. برای تجدید قوا و انگیزه در میان کلاس از وقت تفریح و استراحت غافل نشویم.
- ۲۷ - دانش‌آموز را از میزان پیشرفت خود آگاه سازیم تا بداند برای رسیدن به هدف چه گام‌های دیگری بردارد.
- ۲۸ - به لحاظ اخلاقی و ایجاد انگیزه، همیشه خوش‌اخلاق و خوش‌رو باشیم.
- ۲۹ - به منظور افزایش حس کفایت و مشارکت در ارائه دروس از نظرات دانش‌آموزان استفاده کنیم.
- ۳۰ - مطمئن باشیم که توجه دانش‌آموزان برای شروع تدریس آماده است.
- ۳۱ - تمام مطالب دشوار را یک‌جا و در یک جلسه آموزش ندهیم.
- ۳۲ - به خاطر داشته باشیم، توجه افراطی به دانش‌آموزان (قوی یا ضعیف) موجب متشنج شدن فضای کلاس می‌شود.
- ۳۳ - دانش‌آموزان را به گروه‌های «خوب»، «بد» و «ضعیف» تقسیم‌بندی نکنیم.
- ۳۴ - از ورود به موضوعات حاشیه‌ای که منجر به انحراف توجه کلاس می‌شود، بپرهیزیم.
- ۳۵ - با ایجاد جلسات بحث و تحلیل به دانش‌آموزان فرصت تفکر و اظهار نظر بدهیم.
- ۳۶ - هرگز دانش‌آموزان را مجبور به انجام فعالیت‌های تحقیرکننده نظیر «جریمه» نکنیم.

۳۷ - به افراد درون‌گرا، کمرو، مضطرب که تمایلی به ابراز وجود ندارند، توجه کرده و با تقویت رفتارهای مثبت، آن‌ها را به مشارکت در بحث‌های کلاسی و کارهای گروهی تشویق کنیم.

۳۸ - در روش‌های تدریس، کنفرانس و سمینار را مد نظر قرار دهیم.

۳۹ - تأکید بر نمره، اضطراب دانش‌آموزان را افزایش می‌دهد و مانع از توجه کامل به موضوع درس می‌شود. این دانش‌آموزان با وجود تلاش زیاد از نمرات پایینی برخوردارند و به تدریج رابطه میان تلاش و نتیجه را نادیده می‌گیرند که در نهایت منجر به از دست رفتن انگیزه خواهد شد.

۴۰ - گاهی از تجربه‌های دوران تحصیل و شکست‌ها و موفقیت‌های خود برای دانش‌آموزان صحبت کنید.

نقش معلم در تربیت عقلانی دانش‌آموزان

مفهوم‌شناسی

معلم: معلم در زبان فارسی در معنای مختلف به‌کار می‌رود. تعلیم‌دهنده و آموزنده، عالم و فلیسوفی که جامع علوم عصر و واضع بخشی از دانش‌ها است، از معانی معلم است. معلم به معنای تعلیم‌دهنده اعم از آموزگار، دبیر و استاد است و به کسی که چیزی به دیگری می‌آموزد اطلاق می‌شود. بر این اساس پیامبران، امامان، روحانیون و استادان دانشگاه، آموزگاران و دبیران - مدارس ابتدایی راهنمایی و دبیرستان به‌کار می‌رود. اما منظور از معلم در این مقاله، آموزگاران و دبیران مدارس می‌باشند که در مدارس با دانش‌آموزان در ارتباط می‌باشند.

تربیت عقلانی: تربیت عقلانی عبارت از مجموعه‌ای اعمال و یا تأثیرات عمدی و هدف‌دار یک انسان (مربی) بر انسان دیگر (متربی) به منظور توسعه و رشد نیروی عقلانی می‌باشد [۳].

شیوه‌های تربیت عقلانی

در تعلیم و تربیت یکی از مباحث مهم شیوه‌های آموزشی است. شیوه‌های آموزشی نمونه‌های رفتاری است که عمل و پایبندی به آن‌ها موجب تحقق طرح‌های راهبرد آموزشی (روش‌ها) می‌شود. با توجه به رویکرد قرآنی به مباحث باید در تعلیم و تربیت عقلانی از شیوه‌های به‌کارگرفته شود که قرآن کریم برای رشد و شکوفایی عقلانیت انسان از آن بهره برده است. می‌توان این شیوه‌ها را به دو شیوه تقسیم نمود شیوه مستقیم و شیوه غیر مستقیم در این نوشتار به برخی از این شیوه‌ها اشاره می‌شود.

الف: شیوه غیرمستقیم

۱/ الف شیوه مشاهده

مشاهده و نگاه نمودن یکی از ابزارهای است که خداوند مهربان برای معرفت‌افزایی و شکوفایی بصیرت و عقلانیت و راه‌یابی به حقایق عالم ما را به ابزار آن تجهیز نموده و مأمور به دیدن و تماشا نمودن پدیده‌های اطراف مان شده‌ایم. چشم یک ابزار مهمی برای دستیابی به موجودات اطراف ما می‌باشد. کارکرد چشم امری نیست که بتوان در آن شک و تردید نمود. روانشناسان برای بهبود کیفیت و ارتقا یادگیری و فراگیری به ابزار دیداری تأکید بسیار دارند. آن‌ها معتقدند گاهی یک عکس معادل ده هزار لغت و عبارت است [۴]. عکس‌ها و تصاویر زیبا و مربوط به مفاهیم و مطالب تهیه شده در کیفیت محتوا نقش اساسی دارد. گاهی یک عکس خوب و معنادار بیشتر از نوشته در رشد و شکوفایی انسان مؤثر می‌باشد. مشاهده نمودن طبیعت و خلقت‌های بدیع و بی‌مانند جهان طبیعت و شگفتی‌های آن و زیبایی گل‌ها و میوه‌ها و هر آنچه که در اطراف ما قرار دارد مورد توجه قرآن کریم است تا از مشاهده آن و تأمل در این همه نشانه‌ها توجه بندگان را به صاحب نشان معطوف سازد. أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَىٰ الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ [۵]. مشاهده شتر که در دسترس مخاطبین آن روز بود و از لوازم ضروری زندگی عرب آن روزگار

محسوب می‌شد، نگاه کردن آن مؤنه‌ی نداشت برای هدایت و تذکر انسان‌ها و تعلیم ارزش‌های الهی مورد توجه قرار گرفته است. در آیه‌ی دیگر به اصل این نعمت الهی و ابزار معرفتی اشاره کرده می‌فرماید: **قُلْ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ وَ جَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَ الْأَبْصَارَ وَ الْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ [۶]**.

اوست کو آن کس که کرد ایجادتان داد گوش و چشم و دل ز امدادتان
هان شماها بشنوید و بنگرید بر حقایق بر دقایق پی برید

این دو آیه به عنوان مثال ذکر گردید و در آیات متعدد با واژه و تعبیرات مختلفی استفاده شده است. از نظر نمودن انسان به آسمان **"أَفَلَمْ يَنْظُرُوا إِلَى السَّمَاءِ"** و نظر نمودن انسان به طعام خودش **"فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ"** و نظریه مبدأ خلقت خویش **"فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ"** همچنین **"بصر"** و **"رؤیت"** و کلمات که مفهوم دیدن و نگاه کردن و نظر نمودن را ایفاده کند، استفاده شده است و همه این تعبیرها برای عبرت‌آموزی و هدایت و تربیت انسان‌ها و گسترش دانش و معرفت انسان به کار گرفته شده است. زیرا قرآن کتاب هدایت و رشد است و هر بیانی با هر شیوه‌ای در راستای پیاده شدن خوبی‌ها و زیبایی‌ها و نابود شدن زشتی‌ها است و این کار جز با رشد عقلانیت و معرفت انسان ممکن نیست.

معلم می‌تواند زمینه‌ای را فراهم سازد که دانش‌آموزان بتوانند در باره دنیای اطراف خویش به دیدن و گوش دادن بپردازند. دانش‌آموزان با دیدن پدیده‌های ریز و درشت دنیای اطراف اگر به تأمل و تدبیر نمایند می‌تواند به رشد و شکوفایی عقلی برسند. شاعر به این مطلب به زیبایی اشاره نموده است.

برگ درختان سبز در نظر هشیار هر ورقش دفتر است معرفت کردگار

انسان وقتی به دیدن آثار تاریخی و باستانی می‌رود و یا در کنار دریا به قدم زدن می‌پردازد و یا در قله کوه رفته به تماشای مناظر می‌ایستد می‌تواند دو گونه به

این پدیده‌ها نگاه کند یکی این‌که به شکل و زیبایی ظاهری اشیا بنگرد و از مظاهر و جلوه‌های آن‌ها، لذت ببرد و یکی این‌که با این نگاه ظاهری به خالق آن‌ها و اداره‌کننده و مدیریت‌کننده آن‌ها نیز بیندیشد. این دو نوع نگاه با هم فرق‌های اساسی و آثار متفاوتی دارد. این شخص بیننده است که چگونه نظر نماید. خداوند رسولان را فرستاده است که انسان‌ها را از همین تماشای ساده ظاهری به عمق و حقیقت هستی توجه دهد و معلم نیز همان‌گونه که به گفته امام راحل «معلمی شغل انبیاء است» نیز می‌تواند از زمینه‌های به‌وجود آمده در هر شرایطی به دانش‌آموزان تذکر دهد و آن‌ها را به دیدن معنا دارد و جهت دارد تحریک نماید و این نوع مشاهده به معرفت عقلی و شناختی کمک می‌نماید. قدرت عقلی او را رشد می‌دهد، راه را از بیراه تمییز داده به راه راست راهنمون می‌گردد «قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ [۷]» معرفتی که زمینه‌ساز سعادت ابدی او را فراهم ساخته به سوی لذت دایمی هدایت گردد این معرفت از مهم‌ترین معرفت‌ها است معرفتی که به شناخت و آگاهی درباره خالق هستی و هستی می‌انجامد. فرجام هستی را می‌داند. خوبی‌ها را درک می‌کند. چنان‌چه در تعریف عقل امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: العقل ما عبد به الرحمن واكتسب به الجنان [۸]

۲/ الف شیوه محبت

یکی از شیوه‌هایی که نقش اساسی در انگیزه‌ها و میل‌های دانش‌آموزان دارد شیوه محبت است. محبت از نظر تربیتی نیروی عظیم و کارساز است و تربیتی که با این شیوه القا شود ماندگارترین و مؤثرترین آموزش است. خداوند مهربان پیامبر گرامی‌اش را به شیوه محبت آراسته است. در آیه‌ای می‌فرماید: «پس به لطف و رحمت الهی با آنان نرم‌خو و پرمهر شدی، و اگر تندخو و سخت‌دل بودی هر آینه از پیرامونت پراکنده می‌شدند. پس از آنان در گذر و برایشان آمرزش بخواه [۹]».

رسول مکرم اسلام با محبت مردم را از رذایل دور ساخت و به فضایل آراست. ایشان توانست با روش محبت سرسخت‌ترین مردمان را متحول و منقلب سازد؛ زیرا انسان بر فطرت خویش نیازمند محبت است. محبت سر منشأ تربیت نفس‌ها و دل‌ها و نرم شدن دل‌های سخت است. محبت عاملی مهم در سلامت روحی و اعتدال روانی است. با گرمای محبت استعداد‌های انسان شعله می‌کشد و انگیزه تلاش و خلاقیت او فراهم می‌گردد.

معلم می‌تواند با نرم‌خویی و مهربانی در عمق روان دانش‌آموزان نفوذ نماید و با پذیرش روانی هدف‌های تربیتی را به سادگی اجرا سازد و یکی از اهداف مهم و عمده تعلیم و تربیت رشد و شکوفایی بعد عقلانی و شناختی و معرفتی آن‌ها است. مطالعات و پژوهش‌هایی که توسط ونگ، هارتل و والبرگ اجرا شد نشان داد که جو کلاس یکی از مهم‌ترین عوامل تاثیرگذار بر پیشرفت دانش‌آموزان است. فضای گرم و صمیمی و حمایتی کلاس درس، در عزت نفس دانش‌آموزان و مشارکت آن‌ها رابطه وثیق دارد. مهم‌ترین جنبه از جو کلاس رابطه بین معلم و دانش‌آموزان است. رابطه صمیمی و محبت‌آمیز باعث موفقیت‌های شناختی و عاطفی دانش‌آموزان می‌شود [۱۰]. در فضای صمیمی و روابط محبت‌آمیز بین دانش‌آموزان برای آن‌ها این فرصت به وجود می‌آید که در امور کلاس شرکت نمایند. معلم را با تمام وجود پذیرا گردند و از همین فضای گرم معلم می‌تواند انگیزه‌های دانش‌آموزان را تقویت نموده و آن‌ها را برای امور کلاس و مشارکت تحریک نماید در چنین روابط عمیق عاطفی آن‌ها جرئت می‌یابند تا حضور روانی و علمی بیشتری در کلاس داشته باشند. می‌توانند به آسانی ایده و نظرشان را در باره مسایل ابراز نمایند. قرآن کریم این حقیقت را به‌طور صریح و روشن بیان می‌نماید «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ» اگر سنگ‌دل بودی مردم از اطرافت پراکنده می‌شدند. رسول مکرم اسلام در ارتباط با مسلمانان همواره با عطف و مهربانی رفتار می‌نمود. صمیمیت و مهرورزی با مردم سبب شده بود مردم نظر خود

را در باره مسایل اجتماعی و حتی امور مهم جنگ و مسایل نظامی بیان نمایند. پیشنهاد حفاری و ایجاد خندق از طرف سلمان فارسی [۱۱] در جنگ احزاب پذیرش نظر اکثریت در شورای نظامی مبنی بر خروج سربازان اسلام از شهر مدینه در جنگ احد [۱۲] و ابراز نظر مسلمانان حاکی از این امر است که جو عاطفی و پذیرش‌گری بین رسول مکرم اسلام و مسلمان حاکم بوده است. مسلمان‌ها به خوبی می‌توانسته‌اند اظهار نظر نمایند اندیشه و نظر آن‌ها مورد توجه رسول مکرم اسلام بوده است و این شیوه می‌تواند در امر کلاس‌داری و تعلیم و تربیت نیز از نکات کاربردی و تاثیرگذار باشد. بنابراین محبت بستری است که در آن ساحت‌های عقلانی، شناختی، عاطفی، انسان شکوفا می‌شود. زمینه‌ای است که به‌طور غیر مستقیم می‌تواند برای رشد عقلانی مورد توجه قرار گیرد. این روش برخاسته از اصول تربیتی و پرورشی است که به معلمان می‌گویند همه دانش‌آموزان فرصت‌های برابر یا گرایش مساوی برای مشارکت در بحث‌های کلاس را ندارند، معلمان باید برای فضای حاکم بر کلاس ساختار غیر تهدیدآمیز و حمایت‌کننده پدید آورند به نحوی که در آن از آرای متفاوت استقبال شود و نقطه‌نظر هر دانش‌آموز با ارزش تلقی شود. شاگردان نیامده‌اند که فقط محتوای درس را فرا گیرند آن‌ها می‌آیند که درباره خود و نحوه قبول احساسات خویش نیز بیاموزند این یافته‌های علمی می‌گوید در نظام کارآمد، پویا و مترقی مقررات و قوانین سخت و رفتارهای غیر علمی نتایجی زیان‌بار در پی خواهد داشت از این‌رو ساختارهای نظام آموزشی براساس روابط متعالی انسانی و کرامت آدمی باید استوار گردد که در آن مدرسه و کلاس درس محیط دلپذیر، پذیرا، جذاب و خوش‌آیند برای دانش‌آموزان باشد فضای آموزش فضای صمیمی که در آن هرکس در نقش خود احساس امنیت، فضیلت و احترام و کرامت نماید.

روانشناسی پرورشی می‌گوید وقتی کودکان و نوجوانان در سر کلاس معلم محبوب خود با نهایت میل و رغبت و انگیزه و اشتیهای روانی به مطلب درس

گوش جان می‌سپارند یادگیری به شایسته‌ترین وجه صورت می‌پذیرد اما زمانی که به دلایلی دانش‌آموزان نگرش چندان خوش‌آیندی به مدرسه و کلاس و معلم ندارند بی‌اشتهایی روانی و تحصیلی وجودشان را فرا گرفته و همه درس و بحث تحمیلی بیش نخواهد بود و به زودی مطالب آموخته شده را فراموش می‌کنند و بی‌اشتهایی و استفراغ روانی برای او ایجاد می‌شود.

۱- چشم و قلب از ابزاری مفید و مؤثر در کسب آگاهی و دانش ما می‌باشد. مشاهده و نگاه نمودن از ابزار حسی است و از نظر معرفت‌زایی و معرفت‌بخشی داری اعتبار و ارزش است. «قُلْ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ وَ جَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَ الْأَبْصَارَ وَ الْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ».

۲- ما مأمور به مشاهده و توجه به پدیده‌های موجود در اطراف‌مان هستیم و باید از نگاه نمودن به آن‌ها برای معرفت و دانش خویش (از جمله علوم تجربی و طبیعی) بهره ببریم. أَ فَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبْلِ كَيْفَ خُلِقَتْ. وَ يَا فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ.

۳- محبت در کلاس سبب می‌شود مشارکت و حضور روانی بیشتر فراهم گردد. همین امر بستری را به وجود می‌آورد که در نهایت باعث رشد و شکوفایی جنبه‌های عاطفی، شناختی و عقلانی انسان می‌گردد.

ب: روش‌های مستقیم

۱/ب ضرب‌المثل‌ها:

ضرب‌المثل‌های مناسب نقش فوق‌العاده حساس و غیرقابل انکاری را برای روشن شدن و دل‌نشین کردن حقایق دارند. گاهی ذکر یک مثال مناسب دریایی از معرفت و شناخت نسبت به موضوع را برای دانش‌آموزان ارایه می‌نماید. خداوند در قرآن از ضرب‌المثل‌های فراوان استفاده کرده و بسیاری از حقایق عقلانی را در لباس مثال‌های حسی بیان نموده است. گاهی مثال‌های کوچک و گاهی از مثال‌های

بزرگ بهره برده است. جالب این که وقتی مثال کوچک را مورد توجه قرار داده و ذکر می‌کند بلافاصله می‌فرماید «خداوند از این که (به موجودات ظاهراً کوچکی مانند) پشه و حتی کوچک‌تر از آن مثال بزند شرم نمی‌کند» [۱۴]. معلم از این طریق نیز می‌تواند نقش تاثیرگذار در تربیت و شکوفایی شناخت و بعد عقلانی متریبان داشته باشد؛ زیرا در قرآن ذکر مثال‌ها موضوعیت ندارد بلکه آن‌چه مهم است و داری اهمیت می‌باشد این است که از این طریق انسان‌ها به رشد و توانایی عقلی برسند و از ضرب‌المثل‌ها درس هدایت و معرفت بگیرند. چنان‌چه قرآن کریم می‌فرماید وَ تِلْكَ الْأَمْثَالُ لِنَاسٍ لِّعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ [۱۵].

این مثل‌ها می‌زنیم از بهر ناس تا کنند اندیشه شاید با هراس

۲/ب شیوه قصه‌گویی:

یکی دیگر از شیوه‌های تاثیرگذار در تعلیم و تربیت، قصه‌گویی است. قصه‌گویی بازخوانی سرگذشت اقوام پیشین است. بازگویی سرنوشت گذشتگان و دوباره خوانی راه‌های رفته و عبرت‌گیری و پندآموزی از حوادث تلخ و شیرین گذشته می‌باشد. محمد قطب درباره گذشته و اهمیت تاریخی داستان می‌نویسد: «این تأثیر سحرانگیز داستان هرچه از گذشته با بشر پیش آمده، همیشه همراه با زندگانی او بر روی زمین سیر می‌کرده و نیز هرگز از بین نمی‌رود» [۱۶].

قرآن کریم برای شکوفاسازی و معرفت‌افزایی مردم از روش قصه‌گویی بسیار استفاده نموده است. تا آن‌جا که یک سوره بنام **القصص** در قرآن آمده است. در این سوره سرگذشت حضرت موسی و فرعون را مطرح نموده می‌گوید ما به حق برای تو از داستان موسی و فرعون می‌خوانیم برای گروهی که ایمان می‌آورند [۱۷]. در این سوره ماجرای زندگی حضرت موسی و فرعون بازگو شده است. از وضعیت سیاسی و اجتماعی جامعه‌ی آن روز سخن به‌میان آمده و فرازهای برجسته و مهم زندگی حضرت موسی مورد اشاره قرار گرفته است. البته قصه‌گویی تنها در همین

سوره مورد استفاده قرار نگرفته است در سوره‌های متعدد این روش به کار گرفته شده است در سوره «الاعراف» داستان بلعم و باعورا را مطرح نموده می‌فرماید «و بر آن‌ها بخوان سرگذشت آن‌کس را که آیات خود را به او دادیم ولی (سرانجام) او خود از آن تهی ساخت» [۱۸]. در سوره یوسف داستان یوسف را متذکر شده می‌فرماید «ما بهترین سرگذشت‌ها را از طریق این قرآن که به تو وحی کردیم بر تو بازگو می‌کنیم» [۱۹]. در سوره کهف باز قصه حضرت موسی و حضرت خضر و ماجرای ذی‌القرنین و... را مطرح نموده می‌فرماید «ما داستان آنان را به حق برای تو بازگو می‌کنیم» در سوره نمل داستان حضرت سلیمان و ماجرای تخت بلقیس یادآوری شده است. قرآن کریم ما را به مشاهده احوال پیشینیان و سیر در احوال ملت‌ها دعوت می‌نماید. این دعوت‌های مکرر نشانه تأکید و اهمیت مسأله است تا مردم در تاریخ گذشتگان تأمل نموده و از آن به‌عنوان عوامل ارتقادهنده و شکوفاسازی اندیشه و معرفت خویش بهره ببرند. در باره آن اندیشه نمایند و از این طریق بعد عقلانی خود را توسعه بخشند. جالب این‌که در سوره یونس خداوند این مسأله را با صراحت بیان نموده می‌فرماید «فأقْصُصْ الْقِصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» [۲۰]. یعنی این قصه را برای آن‌ها بگو شاید از این طریق آن‌ها اندیشه نمایند.

۳/ب اردوی علمی:

یکی از شیوه‌هایی که به رشد و شکوفایی می‌تواند تأثیر بگذارد گردش علمی است. دین اسلام ما را از تقلید کورکورانه و بدون تأمل و دلیل برحذر می‌دارد و می‌فرماید از چیزی که بدان علم نداری پیروی مکن پذیرش امور از روی تقلید مورد قبول قرآن نیست. قرآن به ما دستور می‌دهد همواره به کاوش و پژوهش پردازید و در پی علم و دانش و اندیشه باشید. برای رسیدن به حقایق و دانش‌افزایی و معرفت تنها در یک مکان اکتفا ننمایید بلکه به سیر و سفر و گردش اقدام نمایید. «قل سیروا فی الارض فانظروا» [۲۱]. سیر و سیاحت در اطراف و اکناف زمین آگاهی ما را ارتقا می‌بخشد. از فرهنگ و اندیشه ملت‌های دیگر باخبر

می‌سازد. ما را با پدیده‌های جدید و مسایل نو مواجه می‌سازد و همین امر باعث تأمل و رشد شناختی ما می‌گردد. سعدی شیرازی که یکی از چهره‌های برجسته و شاخص فرهنگ ایران اسلامی است و از استوانه‌های مهم ادب پارسی به حساب می‌آید که ملل دنیا از پند و اندرز حکیمانه او بهره‌ها برده‌اند و می‌برند، سالیان درازی را به گشت و گذار پرداخت. او پس از تحصیل، ۲۵ سال به سیر و سیاحت و جهان‌گردی مشغول بود و در اقصا نقاط جهان سفر نمود و از همین سفرها و سیاحت‌ها بهره‌ها برد و توشه‌ها چید او خود در این زمینه می‌سراید:

در اقصای عالم بگشتم بسی به سر بردم ایام با هر کسی
تمتع به هر گوشه‌ای یافتم زهر خرمنی خوشه‌ای یافتم. [۲۲]

قرآن کریم به این امر مهم توجه نموده و در آیات متعدد ما را به سیر و سیاحت و جهان‌گردی تشویق می‌نماید «أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونُ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا» [۲۳]. آیت‌الله مکارم شیرازی ذیل تفسیر آیه فوق می‌نویسد: «این جهان‌گردی معنوی و سیر در ارض قلب انسان را دانا و چشم انسان را بینا و گوش او را شنوا می‌گرداند، و از خمودی و جمود، رهایی می‌بخشد».

در آیات متعدد از سیر در زمین سخن به میان آمده است. این سیر تنها برای تفریح و گردشگری نیست. همان‌طور که قبلاً گفته شد شأن قرآن کریم شأن هدایت و تربیت است از مطرح ساختن سیر و گردش در زمین به نکته تربیتی و اصلاحی نظر دارد. از این‌رو گردش و اردوی علمی می‌تواند جنبه علم‌اندوزی، دانش‌افزایی، رشد و شکوفایی معرفت و شناخت انسان را در عرصه‌های مختلف در پی داشته باشد.

همچنین ایشان در تفسیر نمونه می‌نویسد: «قرآن مجید کراراً مردم را به سیر در ارض و مشاهده آثار گذشتگان، سرزمین‌های ویران‌شده اقوامی که به عذاب گرفتار شده‌اند، کاخ‌های در هم‌شکسته شاهان، قبرهای در هم‌ریخته و استخوان‌های پوسیده مستکبران، اموال و ثروت‌های بی‌صاحب مانده ثروتمندان مغرور، دعوت

کرده است، مخصوصاً تصریح می‌کند که مطالعه این آثار که تاریخ زنده و گویا و ملموس پیشینیان است دل‌ها را بیدار و چشم‌ها را بینا می‌کند و به راستی چنین است، گاهی مشاهده یکی از این آثار آن‌چنان طوفانی در دل و جان انسان بر پا می‌کند که مطالعه چندین کتاب تاریخ قطور چنان اثری ندارد [۲۴].»

۱- شیوه ضرب‌المثل از شیوه کاربردی، مؤثر برای تعلیم و تربیت است. قرآن از این شیوه زیاد استفاده نموده است. خداوند از این‌که (به موجودات ظاهراً کوچکی مانند) پشه و حتی کوچک‌تر از آن مثال بزند شرم نمی‌کند.

۲- شیوه قصه‌گویی نیز یکی دیگر از شیوه‌های مورد استفاده در قرآن است. در آیات متعدد قصه‌های تاریخی برای عبرت‌آموزی مورد استفاده قرار گرفته است که می‌تواند برای معلمان نیز مفید و کارآمد باشد.

۳- گردش علمی نیز در قرآن مورد توجه قرار گرفته است. این شیوه به دانش‌آموز امکان می‌دهد از طریق مشاهده طبیعت، وقایع، فعالیت‌ها و اشیا را از نزدیک مشاهده نموده و به دانش و معرفت خویش رشد و شکوفایی بخشند.

از مباحث فوق به این نتیجه می‌رسیم که برای رشد عقلانی دانش‌آموزان از شیوه‌های گوناگون می‌توان استفاده نمود. شیوه‌های غیر مستقیم و زمینه‌ساز و شیوه‌های مستقیم. نگاه نمودن، گوش دادن و محبت ورزیدن می‌تواند از شیوه‌های غیر مستقیم به حساب آمده و ضرب‌المثل‌ها و قصه‌گویی و گردش علمی می‌تواند به‌طور مستقیم به رشد و شکوفاسازی دانش‌آموزان از جمله ساحت عقلی آن‌ها کمک نماید. این روش‌ها در قرآن نیز مورد توجه قرار گرفته است.

۱- شیوه‌هایی که در مقاله مورد بررسی قرار گرفت ممکن است در شرایط و سنین مختلف سنی همگی آن‌ها مورد استفاده قرار نگیرد. بسته به شرایط مکانی و زمانی و مخاطبین مورد استفاده قرار گیرد.

۲- به‌طور کلی در کلاس باید به نکات اصول روانشناسی تربیتی توجه نمود.

الف: به دانش‌آموزان خویش فرصت فراوان داد تا در امور کلاس مشارکت نموده و تفکر کنند.

ب: باید فضای پذیرا در کلاس فراهم آوریم تا زمینه حضور روانی و علمی بیشتر دانش‌آموزان فراهم گردد.

ج: به دانش‌آموزان اجازه دهیم که ایده و نظرشان را در باره مسایل ابراز نمایند.

🔗 معلم خوب چه ویژگی‌هایی بایستی داشته باشد؟ 🔗

هر فردی با استعداد و شایستگی خاصی دیده به جهان می‌گشاید و در صورتی به تکامل و خوشبختی نائل می‌شود که با شناختی صحیح از قابلیت و توانایی‌های ویژه در مسیر پرورش اصولی قرار گیرد. در حقیقت تربیت جز شناخت ویژگی‌ها و فعلیت بخشیدن به استعداد و شایستگی‌های نهفته دانش‌آموز نیست و این مهم جز به دست توانمند آموزگار انجام‌پذیر نخواهد بود.

جمله فرهیختگان و دانشمندان از اقیانوس بی‌کران استاد سیراب شده‌اند تا بتوانند راه ناهموار علم را بپیمایند.

باغبان دغدغه‌ای جز فراهم ساختن زمینه‌های ویژه برای رشد نونهال ندارد و معلم نیز فقط و فقط به ایجاد شرایط پرورش و خلاقیت شاگردان خود همت می‌گمارد تا تعلیم و تعلم همه جانبه صورت پذیرد.

تنها توجه با آموختن دانش و علوم کافی نیست توانمندی آموزگاران در درک روحیه شاگردان و جذب آنان است. معلمی موفق است که درباره همه جنبه‌های فردی دانش‌آموزان مانند رشد فیزیکی و پرورش مغزی، روحی و شخصیت ایشان آگاهی داشته و آنان در مسیر تکامل رهنمون سازد تا به عضو مؤثر و مفید برای اجتماع تبدیل شوند.

درس معلم گر بود زمزمه محبتی جمعه به مکتب آورد طفل گریزپای را

ارتباط معلم و دانش‌آموز

همه ما در هر سن و سالی که باشیم، هیچ‌گاه خاطره‌های خوشی را که از معلم‌های خوبمان در دوران تحصیل داشته‌ایم از یاد نمی‌بریم. در واقع همین قدر که این خاطره‌ها برای ما شیرین و به یادماندنی هستند، تأثیراتی هم که از خود به جای می‌گذارند قابل توجه و ماندگارند. بنابراین رابطه بین دانش‌آموز و معلم یکی از بهترین ارتباطاتی است که ما در طول زندگی خود تجربه خواهیم کرد.

بسیاری از دانشمندان تدریس را هنر می‌دانند و معتقدند تا زمانی که فردی علاقه و هنر علم‌آموزی را نداشته باشد نمی‌تواند مدرس موفق باشد. اما بعضی دیگر عقیده دارند که معلمی علمی است که می‌توان اصول آنرا پس از طی مراحل، کسب کرد و در کلاس درس به مرحله اجرا گذاشت. عده‌ای نیز معلمی را ترکیبی از هنر و علم می‌دانند؛ یعنی معلم از علم خود برای انتخاب مواد آموزشی و از هنر خود برای نحوه تدریس آن ماده آموزشی استفاده می‌کند.

معلم به عنوان کارشناس؛ معلم‌ها باید در مورد مواد و موضوعات آموزشی و همچنین در مورد شیوه‌های تدریس آن‌ها تصمیم‌گیری کنند. در طول هفته صدها تصمیم به ذهن معلمان خطور می‌کند که انتظار دارند برای آن‌ها جواب‌های مناسبی بیابند. سؤالاتی مانند این که چگونه می‌توان به کودک در سال‌های اولیه آموزش، نوشتن خلاق را آموزش داد و کدام روش تدریس برای درس مورد نظر مناسب است.

معلم به عنوان مشوق؛ معمولاً معلمان از خود سؤال می‌کنند که چگونه می‌توانند دانش‌آموزان را به صورت فعال در خصوص یادگیری درگیر کنند؟ بسیاری از اعمال معلم در برانگیختن دانش‌آموزان و ارتقا بخشیدن سطح فکر آن‌ها مؤثر است. برای مثال نحوه نمره دادن یا امتحان کردن معلم باعث دلگرمی یا دلسردی دانش‌آموزان می‌شود یا هرگونه تکلیف می‌تواند به عنوان عاملی مشوق یا

دلسردکننده عمل کند. در واقع می‌توان گفت یکی از مهم‌ترین نقش‌هایی که معلم می‌پذیرد این است که خود را به عنوان عاملی محرک و مشوق بداند.

معلم به عنوان مدیر کلاس؛ نحوه مدیریت کلاس و برقراری ارتباط با تک‌تک دانش‌آموزان یکی از مهم‌ترین وظایف معلمان است؛ این که معلم بتواند به طریقی مطلوب از عهده این‌گونه وظایف برآید، نقش مهمی در چگونگی انجام وظیفه او خواهد داشت. این مدیریت کلیه تصمیم‌گیری‌ها و اعمالی را که برای نظم بخشیدن به کلاس لازم است و تحت عنوان انضباط مطرح می‌شود، شامل می‌شود. منظور از این‌گونه مدیریت، نگهداری یا فراهم آوردن محیطی است که در آن یادگیری صحیح همراه با کاهش مسائل و مشکلات برای دانش‌آموزان انجام می‌شود.

معلم به عنوان مشاور؛ دانش‌آموزان معمولاً با ورود به مدرسه با مسائل جدیدی روبه‌رو می‌شوند که برای حل آن‌ها نیاز به مشورت پیدا می‌کنند و در این راه بهترین کسی که می‌تواند به دانش‌آموز کمک کند معلم اوست. اگرچه نمی‌توان از معلمان انتظار داشت که مانند مشاور عمل کنند ولی باید نسبت به رفتار شاگردان خود مشاهده‌گران حساسی باشند. همچنین زمانی که احساسات دانش‌آموزان مانعی برای یادگیری آن‌هاست، باید پاسخ مناسب و راهکار مؤثری به آنان ارائه دهند و در صورت لزوم آن‌ها را نزد مشاور و متخصص مربوط بفرستند.

معلم به عنوان الگو؛ بسیاری از دانش‌آموزان با ورود به فضای آموزشی سعی می‌کنند الگویی برای خود برگزینند؛ ولی معمولاً معلم نخستین گزینه‌ای است که انتخاب می‌کنند. بنابراین معلم باید بتواند از هر نظر الگوی خوبی برای دانش‌آموز خود باشد. در واقع یک معلم علاقه‌مند که حتی خوب هم تدریس نمی‌کند، در مقایسه با معلمی که خوب تدریس می‌کند ولی با جدیت و اشتیاق موضوع را دنبال نمی‌کند، دانش‌آموزان را بیشتر به درس علاقه‌مند می‌سازد؛ زیرا معلمان در هر حال به عنوان الگویی برای دانش‌آموزان هستند.

● رفتارهای غلط معلم

تام دانش‌آموز ۱۰ ساله نمی‌توانست پنجره کلاس را باز کند. معلم گفت: «تو عرضه باز کردن یک پنجره را هم نداری؟ پس تو چی بلدی!» تام از خجالت سرخ شد و به طرف نیمکتش برگشت؛ در حالی که از دست معلمش بسیار ناراحت بود. واکنش این معلم مخرب‌ترین واکنش بود. کودکان هرگز به توانایی‌هایشان اطمینان ندارند. بنابراین زیر سؤال بردن میزان هوش و استعداد کودکان به ویژه در جمع و انتقادهای نیش‌دار از دانش‌آموز انگیزه پیشرفت را در او از بین می‌برد و سبب تخریب قوه ابتکار او می‌شود. معلم تام اگر هنگام صحبت، این‌طور توهین‌آمیز با او صحبت نمی‌کرد، می‌توانست کمک بیشتری به او بکند. او می‌توانست سؤال کند؛ «یعنی باز هم این پنجره خراب شده» با این برخورد، تام خیالش راحت می‌شد و دل و جرأت پیدا می‌کرد تا بیشتر سعی کند. همچنین چون معلم مانع از شرمساری‌اش شده بود، او را نسبت به خود علاقه‌مند می‌کرد.

● اصلاح ارتباط

اگر خواهان اصلاح و بهبود روابط موجود در کلاس هستیم، باید از کجا شروع کنیم؟ باید بررسی کنیم و ببینیم چگونه به دانش‌آموزان پاسخ می‌دهیم. چگونگی ارتباط معلم با دانش‌آموز بسیار مهم است و نوع این ارتباط تأثیری مثبت یا منفی بر دانش‌آموز می‌گذارد. معلمانی که خواهان اصلاح روابطشان با دانش‌آموز هستند باید مکالمات آزردهنده و توهین‌آمیز را کنار بگذارند و روش خود را عوض کنند. معلم برای آن‌که بتواند به ذهن دانش‌آموز راه یابد، ابتدا باید به دل او راه پیدا کند. معلم فقط زمانی می‌تواند به ذهن دانش‌آموز راه پیدا کند که ابتدا بتواند به دل او راه یابد و دانش‌آموز نیز فقط زمانی می‌تواند درست فکر کند که بتواند درست هم احساس کند.

والدین و معلمان در گفتار روزمره‌شان کلمات نادرستی بر زبان می‌آورند. این کلمات ناسالم که به‌طور مرموزی در گفتار متداول بزرگ‌ترها نهفته است، پیام‌های مخربی هستند که کودک تحت تأثیر آنها، دیگر به استعدادهای خود و فهم و درکش از محیط پیرامون اعتماد نخواهد کرد، منکر احساساتش می‌شود و نسبت به ارزش‌های خود دچار شک و تردید خواهد شد.

والدین و معلمان باید این کلمات ناسالم را در گفتارشان از بین ببرند. رفتارهای نادرست و کلمات ناصحیح باعث پرخاشگری و لج‌بازی بیش از حد کودک می‌شود.

در واقع سلامت روانی بستگی به این دارد که شخص به واقعیت‌های درون خویش اعتماد کند. چنین اعتمادی در فرایندهای خاصی به وجود می‌آیند که می‌توان آنها را شناخت و به کار بست.

اغلب اوقات معلم از تأثیر زیاد حرف‌هایش بر زندگی دانش‌آموزان آگاه نیست. متأسفانه معلمان برخلاف خلبان‌ها یا پزشکان کمتر آموزش‌های فشرده‌ای در مورد مهارت‌های مربوط به ارتباط صحیح با دانش‌آموزان می‌بینند؛ حال آن‌که کار آن‌ها بسیار حساس است و تربیت ذهن پاک کودکانی را بر عهده دارند که رفتار آن‌ها می‌تواند در آینده بسیاری از اطرافیانشان هم مؤثر باشد.

معلمان باید بتوانند علاوه بر ایجاد انگیزه، مشوق خوبی برای یادگیری بیشتر دانش‌آموزان باشند، اعتماد به نفس آن‌ها را بالا ببرند و مانع از ترس و خشم و هیجانات مخرب شوند. معلمان نیز مانند والدین باید برای برقراری ارتباط صحیح، کفایت داشته باشند و آموزش‌های لازم را در این خصوص دیده باشند.

در واقع سازگاری داشتن در ارتباط نوعی موفقیت است و مستلزم تمرین و ممارست زیاد است. هر پیامی که دانش‌آموزی از سوی معلم خود دریافت می‌کند، بسیار مهم است.

● تشویق

تشویق شامل دو بخش است؛ آنچه ما به دانش‌آموز می‌گوییم و آنچه او خودش به خود تلقین می‌کند و باور دارد. گفتار ما باید نشان دهد که از کوشش‌ها و کمک‌ها و موفقیت‌های دانش‌آموز، کدام‌یک را دوست داریم. آن‌وقت او کم‌کم خودش متوجه می‌شود چه توانایی‌ها و قابلیت‌هایی دارد. اگر اظهارنظرهای ما رویدادها و احساس‌ها را واقع‌بینانه و همراه با قدردانی توصیف کند؛ نتایجی که دانش‌آموز درباره خودش به دست می‌آورد نتایجی مثبت و سازنده خواهد بود. امیلی دانش‌آموز ۱۱ساله به خانم معلم کمک کرد تا کتاب‌های کتابخانه کلاس‌شان را مرتب کند. خانم معلم از تشویق او خودداری کرد. مثلاً نگفت: «متشکرم که کمک کردی، تو بسیار خوب کارت را انجام دادی.» به جای آن فقط کاری را که انجام شده بود، توصیف کرد: «حالا همه کتاب‌ها منظم و مرتب شد و بچه‌ها هر کتابی را بخواهند می‌توانند به راحتی پیدا کنند.» اما اگر معلم امیلی به خوبی از او قدردانی می‌کرد، می‌توانست بیشتر مفید واقع شود؛ بنابراین در فرایند تشویق باید از اعمال مشخص فرد قدردانی شود، نه این‌که فقط صفات او ارزیابی شود.

● ایجاد انگیزه

اغلب معلم‌ها خواهان آن هستند که بدانند چگونه می‌توان در دانش‌آموز انگیزه یادگیری ایجاد کرد. پاسخ این است که در او احساس اطمینان و اعتماد ایجاد کنید تا بتواند شکست را متحمل شود؛ زیرا مهم‌ترین مانع یادگیری ترس است؛ ترس از شکست، ترس از توبیخ و ترس از نادان به حساب آمدن. اما معلم موفق این امکان را برای هر دانش‌آموز فراهم می‌آورد که وقتی اشتباه می‌کند خودش را از تنبیه و مجازات در امان بداند. از میان بردن ترس در دانش‌آموز، زمینه‌ای برای تلاش و کوشش در او ایجاد می‌کند. پذیرفتن اشتباه دانش‌آموز با روی خوش، او را به یادگیری تشویق می‌کند. معلم مورد علاقه من خانم دانیل همیشه در خاطر من

می‌ماند. او وقت زیادی صرف دانش‌آموزان خود می‌کرد تا آن‌ها را بشناسد. او همه را تشویق می‌کرد تا درباره مشکلات زندگی خود صحبت کنند و از خواسته‌ها و آرزوهای خود بگویند. در مدتی کوتاه او مرا بهتر از والدینم شناخت و باعث شد به خودم اطمینان پیدا کنم و اکنون تمام موفقیت‌هایم را مدیون او هستم. تا به حال چند بار با چنین مواردی برخورد کرده‌اید. اغلب بسیار شنیده‌ایم که تأثیر یک معلم در کل زندگی شخص به حد زیادی مؤثر بوده است.

هنگامی که یک معلم به دانش‌آموز خود پیام می‌دهد که هوش و ذکاوت کافی برای پیشرفت تحصیلی ندارد، او نیز کم‌کم باور می‌کند که همین‌طور است واقعاً هم نمی‌تواند به خوبی پیشرفت داشته باشد. کودکان معمولاً نظریات بزرگ‌ترها را قبول می‌کنند و چه بسا تحت تأثیر آن حتی تحصیل خود را هم رها می‌کنند یا بیشتر به آن اهمیت می‌دهند. برعکس این موضوع هم صادق است و گاهی یک تشویق کوچک باعث می‌شود فرد به موفقیت بسیار بزرگی دست پیدا کند، بنابراین شاید هیچ‌کس نتواند جایگزین نقش معلم در زندگی ما شود.

بسیاری از دانشمندان تدریس را هنر می‌دانند و معتقدند تا زمانی که فردی علاقه و هنر علم‌آموزی را نداشته باشد نمی‌تواند مدرس موفق باشد. اما بعضی دیگر عقیده دارند که معلمی علمی است که می‌توان اصول آن را پس از طی مراحل، کسب کرد و در کلاس درس به مرحله اجرا گذاشت. عده‌ای نیز معلمی را ترکیبی از هنر و علم می‌دانند؛ یعنی معلم از علم خود برای انتخاب مواد آموزشی و از هنر خود برای نحوه تدریس آن ماده آموزشی استفاده می‌کند.

معلم به عنوان کارشناس؛ معلم‌ها باید در مورد مواد و موضوعات آموزشی و همچنین در مورد شیوه‌های تدریس آن‌ها تصمیم‌گیری کنند. در طول هفته صدها تصمیم به ذهن معلمان خطور می‌کند که انتظار دارند برای آن‌ها جواب‌های مناسبی بیابند. سؤالاتی مانند این که چگونه می‌توان به کودک در سال‌های اولیه آموزش،

نوشتن خلاق را آموزش داد و کدام روش تدریس برای درس مورد نظر مناسب است.

معلم به عنوان مشوق؛ معمولاً معلمان از خود سؤال می‌کنند که چگونه می‌توانند دانش‌آموزان را به صورت فعال در خصوص یادگیری درگیر کنند؟ بسیاری از اعمال معلم در برانگیختن دانش‌آموزان و ارتقا بخشیدن سطح فکر آنها مؤثر است. برای مثال نحوه نمره دادن یا امتحان کردن معلم باعث دلگرمی یا دلسردی دانش‌آموزان می‌شود یا هرگونه تکلیف می‌تواند به عنوان عاملی مشوق یا دلسردکننده عمل کند. در واقع می‌توان گفت یکی از مهم‌ترین نقش‌هایی که معلم می‌پذیرد این است که خود را به عنوان عاملی محرک و مشوق بداند.

معلم به عنوان مدیر کلاس؛ نحوه مدیریت کلاس و برقراری ارتباط با تک‌تک دانش‌آموزان یکی از مهم‌ترین وظایف معلمان است؛ این‌که معلم بتواند به طریقی مطلوب از عهده این‌گونه وظایف برآید، نقش مهمی در چگونگی انجام وظیفه او خواهد داشت. این مدیریت کلیه تصمیم‌گیری‌ها و اعمالی را که برای نظم بخشیدن به کلاس لازم است و تحت عنوان انضباط مطرح می‌شود، شامل می‌شود. منظور از این‌گونه مدیریت، نگهداری یا فراهم آوردن محیطی است که در آن یادگیری صحیح همراه با کاهش مسائل و مشکلات برای دانش‌آموزان انجام می‌شود.

معلم به عنوان مشاور؛ دانش‌آموزان معمولاً با ورود به مدرسه با مسائل جدیدی روبه‌رو می‌شوند که برای حل آنها نیاز به مشورت پیدا می‌کنند و در این راه بهترین کسی که می‌تواند به دانش‌آموز کمک کند معلم اوست. اگرچه نمی‌توان از معلمان انتظار داشت که مانند مشاور عمل کنند ولی باید نسبت به رفتار شاگردان خود مشاهده‌گران حساسی باشند. همچنین زمانی که احساسات دانش‌آموزان مانعی برای یادگیری آنهاست، باید پاسخ مناسب و راهکار مؤثری به آنان ارائه دهند و در صورت لزوم آنها را نزد مشاور و متخصص مربوط بفرستند.

معلم به عنوان الگو؛ بسیاری از دانش‌آموزان با ورود به فضای آموزشی سعی می‌کنند الگویی برای خود برگزینند؛ ولی معمولاً معلم نخستین گزینه‌ای است که انتخاب می‌کند. بنابراین معلم باید بتواند از هر نظر الگوی خوبی برای دانش‌آموز خود باشد. در واقع یک معلم علاقه‌مند که حتی خوب هم تدریس نمی‌کند، در مقایسه با معلمی که خوب تدریس می‌کند ولی با جدیت و اشتیاق موضوع را دنبال نمی‌کند، دانش‌آموزان را بیشتر به درس علاقه‌مند می‌سازد؛ زیرا معلمان در هر حال به عنوان الگویی برای دانش‌آموزان هستند.

نقش معلم در اعتلا و تعمیق تربیت اسلامی

امام خمینی (ره)

«نقش معلم در جامعه، نقش انبیاست. انبیا هم معلم بشر هستند. نقش بسیار حساس و مهمی است و مسئولیت بسیار زیادی دارد» (تعلیم و تربیت از دیدگاه امام خمینی (ره) ص ۳۰۸)



همان‌گونه که در بخش عوامل و موانع تربیت گذشت، عواملی که نقش مؤثری در تربیت ایفا می‌کنند، به دو بخش کلی تقسیم می‌شوند:

عامل بیرونی یا همان محیط، معنای گسترده‌ای دارد که شامل همه پدیده‌های اثرگذار می‌شود، که یکی از مهم‌ترین این پدیده‌ها، معلم است. معلم در محیط مدرسه نقش ایفا می‌کند. اگرچه محیط تربیتی شامل محیط‌های مختلفی می‌شود، همچون محیط خانواده، محیط دوستان، محیط اجتماع و محیط مدرسه و... اما محیط مدرسه برجستگی خاصی دارد. و اگرچه در محیط مدرسه، عوامل متعددی کارگرنند،

اما نقش معلم در محیط مدرسه، منحصر به فرد و کاملاً شاخص است، به اندازه‌ای که می‌توان او را رکن اصلی مدرسه نامید. از این‌رو، در آموزه‌های اسلامی نیز توجه ویژه‌ای به جایگاه معلم شده است. هم‌چنین تأثیرات معلم بر فرد و جامعه گوشزد شده است. اکنون به بیان جایگاه و نقش تربیتی معلم می‌پردازیم.

الف: جایگاه معلم:

۱- معلمی شغل انبیاء است:

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: من معلم مبعوث شده‌ام. (کنز العمال، ج ۱۰ ص ۱۶۹)

۲- پاداش معلم:

امام باقر علیه‌السلام: جنندگان زمین و ماهیان دریاها و هر موجود ریز و درشتی در زمین و آسمان خدا، برای آموزگار خوبی‌ها، آموزش می‌طلبند. (منتخب میزان‌الحکمه ص ۸۷۸)

۳- رسالت معلم:

امام علی علیه‌السلام: خداوند، نادانان را برای آموختن متعهد نکرد، مگر این‌که پیش‌تر، دانایان را به آموزش دادن آن متعهد و موظف ساخت. (منتخب میزان‌الحکمه- ص ۸۷۶)

ب: نقش تربیتی معلم:

معلم در حقیقت سکان‌دار کشتی گرانبار تربیت، در اقیانوس پر تلاطم زندگیست. معلم، حتی اگر خودش هم نداند یا نخواهد، ماندگارترین تأثیر تربیتی را بر دانش‌آموزانش دارد، به گونه‌ای که برخی از بزرگان، دانش‌آموز را آینه تمام‌نمای دانش و بینش و اخلاق و ایمان معلم می‌دانند، یعنی معلم با تمام ابعاد وجودیش در دانش‌آموز تجلی پیدا می‌کند. اکنون اگر معلمی آگاه، دانا و پراگیزه، بخواهد از

تمام این ظرفیت و توان بهره مثبت و متعالی ببرد، می‌تواند به مقاصد دست پیدا کند که از تصور و توصیف بیرون است. اکنون به برخی از جنبه‌های اثرگذار و تربیتی وجود معلم اشاره می‌کنیم با این یادآوری که نقش معلم در دوره‌های آغازین تعلیم و تربیت، یعنی پیش دبستان و دبستان، به مراتب حساس‌تر، ظریف‌تر و عمیق‌تر از دوره‌های میانی و تکمیلی است چرا که آموزش و پرورش او چون نقش بر سنگ، استوار و پاینده خواهد بود.

۱- معلم، سرچشمه دانش

آنچه دانش‌آموز می‌آموزد، از سرچشمه دانش معلم است، پس معلم باید بکوشد که زلال‌ترین، پاک‌ترین و گواراترین جرعه‌ها را در احکام تشنه دانش‌آموزان بنوشاند. دانش معلم باید استوار و مقنن باشد. یعنی هرگونه ابهام و تردید از او دور باشد و گرنه، هم‌چون آب آلوده و مسموم، ذهن دانش‌آموز را پر از شک و شبهه می‌کند. معلم نباید آنچه را نمی‌داند بگوید و نباید هرچه را می‌داند بگوید. بلکه باید در میان داشته‌ها و نداشته‌هایش، متناسب‌ترین را برگزیند و به روشن‌ترین صورت بیان کند.

مدرک و منشأ دانش معلم باید پاک و متعالی باشد. معلمی که دانش خود را به نور آیات قرآن کریم و احادیث معصومان علیهم‌السلام و استدلال‌های محکم عقلی روشن می‌کند، می‌تواند دست دانش‌آموز را بگیرد و او را گام‌به‌گام به مقصد توفیق و نجات، برساند.

پرسش‌های انبوه کودک که با رشد او، آهنگ آرام‌تری پیدا می‌کند، نوعی مطالبه حقیقی و طبیعی اوست برای دانستن، معلم موفق، پرسش‌ها را سرکوب نمی‌کند، بلکه تشویق می‌کند، پرسش‌ها را با پاسخ‌های سرسری یا اشتباه، از سر نمی‌گذارند، بلکه هماهنگ با سطح دانش و فهم دانش‌آموز پاسخ می‌دهد و صد البته لازمه این موفقیت آن است که شجاعت گفتن «نمی‌دانم» را داشته باشد، اگر معلمی پاسخی را نداند و با مطالعه و پژوهش آن‌را دریابد، هیچ عیب و نقصی در کارش نیست،

اما معلمی که پیوسته و بدون دقت و مدرک پاسخ می‌دهد... ای کاش هیچ پرسشی را پاسخ ندهد.

۲- معلم، الگوی رفتاری

روی دیگر آموزگاری، آموزش رفتاری است. آموزشی که در ظاهر به چشم نمی‌آید، اما در واقع عمیق‌تر و مهم‌تر از آموزش درسی است. اگر در آموزه‌های دینی ما چنین آمده است:

«مردم را با غیر زبان‌تان [و با رفتارتان] دعوت کنید، تا از شما تلاش و راستی و تقوا را ببینند.» [۱]

این به جهت ژرفای تأثیر الگو در تربیت است. رفتار معلم در نگاه دانش‌آموز، زیبا، قابل اطمینان و شایسته تقلید است. از این رو مسئولیت معلم بی‌نظیر و بسیار حساس است.

دانش‌آموز، شخصیت فردی و اجتماعی خود را با معلم هماهنگ می‌کند و از نگاه او، نمونه کامل انسانیت و مسلمانی در وجود معلم نمایش داده می‌شود. پس معلم موفق و متعهد، می‌کوشد ریز و درشت رفتارش هدفمند، منطقی و متعادل باشد. از پوشش و آرایشش گرفته تا مرام و کلامش، از خنده‌ها و خشم‌ها گرفته تا قضاوت‌هایش، از خداجویی و خدامحوری گرفته، تا عبادت و دعا و... همه و همه برای دانش‌آموز حکم الگو و نمونه تام و تمام دارد. و در یک کلام، معلم باید واقعاً انسان باشد و صفات انسانی در او آشکار باشد.

و مانند بزرگ معلم بشریت، حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم باشد که با خوردن خرما، طفل بی‌خبر از خوردن خرما منع نفرمود، تا شرایط معلمی را در حد کمال به جا آورده باشد. صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم

۳- معلم، نگهبانی تیزبین:

نقش دیگر معلم در امر تربیت، نظارت و آگاهی او و اشراف بر رفتار و حالات دانش‌آموز است.

معلم موفق، معلمی است که از کلاس و دانش آموز غافل نیست. کنش و واکنش دانش آموز در نظر امر مهم و معنادار است. او پی گیر تربیت دانش آموز است و هرگونه نشانه مثبت یا منفی رفتاری برایش مهم و قابل پی گیری است. از آنجا که گل وجود بشر بسیار حساس تر از گل های باغچه است پس نیاز بیشتری به نگرهبانی و نگهداری دارد. و این وظیفه بر عهده معلم است.

۴- معلم، مشوق و تنبیه گر:

تشویق و تنبیه در تعلیم و تربیت، مقوله ای قابل بحث و بررسی است. اگرچه همه ما ذهنیتی از این دو واژه داریم، اما باید اشاره شود که تشویق و تنبیه در حقیقت، سنت الهی است و خداوند سبحان در تربیت بشر از مقوله تشویق و تنبیه، کمال استفاده را نموده است، بالتبع پیامبران الهی نیز این راه را پیش گرفته اند. و معلم نیز خواسته و ناخواسته، با رفتار و گفتار و ارزشیابی ها و قضاوت هایش، مشوق یا بیدارگر دانش آموز است. پس باید مراقب نوع رفتار و قضاوت باشد و هیچ تشویق و تنبیهی را کوچک نشمارد. چه بسا دانش آموزانی که با یک تشویق به جا به اوج رسیده اند و یا با یک تنبیه بی جا، از رشد و ترقی بازمانده اند.

نقش آموزگار در دل هاست دگری جای او نمی گیرد
آن که دل ها به عشق او زنده است در دل عاشقان نمی میرد

- | | |
|------------------------|-------------------|
| ۱- نقش آموزشی | } نقش تربیتی معلم |
| ۲- نقش الگو دهی | |
| ۳- نقش مراقبت | |
| ۴- نقش تنبیهی و تشویقی | |

جایگاه معلم در نظام‌های آموزشی

آن کیست که هم‌چون پیامبران عظام صلوات‌الله‌علیهم اجمعین رسالتش تکمیل مکارم اخلاق، تعلیم و تربیت و هدایت انسان‌ها به سوی فلاح و کمال است و در بین همه‌ی قشرها از بالاترین جایگاه و والاترین منزلت معنوی و اجتماعی برخوردار می‌باشد و در یک کلام، آرزوی همه، همانند او شدن است؟

آری، او برگزیده‌ای از فرزندان جامعه است که با درک عمیق از مسؤولیت‌ها و رسالت‌ها، خود را به زیور علم و اخلاق آراسته، با بهره‌مندی از بالاترین دانش تخصصی و اشراف بر اصول و مبانی روان‌شناختی و تعلیم و تربیت و مسلح شدن به مؤثرترین روش‌های انتقال پیام، با آرامش و احساس با شکوه خود ارزشمندی و با یک دنیا تعهد پیامبرانه، جامه‌ی مقدس «معلمی» بر تن کرده است.

آری معلم، همان دریای عظیم است که در قطره‌ای پنهان شده و جهان پهناوری است که در جثه و هیكل انسانی نمودار گشته است. در عظمت جایگاه معلم، همین بس که در ایفاء وظیفه، همکار انبیاء و پیغمبران و برگزیدگان خدای تعالی است. در کلمه معلم، خیرخواهی و هدایت خالی از عنف و زورگویی آمده است. حضرت رسول اکرم (ص) به اصحاب خود می‌فرمودند:

«کونوا معلمین» و «علموا و لا تعنفوا فان المعلم خیر من المعنف» و «علموا و سیروا و لا تعسروا»

بعد از کلام خداوند در قرآن کریم و پیغمبر اکرم (ص) کلامی والاتر، جامع‌تر، و اثربخش‌تر از گفتار علی (ع) که می‌فرماید: «من علمنی حرفاً فقد صیرنی عبداً» درباره‌ی ارزش معلمی و جایگاه او و تکریم شخصیت وی وجود ندارد.

اگر تاریخ آموزش و پرورش را علم «شدن» آدمی بدانیم، معلمان در این شدن و تکامل آدمی سهم و نقش زیادی را بر عهده داشته‌اند.

اگر تربیت را فراهم کردن زمینه‌های بالندگی، برکشیدن، متعادل کردن آدمی بدانیم و هدف از آنرا فعلیت بخشیدن به استعدادهای بالقوه انسان‌ها در جهت

کمال و قرب الهی در نظر داشته باشیم، معلمان و مربیان در تحقق این امر نقش ارزنده و بسزایی داشته‌اند.

اگر در جستجوی شناخت عوامل مؤثر در تکوین شخصیت آدمی، اعتدال وجود و شناخت جسم و روان او باشیم، این معلمان هستند که یکی از عوامل تأثیرگذار و فراهم‌کننده‌ی رشد اخلاقی، جسمانی، اجتماعی، عاطفی و عقلانی آدمی بوده‌اند.

اگر از جمله ویژگی‌های در هستی، خودآگاهی، کمال‌گرایی، آفرینندگی، صنعت‌گری و بالاخره انتخاب‌گری بدانیم، این معلمان بوده و هستند که در تحقق مشخصه‌های اساسی آدمی نقش مؤثری داشته‌اند.

اگر آدمی را در جهان هستی، گرفتار زندان‌های طبیعت، جامعه و خویشتن خویش بدانیم، این معلمان بوده‌اند که با ایثارگری و راهنمایی خود، آدمی را به کمک علم، از این زندان‌ها رهایی می‌بخشند و به زندگی انسان‌ها معنی می‌دهند.

به راستی، در جهان گذشته و امروز معلمان، با بهره‌گیری از هنر، علم، تجربه، ایمان به کار و عشق به متعلم، انگشتان و مغزهای کودکان و نوجوانان را در فرایند یاددهی - یادگیری قیمتی ساخته‌اند و انسان‌های خام را به انسان‌های تربیت‌شده، عالم محقق، متخصص، مؤمن و هنرمند تبدیل کرده‌اند.

جایگاه معلم در نظام آموزشی الهی

از نظر پروردگار عالم، کار معلم کار خداست و نقش او در جامعه نقش پیامبر اکرم (ص) است، نقش همه‌ی انبیاء و اوصیاء است. اولین سوره‌ای که بر پیغمبر اکرم (ص) نازل شده است، سوره‌ی علق است، آیاتی که در همان وهله‌ی اول بر پیامبر نازل شد و در این آیات پروردگار عالم خود را یک معلم قلمداد می‌کند، می‌فرماید، پروردگارت اکرم است، برای این‌که معلم است؛ و در سوره‌ی جمعه می‌فرماید که هدف از بعثت رسول اکرم (ص)، هدف از آمدن قرآن، همانا «آموزش

و پرورش» است. پیغمبر با معجزه و قرآن برای آموزش و پرورش آمده است. یعنی بعثت. هدف قرآن یکی تهذیب نفس (تربیت) و دیگری بالا بردن سطح معلومات (تعلیم) انسان است.

از این‌ها گذشته، قرآن درجه‌ای به معلم داده است که اگر شبانه‌روز به آن افتخار کند، باز هم کم است؛ آن‌جا که می‌فرماید:

«من اجل ذلک کتبنا علی بنی اسرائیل انه من قتل نفساً بغير نفس او فساد فی الارض فکانما قتل الناس جميعاً و من احياها فکانما احيا الناس جميعاً و...» (مائده: ۳۲)

بنا به تفسیری که امام صادق (ع) از این آیه‌ی شریفه کرده‌اند، اگر کسی بتواند یک نفر را بسازد و یک باسواد متعهد تحویل جامعه بدهد، مثل این است که جهان را زنده کرده است. ایشان می‌فرمایند، قوام دنیا به چهار چیز است: اول به عالمی است که ناطق و عمل‌کننده به علمش باشد، دوم به جاهلی که تکبر نکند از تحصیل علم و دنبال تحصیل علم برود، سوم به ثروتمندی است که بخل نکند از بذل واجبات مالش در راه خدا به فقرا و صرف در اهداف عام‌المنفعه، چهارم به فقیری است که نفروشد دین خود را به دنیا، پس اگر عمل نکند عالم ناطق (معلم) به علمش و تکبر کند جاهل از طلب علم و بخل بورزد غنی و مال‌دار از بذل زیادی اموال خود در راه خدا و بفروشد فقیر دینش را به دنیا، بازگشت می‌کند دنیا به سوی قهقرا و توحش. در این گفتار گران‌بها معلم در صدر قرار گرفته و جایگاه او در پایداری دنیا بیان شده است. (مظاهری، ۱۳۷۱)

جایگاه معلم از دیدگاه بعضی از علمای تعلیم و تربیت جهان

در بیان جایگاه و پایگاه معلم افلاطون گوید:

«ای گروه معلمین، وصایا و سفارش‌های مرا درک کنید. برای شاگردان هم‌چون آئینه‌ای روشن باشید و آن‌ها را از هرگونه زشتی‌ها و تمایلات نکوهیده و اشتباهات بازدارید.»

فروبل می‌گوید:

«رشد و تکامل کودک در هر مرحله بستگی دارد به رشد و تکامل مرحله‌ی پیش و وظیفه معلم آن است که در هر مرحله لوازم و وسایل رشد و تکامل او را فراهم سازد».

کمینوس عقیده دارد:

«معلم فردی است که افراد را برای زندگی آماده می‌کند و هدف او این است که فرد دارای دانش، اخلاق و دین باشد».

راجرز از صاحب نظران مشاوره می‌گوید:

«برای این‌که معلم بتواند در کمک و راهنمایی به شاگردان خود مؤثر و موفق باشد، باید افراد را به عنوان یک انسان قبول داشته باشد و برای آنان ارزش قائل شود و آن‌ها را درک کند و در موقع مشکلات با آن‌ها همدلی کند».

جایگاه معلم از دیدگاه بعضی از علمای تعلیم و تربیت مسلمان

ابن سینا معتقد است: «زمانی که کودک شش ساله شد، پدرش باید او را مکتب فرستد و تا چهارده سالگی به تحصیل گمارد. آموزگار او باید با دین و درستکار و خردمند و منصف و پاکیزه و موقر باشد. راه معاشرت را بداند، به روش تعلیم و تربیت اطفال و تهذیب اخلاق آن‌ها آشنا باشد. معلم باید به هنگام آموختن، روحیه‌ی معتدل داشته باشد و...»

امام محمد غزالی تأکید می‌کند که: «شاگرد باید استاد را عزیزتر از پدر بداند؛ زیرا پدر سبب زندگانی فانی است و استاد سبب زندگانی باقی».

خواجه نصیرالدین طوسی معتقد است: «معلم باید عاقل و دین‌دار و شیرین سخن و نظیف و واقف بر تربیت اطفال و با وقار و با هیبت و با مروت باشد».

سعدی در گلستان تأکید می‌کند که: «معلم گاه سخت‌گیری باید بکند و گاه ارفاق، و هیچ‌گاه اعتدال را از دست ندهد.

جامی نیز می‌گوید:

کسی گفت چونی چنین رنج بر به تعظیم استاد بیش از پدر؟
 بگفتا زد آن نقش آب و گلم وزین تربیت یافت جان و دلم
 از آن شد تن من پذیرای جان وزین آمدم زنده‌ی جاودان

جایگاه معلم در فرایند یاددهی - یادگیری

کارل مانهایم معتقد است که هرچه میزان مشارکت شاگرد در فرایند یادگیری زیادتر شود «محرک‌هایی که یادگیری بر اساس آن صورت می‌گیرد، از محدودیت و پاداش خارجی نظیر نمره و جایزه و رتبه‌بندی دورتر می‌شود و جای خود را به رغبت‌های انگیزشی و محرکه می‌دهد». منطق تمام این مطالب به زبان ساده آن است که راه‌های تربیت و آماده‌سازی افراد برای حرفه‌ی معلمی و جایگاه معلم نیز باید دگرگون شود. روش‌های تعلیم به معلمان آینده را نمی‌توان در سطح «ترفندهای تجاری» نگاه داشت، بلکه باید بر محور نوعی تعلیمات اجتماعی که مستلزم بهبود «نگرشی کلی نسبت به شاگرد» باشد، استوار شد. در این نگرش کلی، پیشرفت عقلانی شاگرد از گسترش افق دید و رغبت‌های او به‌طور کلی و نیز از افزایش آگاهی او و تفاهمش با دیگران کم‌اهمیت‌تر است. لازم است که تعلیم و تربیت در جامعه‌ای که به سرعت در حال دگرگونی است، از دگرگونی‌ها آگاهی دقیق داشته باشد، اما نباید صرفاً پا به پای آن‌ها حرکت کند. دگرگونی باید ارزشیابی شود و تعلیم و تربیت باید نوآوری صحیح را ترغیب کند و به آن جهت بدهد. به عقیده‌ی وی معلمان باید چنان تربیت شوند که بتوانند مفهوم دگرگونی را بفهمند، به نظر او در شرایط کنونی هیچ‌گونه تدریسی سالم نیست، مگر آن‌که به افراد درباره‌ی شرایط کلی زیستی‌شان آگاهی بدهد و آنان بتوانند پس از بررسی‌های

دقیق انتخاب کنند و تصمیم بگیرند. ما باید معلمان را برای حفظ اصالت، خلاقیت، قبول مسئولیت و عمل خود به خودی تربیت کنیم. تعلیم و تربیت باید برای تحرک، برای انعطاف پذیری اندیشه و عمل، و برای تربیت افرادی برخوردار از فرهنگ متعالی عرضه شود تا افراد را به صورتی حساب شده برای «انطباق با شرایط متغیر اقتصادی و اجتماعی» آماده کند و نیز تعلیم و تربیت باید در تمام عمر ادامه داشته باشد.

نقش و جایگاه معلم در دوران معاصر

سخن گفتن از «نقش مشخص معلم» ناممکن است؛ زیرا در این صورت باید پذیرفت که چیزی به روشنی تعریف شده که کلیه‌ی معلمان مدارس را در هر شرایطی می‌توان با آن سنجید. ماسگروو و تایلور در تحلیل «شکل دادن نقش معلمان در دوران معاصر» برخی از دگرگونی‌های حاصل در مفهوم نقش معلم را با توجه به مفاهیم متغیر روش تدریس بررسی کرده‌اند. در نتیجه‌ی برخی از دگرگونی‌های اخیر، معلم ممکن است به یک «مدیر صحنه» یا «کارمند ارشد» یا احتمالاً نوعی مددکار اجتماعی تبدیل شود. لکن «نخستین نیاز معلم جدید آن است که تدریس نمی‌کند!» زیرا ناچار است خواست‌های سرپرستانش را در نخستین مراحل آموزشی خود دنبال کند.

احتمالاً روزگاری معلم با خوشحالی می‌توانست بگوید که تنها وظیفه‌ی او انتقال مجموعه‌ی خاصی از دانش به گروه خاصی از شاگردان و آگاهانیدن آنان از مهارت‌های خاص و احتمالاً از گرایش‌ها و آرای ویژه است. اما به یمن دگرگونی شرایط اجتماعی و بررسی دقیق‌تر فرایند تعلیم و تربیت از طریق رشته‌های مختلف آن، امروز می‌توان جایگاه معلم را به دقت و باریک‌بینی تمام مشخص کرد. البته ممکن است معلمانی باشند که هنوز هم نقش خود را به همین صورت تعبیر کنند! اما به سختی می‌توان پذیرفت که اینان نقش خود را با توجه به مجموعه‌ی نقش‌ها، کیفیت متغیر آن و انتظاراتی که از هر نقش داریم، جدی گرفته باشند.

«ماسگروو» اشاره کرده است که معلمان با بقیه‌ی جامعه ارتباط خاص خود را دارند. اینان هم‌چون کشیشان یا روانپزشکان نقش واسطه‌ی دو دنیا را دارند و در نتیجه به هیچ‌یک از این دو دنیا تعلق ندارند. معلم با در نظر گرفتن نقش خود متوجه می‌شود که بسیاری از مسائل شخصی و تضادهای او از موقعیت ویژه‌اش ناشی می‌شود. او ممکن است نوع جامعه‌ای را که از او نقش خاصی انتظار دارد یا می‌خواهد که این نقش را به شاگردان خود منتقل کند، دوست نداشته باشد یا حتی با آن به شدت مخالف باشد. این خواه ناخواه به تضاد ذهنی او می‌انجامد. لکن تضادهای دیگر از این واقعیت منبث می‌شود که معلم در مقام یک فرد در زندگی نقش‌های متعدد ایفا می‌کند (پدر، صاحب منصب و...) از این‌رو هر نوع تحلیل نقش معلم نمی‌تواند فردیت معلم را نادیده بگیرد. با این حال با توجه به نقش مذکور از فردیت او تنها به صورت کلی می‌توان سخن گفت. (سرمد، ۱۳۷۳)

در هر نوع بررسی نقش و جایگاه معلم، با آنچه افراد دیگر از شاگردان گرفته تا والدین و مراجع محلی تعلیم و تربیت از او انتظار دارند، سر و کار نزدیک داریم. این انتظارات، یا هنجارهای نقش ممکن است باری سنگین بر دوش معلم بگذارد که در مواردی برای قبول آن بی‌علاقه باشد یا آمادگی نداشته باشد. مسلماً والدین و شاگردان از او انتظار دارند که به مفهوم ساده‌ی کلمه تدریس کند. اما در واقع ممکن است خود معلم به تدریس به منزله‌ی کوچک‌ترین و کم‌اهمیت‌ترین و یا احتمالاً عمده‌ترین نقش خود نگاه کند.

در شرایط کنونی تعلیم و تربیت شق اخیر کمتر محتمل است، اما به هر صورت امکان آن وجود دارد. با این حال معلم ممکن است در مقایسه با دیگرانی که در همان مجموعه نقش هستند، به نقش خود با دید متفاوتی بنگرد. او ممکن است خود را مشاور یا راهنمای شاگردانش بداند و همواره برای شنیدن مسائل آنان و اظهار نظر مشورتی در هر جا و هر وقت که لازم بود، مشتاق و آماده باشد. او ممکن است خود را مددکار و دوست آنان، نوعی مددکار اجتماعی آن‌ها بداند.

معلم ممکن است در مقام عضو جامعه بپذیرد که نقش او در وهله‌ی اول آشنا کردن کودکان با جامعه است، یعنی ممکن است احساس کند که عمده‌ترین وظیفه او اجتماعی کردن آنان است. (سرمد، ۱۳۷۳)

پیشنهادها

- گسترش امر آموزش و پرورش قبل از هر چیز به مجریانی آگاه و آزموده نیاز دارد که با فرهنگ و تمدن ایران و نیز با مقتضیات عصر حاضر و نیازهای حال و آینده‌ی کشور آشنایی کافی داشته باشند. معلمان مهم‌ترین و بزرگ‌ترین بازیگران صحنه‌ی تعلیم و تربیت هستند. بازیگرانی که کار آنها تربیت انسان‌های با فضیلت است و این وظیفه‌ای است که با هیچ حساب مادی و سنجش مالی قابل مقایسه نیست و هر چه در این رابطه سرمایه‌گذاری شود، نتایج بهتری به بار خواهد داد.

- امروزه حدود مسئولیت‌های معلم و مدرسه افزایش یافته و حتی تربیت اجتماعی و تخصصی کودکان و نوجوانان که باید متناسب مقتضیات و شرایط زندگی جدید باشد، به آنها محول گردیده است و هم‌چنین لازم است معلم، محیط اجتماعی، روابط اجتماعی و فرهنگی جامعه‌ی خود را به خوبی بشناسد.

- بالا بردن منزلت اجتماعی و بیان ارزش واقعی معلم در جامعه به وسیله‌ی رسانه‌های گروهی باعث خواهد شد که او بتواند در امر آموزش و پرورش، انتقال ارزش‌ها و کمک به رشد فراگیر به‌طور مؤثرتری عمل کند. احترام به شخصیت معلم باعث می‌شود که او از نفوذ معنوی بیشتری در میان فراگیران برخوردار شود و در نتیجه انتقال ارزش‌ها بهتر و راحت‌تر صورت گیرد.

- معلمان باید برای ایفای نقشی که بر نوآوری و پیشگامی آنان در توسعه‌ی تحول صحیح تعلیم و تربیت دلالت دارد، تربیت شوند. کسی که برای معلم شدن آموزش می‌بیند باید چنان تربیت شود که نه فقط با دگرگونی‌ها هماهنگ شود،

بلکه برای تحلیل و انتقاد از روش و محتوی و آزمایش تجربی آن‌ها شهادت لازم را داشته باشد.

- علاوه بر این لازم است که افراد شایسته و علاقمند به حرفه‌ی معلمی بیشتر جذب شوند. برای رسیدن به این هدف و اعتلاء جایگاه معلم در جامعه، ضروری است که شرایط استخدامی معلم مورد تجدید نظر قرار گیرد و مقررات خاصی برای آن وضع شود تا جوانان علاقمند و مسئولیت‌پذیر جذب این حرفه شوند. افزایش حقوق و مزایای معلمان نیز از جمله عواملی است که باعث خواهد شد تا آن‌ها با فراغت خاطر بیشتری به امور آموزشی و تدریس بپردازند و برای تأمین معاش خود مجبور به انجام کارهای دیگر نشوند.

- و در نهایت این معلمان ما هستند که در راه به‌دست آوردن جایگاه واقعی خود بایستی پاسخ درست و روشنی برای سؤالات زیر داشته باشند:

- قوت‌ها و قابلیت‌های آنان کدامند؟
- ضعف‌هایشان کدامند؟
- می‌خواهند چه نوع معلمی باشند؟
- موفقیت‌هایشان چگونه، به وسیله چه کسی و کی اندازه‌گیری شود؟
- و برای رسیدن به این موفقیت‌ها و رفع ضعف‌ها چگونه طرح و برنامه‌ریزی می‌کنند؟

استفاده از رایانه در دوره‌ی متوسطه

در حال حاضر رویکردی به سوی استفاده از فناوری در آموزش (تدریس دبیران) به‌وجود آمده که آهسته و انبوه کار خود را به پیش می‌برد. نمود این رویکرد برگزاری جشنواره‌های تولید محتوای الکترونیکی در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و همچنین جشنواره‌های روش تدریس با استفاده از IT است که در دوره متوسطه و در دروسی مثل شیمی و جغرافی توسط وزارت آموزش و پرورش در حال

اجراست. از جمله اهداف مشترک اجرای این جشنواره‌ها عبارتند از: ترغیب، تشویق و ایجاد باور در بین معلمان در امر استفاده از نرم‌افزارها و تولید محتوای الکترونیکی، توسعه و گسترش فرهنگ تولید محتوای الکترونیکی و استفاده از IT در فرایند یاددهی و یادگیری. این موضوع می‌تواند علائمی باشد برای این که نقطه اوج تلفیق IT در آموزش و به‌کارگیری خردمندان آن توسط معلمان و دبیران است. پس معلمان در به‌کارگیری فناوری اطلاعات نقش محوری دارند. در مورد به‌کارگیری IT در آموزش و پرورش بحث‌های زیادی شده و عموماً از IT به‌عنوان یک ابزار تکنیکی برای بالا بردن سطح آموزش سخن رفته است. این امر نکته روشن و قابل توجهی را پیش روی ما قرار می‌دهد که نیاز مبرم به پیشرفت و حرفه‌ای شدن معلمان در زمینه IT دارد.

برای ایجاد یادگیری‌های مؤثر، جایی که فناوری در اختیار اهداف یادگیری در مدرسه است، تنها معلمان هستند که در مواقعی حساس مبتنی بر پایه‌های احتیاجات و شیوه‌های یادگیری دانش‌آموزان، تکنیک‌های IT را در برنامه‌ریزی تحصیلی به‌کار می‌برند.

این معلم است که برای آموزش و تدریس می‌بایست از نمودهای فناوری استفاده کند، بنابراین باید روش‌های تدریس با رویکردهای جدید را تجربه کرد، آن‌ها را مستند کرد و نشر داد.

شواهد نشان می‌دهد وقتی که معلمان دانش خود را در زمینه موضوع درس و شیوه یادگیری دانش‌آموز به کار می‌بندند، به‌کارگیری فناوری اطلاعات بیشترین اثر مستقیم را بر پیشرفت شاگردان دارد. هنگامی که دانش‌آموزان در فهم و درک خود در به‌کارگیری نرم‌افزاری خاص در کار فردی یا گروهی یا کلاسی به کنجکاوی (تردید) کشیده می‌شوند، شاهد این پیشرفت خواهیم بود. در مورد اثرات به‌کارگیری فناوری اطلاعات در کار دانش‌آموزان و ارائه کار آن‌ها، پژوهش‌های کمی صورت گرفته است.

دامنه کاربردهای آموزشی IT بسیار وسیع است. در یک طرف آن فعالیت‌های بسیار محدود است که عمدتاً بر پایه روش‌های سنتی قرار دارد و در طرف دیگر آن، تغییرات اساسی در رویکردهای تدریس قرار می‌گیرد. به عنوان مثال، بعضی از معلمان از وایت‌برد تعاملی (whiteboard interactive) در نمایش دادن محتوا و نظریات در مباحث کلاسی به روش سنتی استفاده می‌کنند، در حالی که معلمان دیگر اجازه می‌دهند دانش‌آموزان برای نشان دادن نمایشنامه‌هایی که خودشان طراحی و فیلمبرداری کرده‌اند، در کلاس از این وسیله استفاده کنند. مطالعات نشان می‌دهد مؤثرترین کاربرد (IT) آن است که معلم و برنامه‌های نرم‌افزاری، فهم و فکر دانش‌آموز را به چالش می‌کشاند و این کار از طریق شرکت تمامی دانش‌آموزان در بحث کلاسی با استفاده از وایت‌برد تعاملی و یا کار دانش‌آموزان با رایانه به صورت فردی و گروه‌های دوفره صورت می‌گیرد. اگر معلم مهارت سازماندهی دانش‌آموزان را بر مبنای فعالیت‌هایی مبتنی بر فناوری اطلاعات داشته باشد، آن‌گاه کارایی کلاسی و فردی دانش‌آموزان می‌تواند به موازات هم مؤثر باشد.

به کارگیری فناوری اطلاعات (IT) توسط دانش‌آموزان به صورت دوفره، گروهی یا کلاسی، (مثلاً استفاده از وایت‌برد تعاملی) معلمان را قادر می‌سازد تا از طریق گوش دادن به توضیحات دانش‌آموزان، بازخوردهای فراوانی را به دست آورند. از این نکته، معلمان می‌توانند دید عمیق‌تری را از پیشرفت دانش‌آموزان و شناخت آن‌ها به دست آورند. مشارکت دانش‌آموزان به صورت دوفره یا تیمی در استفاده از منابع فناوری اطلاعات، در موضوعات به خصوص باعث می‌شود آنان بتوانند فهم یکدیگر را از یادگیری به چالش بکشند و از طریق مشارکت، مطالب بیشتری را فراگیرند.

مدارک جامعی مبنی بر تأثیر یا کمک کردن فناوری اطلاعات (IT) روی پیشرفت دانش‌آموزان وجود دارد. این مدارک نشان می‌دهد که این ویژگی و مزایا، به روشی که معلم برای انتخاب کردن سازماندهی استفاده از منابع فناوری اطلاعات اتخاذ می‌کند، بستگی دارد و این فعالیت‌ها با کارهای کلاسی و فعالیت‌های خارج

کلاس تلفیق می‌شود. در حال حاضر، انواع منابع فناوری اطلاعاتی موجود و در دسترس نشان می‌دهد که به‌کارگیری فناوری اطلاعات همیشه روی اهداف ویژه‌ای از برنامه درسی متمرکز است.

مطالعات انجام شده ثابت کرده است ورود فناوری اطلاعات در آموزش نه یک جریان سخت‌افزاری بلکه روندی نرم‌افزاری است. به‌طور کلی ورود سخت‌افزار بدون تدارک تمهیدات لازم که مهم‌ترین آن‌ها بسترسازی فرهنگی است، قطعاً به ناکامی منجر خواهد شد. توسعه فناوری اطلاعات در زمینه‌های مختلف و به‌خصوص در قسمت آموزش از جمله مسائلی است که تمامی کارشناسان به آن روی آورده‌اند. اما در عین حال صاحب‌نظران اعتقاد دارند که در حیطه آموزش اگر معلمان با فناوری اطلاعات احساس مشارکت نکنند، مطمئناً توسعه فناوری اطلاعات در این زمینه دچار مشکل خواهد شد.

● نقش حیاتی فناوری الکترونیکی در آموزش و پرورش یادگیری الکترونیکی زاینده چرخه تحولات سریع و رو به گسترش فناوری‌های نو به مفهوم واقعی آن است. تاکنون تعاریف متفاوتی از یادگیری الکترونیکی ارائه شده است. یادگیری الکترونیکی به وسیله اینترنت صورت می‌گیرد، با جدیدترین اطلاعات همراه است و مجموعه‌ای از روش‌های آموزشی را در برمی‌گیرد (آموزش‌های مجازی، همکاری دیجیتال، شبیه‌سازی). فراگیر محور است و به ویژگی فردی او توجه دارد. نهایتاً قابلیت انجام دادن فرایندهای اداری و مدیریتی از قبیل: ثبت‌نام، پرداخت شهریه، نظارت بر روند اجرای فعالیت‌های یادگیرنده، تدریس و اجرای ارزشیابی از راه دور را فراهم می‌کند. به‌طور کلی، یادگیری الکترونیکی به آن نوع یادگیری گفته می‌شود که در محیط شبکه به وقوع می‌پیوندد و در آن مجموعه‌ای از فناوری چندرسانه‌ای، فرارسانه‌ای و ارتباطات از راه دور به خدمت گرفته می‌شود و نوعی یادگیری است که در محیط اینترنت صورت می‌گیرد و با بهره‌گیری از فناوری شبکه تسهیل می‌شود.

این نوع یادگیری که به استفاده از فناوری آموزشی اشاره دارد تأکید می‌کند که در فضای مسقف کلاس درس، معلمان از رسانه‌های سنگین آموزشی اعم از رایانه‌های عمومی، شخصی، سی‌دی‌ها، دیسک‌ها، سایت‌های اینترنت، ایمیل و حتی نانو فناوری در فرایند یاددهی استفاده کنند تا یادگیری را تسهیل کرده و موجبات ارتقای سطح علمی فراگیران را فراهم آورند. این روش یادگیری برای شاگردان از آن جهت کارآمد و اثربخش است که بازدهی تحصیلی و فعالیت آموزشی آنان و عملکرد و تدریس و رفتار کلاسی معلمان را بهبود می‌بخشد. برای این‌که بتوان به فراگیران کمک کرد تا به سطوح عالی حیطه شناختی علوم برسند، لازم است علاوه بر آشنایی با دیگر شیوه‌های نوین تدریس، زمینه استفاده از رسانه‌های سنگین آموزشی و شبکه‌های نرم‌افزاری درون‌کلاسی و بیرون‌کلاسی، اقدامات زیر صورت گیرد:

- ۱) برگزاری کلاس‌های آموزش ضمن خدمت برای معلمان، گردهمایی علمی-آموزشی، همایش‌های تخصصی، برگزاری جشنواره‌های الگوی تدریس برتر و جلسات ادواری تخصصی حوزه‌ای و رشته‌ای، تا آنان با روش‌های فناوری اطلاعات (فناوری اطلاعات) و آموزش و پرورش تطبیقی کشورهای پیشرفته آشنا شوند و ترس آن‌ها برای استفاده از رایانه در کلاس درس کاهش یابد و پاسخگوی ضرورت‌های قرن بیست و یکم در عرصه آموزش و پرورش شوند.
- ۲) تشکیل کلاس‌های زبان انگلیسی و رایانه برای معلمان تا بتوانند با رایانه کار کنند و از متون علمی-تربیتی مؤلفان خارجی بهره‌مند شوند و از آخرین دستاوردهای آموزشی و پرورشی و پژوهشی مطلع شوند.
- ۳) تشکیل کلاس‌های زبان انگلیسی و رایانه برای دانش‌آموزان از دوره ابتدایی با استفاده از بازی‌های رایانه‌ای.

- ۴) تقویت فناوری نوین آموزشی در مدارس و اعطای کارت‌های رایگان اینترنت و ای‌میل به معلمان و شاگردان تا هم نوشته‌های خود را روی وب‌سایت بنویسند و هم مدارس سنتی به مدارس هوشمند تبدیل شوند.
- ۵) جایگزین کردن سی‌دی‌های آموزشی به جای کتاب‌های درسی و دیکشنری در نظام آموزشی.
- ۶) برگزاری مسابقات بین معلمان و همچنین بین دانش‌آموزان در زمینه زبان انگلیسی و رایانه.
- ۷) اجباری کردن درس مبانی کامپیوتر و انفورماتیک در دوره‌های تحصیلی راهنمایی و متوسطه به فراخور ظرفیت روانی و فکری دانش‌آموزان.

👉 کودکان را چگونه با کامپیوتر آشنا کنیم؟👈

یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که امروزه دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت کشور را به خود مشغول کرده است، نحوه‌ی مواجهه شدن آموزش و پرورش با فرصت‌ها و تهدیدهای حاصل از گسترش و توسعه‌ی فناوری اطلاعات و ارتباطات و برنامه‌ریزی دقیق و اصولی برای بهره‌برداری و استفاده از آن است به‌ویژه، با توجه به تاثیر این فناوری‌های نوین در شیوه‌های یاددهی - یادگیری و تغییر نقش معلمان، ضروری است که زمینه‌هایی فراهم شود تا هم وزارت آموزش و پرورش موجود در جامعه‌ی معلمان را شناسایی کند و هم معلمان گرامی به شناسایی و ارتقای مهارت‌های خود در کاربرد فناوری‌های نوین نظیر IDT و IT در آموزش بپردازد. از این‌رو، معاونت آموزش و پرورش نظری و مهارتی با همکاری سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی کشور، بر اساس مندرجات این راهنما و شیوه‌نامه‌ی مربوط در سال تحصیلی جاری، اقدام به برگزاری جشنواره‌ای با عنوان «جشنواره‌ی روش‌های تدریس فعال مبتنی بر IT» میان دبیران شیمی و جغرافیای دوره‌ی متوسطه در ۸ استان کشور اقدام نموده است. انتظار می‌رود که همکاران و دست‌اندرکاران گرامی، با

مطالعه دقیق شیوه نامه و محتوای این کتابچه‌ی راهنما، زمینه‌های مناسب اجرای این جشنواره را هرچه مطلوب‌تر فراهم نمایند. با توجه به فعالیت‌های انجام‌شده در حوزه‌ی فناوری اطلاعات و تجربیات به‌دست‌آمده، معلمان می‌توانند با هر میزان آمادگی در حوزه‌ی ICT، در این جشنواره شرکت کنند در صورت انتخاب، در دوره‌های آموزشی حضور یابند و نسبت به ارتقای تجربیات خود در انجام زمینه، مبادرت ورزند.

تغییر نقش معلم در کلاس درس

ICT چه تأثیری بر معلم و روش تدریس او دارد؟ نقش معلم چگونه تغییر می‌کند؟

ICT یکی از عوامل تغییر در کلاس‌های درس است که ویژگی مهمی دارد و آن، این‌که هم عاملی برای ایجاد تغییرات و هم ابزاری تغییردهنده است. ظهور و پیدایش جامعه‌ی اطلاعاتی، بسیاری از فریضه‌های ما را در زمینه‌ی آموزش با پرسش‌های اساسی روبه‌رو ساخته است. فناوری‌های جدید ارتباطات و اطلاعات، دنیایی را که در آن زندگی می‌کنیم و روش‌های یادگیری چگونه زیستن را تغییر داده‌اند. ICT، منبعی برای تولید دانش، بستری برای انتقال محتوا و ابزاری برای عمل و مباحثات یاددهی - یادگیری می‌باشد. ورود ICT به کلاس‌های درس، چه تأثیری بر معلمان دارد؟ آیا بر میزان کار و فعالیت آن‌ها می‌افزاید یا آن‌را کاهش می‌دهد؟ آیا ICT ابزاری برای کمک به تدریس برنامه‌ی درسی است یا محتوای برنامه‌ی درسی را افزایش می‌دهد؟ آیا محتوای آموزشی و چگونگی و کیفیت آموزش را تغییر می‌دهد؟

در این بخش به بررسی این دو پرسش می‌پردازیم:

- فناوری چه تأثیری بر مدار می‌گذارد؟

- چگونه ICT یادگیری را غنی‌تر می‌سازد؟

ارتباطات

کاربردهای جدید فناوری ارتباطات و اطلاعات چون پست الکترونیکی، اینترنت و شبکه‌ی جهانی و ویدئو کنفرانس، امکانات ارتباطی گوناگونی را برای مدارس فراهم آورده است. در کلاسی که دانش‌آموزان به اینترنت دسترسی دارند، ارتباط با خارج از محیط و فرهنگ مدرسه می‌تواند امکان درک فراتر از محیط اطراف و فرهنگ را فراهم نماید. دانش‌آموزان در یک شهر، استان و کشور می‌توانند تجربیات خود را از طریق پست الکترونیکی یا ویدئو کنفرانس با دانش‌آموزان شهرها، استان‌ها و کشورهای دیگر به اشتراک گذارند. آن‌ها هنگام کار با ICT اغلب در گروه‌ها با یکدیگر مشارکت می‌کنند. تجربه‌ی کار گروهی ICT بر رشد و توسعه‌ی مهارت‌های فردی- اجتماعی تأثیرات مفیدی دارد. در حل مسائل به شکل گروهی، در عین این‌که همه به‌طور فعال درگیر انجام دادن تکلیف و فعالیت‌اند، هر دانش‌آموز نقش خاصی دارد. ICT ابزاری مناسب برای برقراری ارتباط و کنترل آن در اختیار دانش‌آموز قرار می‌دهد. دانش‌آموزان در مواجهه با چالش‌های موجود، اعتماد به نفس خود را افزایش می‌دهند و احساس قدرت می‌کنند. این امر روابط بین معلمان و دانش‌آموزان را تغییر می‌دهد. ارتباط‌های on-line به دانش‌آموزان قدرت کنترل می‌دهد. در این حالت، معلم یک رهبر، هدایت‌گر، یاری‌دهنده، همکار و ارزیاب است که نقش سنتی کارشناس موضوعی وی را با مدیر برنامه تلفیق می‌کند. ICT از طریق درگیر کردن دانش‌آموزان در کار جمعی مشترک، یک کلاس درس را به محیطی جامع با دایره شمول وسیع‌تر تبدیل می‌کند. ظرفیت و قابلیت ICT به گونه‌ای است که برای هر دانش‌آموز، با هر میزان توانایی مورد استفاده قرار می‌گیرد. ICT مجموعه‌ای از ابزار را برای دانش‌آموز فراهم می‌سازد تا پس از تسلط بر نکات فنی، تکالیف و فعالیت‌های آموزشی را به شکلی جالب‌تر و لذت‌بخش‌تر ارائه نمایند. لازم به یادآوری است که برخی اوقات این امر با سرخوردگی و یأس همراه است. یکی از چالش‌هایی که ICT برای

معلمان تدارک می‌بینند تعریف نقش آنان به عنوان تسهیل‌کننده یادگیری، سازمان‌دهنده‌ی کارهای گروهی، مدیر فعالیت‌های کلاس درس و... است. به این ترتیب، معلمان بیشتر وقت خود را صرف پشتیبانی تک‌تک افراد یا گروه‌ها خواهند کرد و کم‌تر به تدریس در کلاس خواهند پرداخت. نیکلاس نگروپونته می‌گوید: «ما می‌توانیم جامعه‌ای با تعداد کمتری دانش‌آموز که توانایی یادگیری در آن‌ها کم است و محیطی که قابلیت آموزشی بیشتری دارد، داشته باشیم. رایانه‌ها این تغییرات را ایجاد می‌کنند.» استفاده از ICT محیطی بت قابلیت آموزشی ویژه در کلاس درس ایجاد می‌کند که به‌طور مسلم در ظهور ظرفیت‌های پنهان دانش‌آموزان اثرگذار خواهند بود.

آغنی سازی یادگیری

برنامه‌های درسی باید دوباره مورد بررسی قرار گیرند. یادگیری‌های لازم برای مواجهه با آینده، فراتر از یادگیری دانش‌محور در مدارس سنتی است. در پی یک دستور کار، کمیسیون بین‌المللی آموزش در قرن بیست و یکم یونسکو، چارچوب تحولات آموزشی برای محیط آینده را پیشنهاد داد. این چارچوب، بستر مناسبی برای بحث درباره‌ی برقراری ارتباط بین ICT و یادگیری است. ایده‌ی اصلی این گزارش، ایده‌ای قوی و مبتنی بر چارچوبی برای یادگیری، شامل چهار محور و رکن اساسی است:

– یادگیری برای یاد گرفتن

– یادگیری برای عمل کردن

– یادگیری برای زندگی در کنار هم و با هم

– یادگیری برای بودن

چهار محور یادشده شکلی جدید و متفاوت از تعادل را بین دانستن و دیگر انواع یادگیری برقرار می‌کند. اولین عامل (محور) یعنی یادگیری برای دانستن،

پایه‌ی بسیاری از آموزش‌های سنتی است ولی در چارچوب جدید، «یادگیری برای یادگرفتن» را ایجاد می‌کند. دومین عامل که وسعت زیادی دارد، تبحر در مقابله با وضعیت‌های مختلف و کار کردن در گروه است. یادگیری برای زندگی در کنار هم و با هم تنها به جهانی شدن توجه ندارد و به همان اندازه بر زندگی در خانواده و دیگر اجتماعات کوچک نیز تأکید می‌کند. به عبارت دیگر، این محور به معنای توسعه‌ی درک از دیگران و ارج نهادن به استقلال آنان در سایه‌ی احترام نهادن به ارزش‌های چندگانه، درک مشترک و صلح است. «یادگیری برای بودن» نیز به توسعه‌ی ظرفیت‌های فردی اشاره دارد. ایده‌ی چهار محور، چشم‌اندازی از یک فضای خالی در یک چارچوب را ارائه می‌کند که در آن، یادگیری می‌تواند به صورت‌ها و در ابعاد مختلف شکل بگیرد. در آموزش‌های سنتی، یادگیری خطی است ولی احتمالاً در آموزش‌های آینده، پیچیده‌تر خواهد شد و ابعاد مختلف زندگی خارج از مدرسه را نیز در خواهد گرفت.

نقش ICT چیست؟

تجربه نشان می‌دهد که ICT در برانگیختن تعامل و تضعیف انفعال نقش مهمی دارد شاید ICT بتواند یاددهی - یادگیری را از محدودیت‌های برنامه‌ی درسی خطی برهاند، بین یادگیری در مدرسه و خارج از مدرسه، خانه و مکان‌های دوردست پلی بزند و پایه و اساسی برای مفهوم یادگیری برای زیستن با هم و در کنار هم، فراهم سازد. هدف «یادگیری برای بودن» رشد و توسعه‌ی شخصیت و توانایی عمل کردن با استقلال بیشتر، نقادی و موشکافی، برخورداری از قدرت تمیز و عهده‌دار شدن مسئولیت‌های فردی است. در این ارتباط، آموزش نباید هیچ‌یک از ابعاد و ظرفیت‌های فردی شامل حافظه، استدلال، زیباشناسی، احساسات، توان فیزیکی و مهارت‌های برقراری ارتباط را نادیده بگیرد. مفهوم «یادگیری برای بودن» به طرح این مسئله اشاره دارد که یادگیری ضمنی که در کلاس‌های درس مرتبط با هم

شکل می‌گیرد، در آینده جایگاه قانونمند خود را در مدارس خواهند یافت. این مفهوم به شکل زیر خلاصه شده است: اغلب مدارس سنتی چیزی را که «گنج درون» نامیده می‌شود و آن، استعدادهای نهفته در وجود هر فرد است، نادیده می‌گیرند. ICT با وجود امکانات بسیاری که در اختیار دارد، یادگیری را غنی‌تر می‌سازد اما ارکان چهارگانه‌ی اساسی آن بر ارزش و جایگاه رشد متعادل تأکید دارند. معلمان برای دستیابی به این تعادل، باید رویکرد جدید یاددهی- یادگیری را پیش گیرند.

آموزش برای فردا

بحث‌های فوق در زمینه‌ی ICT ارتباطات و یادگیری، تغییرات چشمگیر و قابل ملاحظه‌ای را که در نقش معلم ایجاد شده است، برجسته می‌کند. پاره‌ای از این تغییرات عبارتند از:

- _ تغییر نوع ارتباط با دانش آموز
- _ تغییر نقش معلم به عنوان یک تسهیل کننده، مدیر و پشتیبان یادگیری
- _ تغییر محتوا و فرصت‌های آموزشی
- _ تغییر کانون و تمرکز کنترل از معلم به فراگیر.

این تغییرات، چشمگیر و قابل توجه هستند. ولی موانع بسیاری جدی‌تر سر راه آن‌ها وجود دارد. به راحتی می‌توان دریافت که مشکل اصلی کمبود یا نبود منابع و تجربیات فنی است. گرچه وضعیت به سرعت در حال تغییر است و کمبود رایانه‌ها و هزینه‌ی بالای اتصال به اینترنت، هنوز برای بسیاری مدارس مشکل‌ساز است اما چنین به نظر می‌رسد، که مشکلی اساسی، دگرگونی و تغییر اساسی در شیوه‌های تدریس باشد. بیش‌ترین چالش تلفیق فناوری در مدارس و کلاس‌های درس مربوط به نیروی انسانی است نه فناوری. به علاوه، این دیدگاه فقط در مورد کمک به دیگران در کار کردن با ماشین نیست بلکه اساساً هدف آن کمک به معلمان در

تلفیق و به‌کارگیری این ماشین‌ها به عنوان ابزاری در خدمت تدریس است. معلمان به چه کمک‌هایی نیاز دارند؟ در گزینش فناوری‌های جدید، معلمان با پاره‌ای موانع احساسی مواجه‌اند که آن‌ها را می‌توان در چند مورد زیر خلاصه کرد:

- موانع بزرگ روان‌شناختی در ارتباط با آزمایش کردن و به‌کارگیری ICT
- دشوار بودن تغییر باورهای تربیتی و آموزشی زیربنایی
- سختی تغییر ساختار «ریشه یافته در ذهن» در زمینه‌ی «هنر تدریس»
- ترس معلمان در از دست دادن اختیارات و کنترل کلاس درس؛ یکی از علل این ترس می‌تواند عدم اعتماد به نفس آن‌ها در به‌کارگیری ICT و پایین بودن توانایی‌هایشان در این زمینه در مقایسه با دانش‌آموزان باشد.
- عدم هماهنگی معلمان مدارس با تغییرات سریع سخت‌افزارها و نرم‌افزارها
- وجود پاره‌ای مسائل و مشکلات در سطوح مؤسسات آموزشی یا دولتی
- دست کم گرفتن تلاش معلمان برای یادگیری و کنترل فناوری جدید.

این عوامل، عوامل انسانی هستند. به نظر می‌رسد برخی معلمان ICT را خطری می‌دانند که تجربیات حرفه‌ای آنان را تهدید می‌کند. معلمان فردا باید رویکردی نو برای کار خود و دیدگاهی جدید درباره‌ی معنا و مفهوم آموزش و یادگیری پیدا کنند.

بنابر آنچه گفته شد ICT ابزاری بسیار ارزشمند است ولی استفاده‌ی مؤثر از آن مستلزم برخورداری از مجموعه‌ای از مهارت‌ها است. معرفی سطوح و مهارت‌های مختلف به معلمان و دیگر اқشار جامعه چالش بسیار بزرگی ایجاد می‌کند به‌خصوص در زمانی که کاربرد فناوری به سرعت یادگیری آن در حال رشد و توسعه است.

کاربرد مؤثر ICT از نگرش‌ها و رویکردهای یاددهی- یادگیری جدا نیست. معلم جدید باید رویکردی را در پیش گیرد که نسبتاً باز، ترغیب‌کننده و به دنبال

خلاقیت باشد، یادگیری را پشتیبانی و تسهیل کند و محیطی مناسب برای هدایت آن فراهم سازد.

بنابراین لازمه تلفیق مؤثر ICT در مدارس تحول و دگرگونی فرهنگ مدرسه است. شاید بتوان ICT را کاتالیزوری در نظر گرفت که شیوه‌های تفکر در مورد یاددهی - یادگیری را فعال می‌کند و موجب تغییر در کلاس‌های درس می‌شود. برای پاسخ‌گویی نیازهای مطرح‌شده تلفیق ICT با آموزش ضرورتی انکارناپذیر است.

در طراحی یک واحد درسی (یادگیری) مبتنی بر ICT به چه نکاتی باید توجه کرد؟

معلمان برای طراحی یک واحد درسی بر ICT باید همواره به نکات زیر توجه داشته باشند.

۱- استفاده از ICT برای دستیابی به اهداف آموزشی چه زمان می‌تواند مفید باشد، چه زمانی تأثیر کمی دارد و حتی مناسب نیست. در این تصمیم‌گیری باید چگونگی عملکرد ICT و راه‌ها و روش‌های دستیابی به اهداف یاددهی - یادگیری را در نظر گرفت. برخی از نکات مورد توجه در این مورد عبارت‌اند از:

- سرعت و عملکرد ICT چگونه معلمان را قادر می‌سازد تا برای یادگیری بهتر دانش‌آموزان ابعاد مختلف درس را نمایش دهند و بررسی و تحقیق کنند.
- تنوع و قابلیت‌های ICT چگونه می‌تواند به معلمان و دانش‌آموزان کمک کند تا به اطلاعات تاریخی یا اخیر دست یابند...
- با توجه به موقعیتی بودن اطلاعات ذخیره‌شده چگونه می‌توان با استفاده از ابزار ICT اطلاعات را به سادگی پردازش کرده و در آن‌ها تغییر ایجاد نمود.
- چگونه ثبت و ذخیره‌سازی و پردازش و ارائه‌ی اطلاعات به شکل تعاملی معلمان و دانش‌آموزان را قادر می‌سازد تا به بررسی مدل‌ها بپردازند، به‌طور مؤثر با دیگران ارتباط برقرار کنند و اطلاعات را به‌طور مکرر در اختیار مخاطبان مختلف قرار دهند...

- ۲- چگونه می‌توان از ICT برای دستیابی به اهداف یاددهی-یادگیری استفاده کرد؟
- از ICT نه تنها برای ایجاد انگیزه در مخاطبان و تشویق آنها بلکه برای دستیابی به اهداف یاددهی-یادگیری به‌طور مؤثرتر استفاده کرد...
 - استفاده نکردن از ICT در فعالیت‌های آسان و ساده‌ای که در صورت کاربرد روش‌های دیگر فرد را راحت‌تر به اهداف مورد نظر می‌رسانند.
 - از ICT در چه زمانی باید استفاده کرد و ابزارها، محتوا یا روش آماده‌سازی مورد کدام‌اند؟

«از القای این تفکر که کیفیت ارائه بیش از محتوا اهمیت دارد و آن را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد اکیداً خودداری کنید»

- معلم با استفاده از ICT کارهای دانش‌آموزان را برای تمرکز در جنبه‌های مورد نظر و استفاده بهینه‌ی از زمان و منابع سازماندهی کند.
- دانش‌آموزان می‌توانند از ICT برای پیدا کردن پاسخ صحیح سؤال‌ها، متناسب با موضوع درس استفاده کنند.
- دانش‌آموزان می‌توانند برای ذخیره کردن و ارزیابی و بهبود کار و تکالیف، از ابزار ICT استفاده کنند.
- معلم باید ارتباط بین کاربرد ICT و هدف تدریس و تأثیر آن بر کاربردهای روزمره را برای دانش‌آموزان روشن کند.
- ۳- معلمان باید ابعاد و بخش‌هایی از تدریس را که در آن از ICT استفاده می‌شود، در طرح درس‌های خود مشخص کنند؛ برخی از موارد استفاده از ICT عبارت‌اند از:
- روش‌ها و شیوه‌های استفاده از ICT برای رسیدن به اهداف یاددهی-یادگیری

- تعیین سؤال‌های کلیدی و فرصت‌ها و وضعیت مداخله‌ی معلم برای ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان و هدایت آن‌ها
- تعیین روش‌های ارزش‌یابی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان و ثبت آن‌ها
- تعیین معیارهای قضاوت در زمینه‌ی یافته‌های دانش‌آموزان تا استفاده از ICT موجب نادیده گرفتن این یافته‌ها و پیشرفت‌ها نشود.
- توجه به هرگونه تأثیر استفاده از ICT در سازماندهی و انتقال مفاهیم درس و چگونگی مدیریت آن‌ها
- بررسی تناسب ICT مورد استفاده، با توانایی‌های دانش‌آموزان با در نظر گرفتن این نکته که برخی از دانش‌آموزان ممکن است از قبل در استفاده از ابزار مورد نیاز تبحر لازم را داشته و برخی فاقد این تبحر باشند.
- ۴- معلمان به‌منظور دست‌یابی به اهداف آموزشی، باید از چگونگی سازماندهی منابع ICT موجود آگاه باشند. این سازماندهی شامل موارد زیر است:
 - استفاده از ابزار ICT برای تمامی افراد کلاس یا یک گروه برای معرفی و مرور مجدد یک موضوع یا برای کسب اطمینان از دست‌یابی دانش‌آموزان به مفاهیم اصلی درس.
 - تقسیم‌بندی دانش‌آموزان در گروه‌های فردی، دو نفره یا چند نفره، به‌منظور حصول اطمینان از استفاده آنان از ابزار ICT و درگیر شدن آن‌ها با آن، تلاش و تعامل و همکاری با یکدیگر و مداخله در صورت نیاز.
 - در دسترس بودن منابع ICT برای دانش‌آموزان به‌منظور استفاده در تحقیقات یا سایر موارد در حین درس، طراحی و اجرای فعالیت و کسب اطمینان از مفید بودن و تناسب با هدف آموزشی مورد نظر
 - حصول اطمینان از ارتباط بین فعالیت مورد نظر و آنچه با استفاده از ابزار ICT صورت می‌پذیرد.

توجه داشته باشید که ابزار ICT برای پشتیبانی اهداف تدریس است و نباید مفاهیم مورد تدریس را تحت الشعاع خود قرار دهد.

- ۵- معلمان باید تشخیص دهند که استفاده از ICT برای تدریس به دانش‌آموزان با نیازهای ویژه، به‌طور خاص چه کمکی می‌کند تا بتوان آن‌ها را با برنامه درسی همراه ساخت و بین برنامه درسی و نیازهای ویژه آنان هماهنگی ایجاد کرد.
- ۶- معلمان باید بهترین و مناسب‌ترین ابزار ICT را برای دستیابی به اهداف آموزش خود و کار کردن با آن‌ها را با بررسی نقادانه‌ی نرم‌افزارهای خاص یا عمومی انتخاب کنند.
- ۷- معلمان باید قابلیت‌های ICT در موضوع درسی را در دانش‌آموزان رشد دهند و تقویت کنند. این کار به روش‌های زیر انجام می‌پذیرد:
 - بحث و گفت‌وگو در زمینه مهارت‌های ICT (آموزش مهارت‌ها در صورت لزوم) و کاربردهای آن در آموزش.
 - استفاده‌ی دقیق و مناسب از واژه‌ها و توضیح دادن واژه‌های مرتبط با کاربرد ICT در موضوع درسی.
 - استفاده از ICT به شکلی که الگو و مدلی مناسب برای دانش‌آموزان باشد و حصول اطمینان از کاربرد صحیح ICT توسط آنان
 - معلمان باید به‌هنگام استفاده از ICT، یادگیری دانش‌آموزان و چگونگی استفاده‌ی آن‌ها از ICT را زیر نظر بگیرند و ارزشیابی کنند. آن‌ها در ارزشیابی پیشرفت دانش‌آموزان باید به نکات زیر توجه داشته باشند.
 - اهداف آموزشی و اجرایی ICT مورد نیاز و چگونگی به‌کارگیری آن برای رسیدن به هدف را به خوبی بشناسند.
 - فعالیت‌های مبتنی بر ICT دانش‌آموزان را مشاهده کرده و در صورت لزوم در آن مداخله کنند.

- با طرح چند سؤال دانش‌آموزان را به فکر کردن برای توجیه مناسب بودن ابزار ICT ملزم کنند.
- با توجه به استانداردهای دستیابی به موضوع درسی، منابع مورد استفاده‌ی ICT را بشناسند.
- با نتایج استفاده از رایانه و تأثیر آن بر انتظارات معلم از یافته‌های دانش‌آموزان، آشنا باشند.
- معیارهایی را که از طریق آن‌ها بتوان میزان تأثیر استفاده از ICT را در یادگیری دانش‌آموزان اندازه‌گیری کرد، تعیین نمایند.
- میزان یافته‌های تک‌تک دانش‌آموزان را طی فرآیند یک فعالیت گروهی از طریق مشاهده، ثبت داده‌ها، مداخله در فرآیند و گفت‌وگو با دانش‌آموزان تعیین کنند.
- از کیفیت یادگیری دانش‌آموزان از موضوع درسی ارائه‌شده توسط ICT اطمینان حاصل کنند.
- در صورت استفاده از ابزار ICT در تدریس، برای ارزش‌یابی تشخیصی، تکوینی و پایانی فعالیت‌های مبتنی بر ICT طراحی کنند و مقررات و شرایط استفاده از ICT برای ارتقای دانش‌آموزان، سطح ادراک آنان و نیز میزان دستیابی‌شان به مفاهیم را تعیین کنند.
- حوزه وسیعی از ابزارهای ارتباطی و اطلاعاتی و محتوای آن‌ها را مورد ارزیابی قرار دهند تا بتوانند انتخاب ابزار ICT را در طراحی درس، تدریس، ارزشیابی و مدیریت کلاس را توجیه نمایند.

هنگام ارزشیابی، تنها کیفیت ارائه و پیچیدگی ابزار مورد استفاده، نباید ارزش‌یابی شود.

فرآیند طراحی واحد یادگیری با استفاده از ICT

- تعیین اهداف اصلی درس

- تعیین سطوح مختلف توانایی‌های دانش‌آموزان
- پیدا کردن نقطه مشترک (سطح پیش‌دانسته‌ها) قابل درک برای همه‌ی دانش‌آموزان
- طراحی فعالیت‌های گوناگون متناسب با سطح توانایی دانش‌آموزان با سطح پایین‌تر از نقطه شروع
- طراحی فعالیت‌های متفاوت جهت پرورش و ارتقای سطح توانایی دانش‌آموزان با توانایی‌های بالاتر
- آگاهی از میزان تأثیر استفاده از ICT در ارتقای کیفیت یاددهی-یادگیری و ایجاد فرصت‌های آموزشی مبتنی بر ICT
- تعیین سازمان‌دهی آموزشی و فعالیت‌های داخل یا خارج از کلاس
- تهیه مواد آموزشی لازم برای انواع فعالیت‌ها شامل فعالیت‌های از پیش طراحی شده یا طراحی شده توسط معلمان و برگه‌ها و کپی‌های لازم، فایل‌های از قبل تعریف شده (صفحه‌ی گسترده، فایل‌هایی شامل داده‌ها و...)
- تعیین چگونگی گروه‌بندی دانش‌آموزان؛ آیا دانش‌آموزان کلاس با هم کار می‌کنند، در گروه‌های مختلف کار می‌کنند، یا دو به دو و ...
- تعیین شیوه‌ها و ابزار ارزش‌یابی متناسب با شیوه‌ها و ابزارهای استفاده‌شده در طرح درس.

دانش‌آموزان را باید به یاری دادن یکدیگر به ویژه هنگام کار با ابزار ICT ترغیب و تشویق کرد.

بازبینی و ارزیابی واحد یادگیری طراحی شده

ارزیابی از فعالیت‌ها: آیا فعالیت برای دستیابی به اهداف ارزیابی مناسب بوده است یا باید تعدیل شود، به علاوه تأثیر ICT در درک بهتر دانش‌آموز نیز باید مورد ارزیابی قرار گیرد. برگه‌ی مرور و بازبینی می‌تواند در این زمینه به شما کمک کند.

برگه‌ی مرور و بازبینی فعالیت

هدف این برگه، فراهم آوردن اطلاعاتی است که به شما در تجزیه و تحلیل و تکمیل فعالیت انجام‌شده جهت استفاده در سایر گروه‌ها یا زمان‌های دیگر کمک می‌کند.

۱. از فعالیت چه انتظاری دارید؟ مقاصد و اهداف یادگیری شما کدامند؟

۲. شما به کدام دانش و مهارت‌های دیگر نیاز دارید؟

• در زمینه فناوری

• در زمینه موضوع درسی

۳. دانش‌آموزان به کدام دانش‌ها و مهارت‌های دیگر نیاز دارند؟

• در زمینه فناوری

• در زمینه موضوع درسی

• در زمینه راهبردها و رویکردها

۴. آیا تمرکز بر رشد و توسعه مهارت است یا درک مفهوم آن؟

۵. آیا در جریان فعالیت، دانش‌آموزان بر درک موضوع بیشتر تمرکز داشته‌اند

یا صرفاً از دستورالعمل‌ها تبعیت می‌کردند یا دکمه‌های رایانه را فشار می‌دادند؟

۶. استفاده از فناوری چه تأثیری بر پاسخ پرسش‌های ۴ و ۵ داشته است؟

۷. آیا استفاده از فناوری بر ترتیب (تقدم و تأخر) مفاهیم تدریس شده تأثیری

داشته است؟

۸. مزایا و معایب استفاده از فناوری چیست؟

۹. استفاده از ابزار فناوری چه فرصت‌هایی را برای برقراری ارتباط با سایر

موضوعات درسی دیگر و زندگی روزمره فراهم کرده است؟

۱۰. آیا شیوه‌ها و ابزارهای ارزش‌یابی با اهداف پیش‌بینی شده متناسب بوده‌اند؟

۱۱. در طراحی درس بعدی چه تغییری در طرح درس خود ایجاد خواهید کرد؟

امیدواریم اگر تاکنون این کارها را انجام نداده‌اید، به استفاده از ICT در کلاس درس خود تمایل پیدا کرده باشید. بدیهی است که همچون دیگر جنبه‌های آموزش، با تمرین و تکرار بیشتر، کارها آسان‌تر شوند. توصیه می‌شود در صورت امکان، جزوه‌های خود را با سایر معلم‌ها مقایسه کنید یا با آن‌ها تبادل نظر کنید، طرح درس مشترک بنویسید، در مورد موفقیت‌ها و مشکلاتی که داشته‌اید (همه‌ی ما داشته‌ایم؟) با هم صحبت کنید و...

سطح یک فعالیت را میزان درگیری و تعامل فراگیر با ابزار ICT در راستای هدف درسی تعیین می‌کند.

🔗 وظیفه اصلی معلم بیشتر سه چیز است 🔗

۱) گسترش معلومات:

گسترش دامنه‌ی رشته‌ی تخصصی و افزودن چیزهای تازه به معلومات موجود خود، یعنی رعایت: «اطلبوا العلم من المهد الی اللحد» وظیفه‌ی معلم است. دانش‌آموز ماندن و دانش‌اندوزی کردن، به عبارت دیگر، تحصیل شبانه‌روزی و مستمر علم به‌منظور تقرب به حق و خدمت به خلق و ارضای حس کنجکاوی و شناخت بهتر خود و انسان و جهان، یک فریضه‌ی مکتبی معلم مسلمانان است...

معلم مسلمان سعی می‌کند موازین اسلامی را بشناسد و اعمال خود را با موازین اسلامی تطبیق دهد. چرا که او می‌داند هرکسی با رعایت پاره‌ای از موازین دینی و نادیده گرفتن ضوابط دیگر نمی‌تواند خود را متأهل قلمداد کند.

۲) ارزیابی:

معلم مسلمان، جامعه را از خود می‌داند، و خویشتن را در برابر فرزندان جامعه متعهد می‌بیند. لذا می‌داند که رسالت تبلیغ را بر عهده دارد و نقش حساسی را بازی می‌کند. و چون فرهنگ اسلامی مبنی بر وحی است و از تعالیم الهی نشأت می‌گیرد، معارف و فرهنگ جوامع بشری را با موازین اسلامی می‌سنجد و آن‌گاه به دیگران

منتقل می‌سازد. معیار و میزانی که او در دست دارد قرآن و سنت نبوی است. یعنی روش آموزش او بر اساس تعالیم قرآن و سنت پیامبر، از صورت تلفیق سره و ناسره خارج خواهند شد و به صورت گلچینی از خوشه‌های دانش در خواهد آمد معلم زنبور عسل وار می‌چرخد و می‌گردد، و شیرهی این گل را می‌مزد، و غبغب آن گل را می‌گزد، و شهد فایقی می‌سازد و بر سفره دانش پژوهان می‌نهد.

۳) معرفی و انتقال میراث فرهنگی:

معلم مسلمان می‌داند وظیفه اصلی او ارائه معارف الهی و ارزش‌های معنوی اسلام، و انتقال مطالب علمی و ادبی جامعه به ذهن دیگران است. درس او از صورت تحکم و فضل‌فروشی خارج می‌گردد، و به صورت هدایت و بحث و تعقل در خواهد آمد. همراه با شاگردان برای رسیدن به یک هدف مشترک، و در عین حال مقدس، تلاش می‌کند که تعلیم علم حقیقی و شناسایی حقیقت اشیا و در نتیجه همراهی با کاروان جهان به سوی رضای خداوند رحمن است. معلم مسلمان در رفع مشکلات و تأمین نیازهای علمی ایشان، خود را صاحب رسالت می‌شناسد، و در پرورش خلاقیت آنان می‌کوشد. معلم مسلمان، کار تدریس یا به عبارتی دیگر امر تعلیم و تربیت را جدی تلقی می‌کند و صادقانه در راه شکوفایی ذهن دانش‌اندوزان و انتقال مطالب موجود در ذهن خود به ذهن ایشان می‌کوشد و صمیمانه خدمات تخصص خود را در اختیارشان می‌گذارد. به دانش‌پژوهان، آزاداندیشی و بحث و فحص می‌آموزد و بدیشان دروغ نمی‌گوید و مسخ حقایق نمی‌کند یعنی معلم راست می‌گوید و «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ» (اسرا ۳۶) [از چیزی دنباله‌روی نکن که از آن ناآگاهی] را همیشه مد نظر می‌داند.

چرا که خویشان را مسؤول در برابر کردار و گفتار و رفتار خود می‌داند. گذشته از این متوجه است که تربیت الهی، سازگار با فطرت آدمی است، و لذا او به عنوان معلم مسلمان با فطرت‌ها ناسازگاری نمی‌کند. معلم مسلمان می‌داند نوجوان، جملگی و جوانان اغلب در سایه‌هایی از عمر زندگی می‌کنند که تقلیدگرند و معلم

در چشمان آنان، انسان نمونه‌ای است؛ چشمانشان را به رفتار و کردار او می‌دوزند، و دریچه‌ی گوش‌هایشان را به سوی گفتار او می‌گشایند هرچه او بخواهد می‌خواهند و هرچه او بیسندد می‌پسندند و هرچه او بخواهد و نپسندد، نمی‌خواهند و نمی‌پسندند... خلاصه معلم الگو است و باید خود را شایسته‌ی این جایگاه آرمانی بسازد.

تلاقی آفتاب و دریا در نگاه مهربان معلم

تو عشق را وادار می‌کنی تا همراه آفتاب هر صبحگاه از پشت پنجره کلاس‌ها سرک بکشد و دزدکی برای کودکان دست تکان دهند تا آنان با شور و شعف وصف‌ناپذیری درس‌های تو را بهتر بفهمند.

تو واژه‌ها را بر تخته‌سیاه، جان می‌بخشی تا پروانه شوند و در دل‌های کوچک و هیجان‌زده بچه‌ها به پرواز درآیند و فضای کلاس را گرمای صمیمانه‌ای بخشند. تو عشق را وادار می‌کنی تا همراه آفتاب هر صبحگاه از پشت پنجره کلاس‌ها سرک بکشد و دزدکی برای کودکان دست تکان دهند تا آنان با شور و شعف وصف‌ناپذیری درس‌های تو را بهتر بفهمند.

انگار تلاقی آفتاب و دریا در نگاه تو افتاده است و دستانت وقتی در سکوت مرا مهربانانه نوازش می‌کند به تعبیر جاودانه خوشبختی پی می‌برم و دیگر افسوس نمی‌خورم که چرا نتوانستم معادله‌های سه مجهولی زندگی را حل کنم. تو نشاط می‌بخشی، به راستی هیچ واژه‌ای را نمی‌توان در امتداد نگاه تو خلاصه کرد، آفتاب هر صبح با تو سخن می‌گوید و ای معلم تویی که واژه‌های امید و آرزو هر روز بر من الهام می‌کنی.

ای مأوای خستگی‌هایم، تو را نمی‌توان در چارچوب محدود و حقیر کلمات جای داد همان‌طور که خورشید در چارچوب پنجره جای نمی‌گیرد.

من مانند همیشه در کنار ساحل مهربانی تو می‌ایستم تا همچنان با کلماتی از جنس نسیم مرا در آغوش بگیری و از دریچه اقیانوس علمت سیرابم کنی.

* کرامت معلم در حد کرامت و منزلت انبیاء

سعدالله نصیری قیداری عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس در: انسان‌ها به عنوان یک فرد دارای کرامت هستند و درجه این کرامت در قرآن در اثر تقوای انسان‌ها تعیین شده است که هرکس تقوای بیشتری داشته باشد، در نظر خدا کرامت بیشتری دارد.

از سوی دیگر انسان‌ها در اجتماع زندگی می‌کنند و ارتباط شغلی آنان با اجتماع در تعیین کرامت شغلی آنان تأثیرگذار است.

شغل معلمی با شغل انبیا مقایسه شده است و اگر جایگاه شغلی انبیا گذشته از نقش رسالت‌شان مورد احترام است به همان اندازه شغل یک معلم در جامعه کرامت و منزلت دارد.

* جایگاه ارزشمند معلمان در اسلام

در آیات متعدد قرآن کریم درباره تفکر، تعقل، تعلیم، تربیت و تفحص در عالم تأکید شده که اهمیت علم را نشان می‌دهد و اهمیت معلم را که دانش و علم را به شاگردان می‌آموزد.

در سوره مبارکه "الرحمن" خداوند انسان را با خصلت علم‌آموزی یاد می‌کند و این خصلت در جای‌جای قرآن مورد تأکید قرار گرفته است و نقش معلم خودنمایی می‌کند.

جایگاه معلم در تمام مذاهب و جوامع جایگاهی بلند است اما در دین اسلام این جایگاه بسیار ارزشمندتر و بالاتر است.

باید در نظام اسلامی با استفاده از آموزه‌های قرآنی و دینی جایگاه، مقام و منزلت معلم را به خوبی بشناسیم و در همان اندازه به معلمان احترام بگذاریم و برای‌شان اهمیت قائل شویم.

* اخلاق معلم

انسان‌ها به طور فطری عاشق کمال هستند و بی‌اختیار در برابر کمال به خضوع درآمده، جذب آن می‌شوند؛ وقتی شاگردی جذب کمالی از کمالات معلم شود، به سوی آن کمال و صاحب کمال کشیده خواهد شد و تغییرات اخلاقی با گفتار و پند و اندرز صورت نمی‌پذیرد، بلکه کردار و رفتار انسان‌هاست که موجب دگرگونی در دیگران می‌شود.

امام صادق (ع) در سخنی ارزشمند می‌فرماید "مردم را با اعمال و رفتار خود به خوبی‌ها دعوت نمایید و توجه داشته باشید که دعوت زبانی، فاقد ارزش و بها است."

هر معلمی مربی است و بر این اساس، اخلاق و خوی معلم انسان را می‌سازد و درس و بحث علمی، بهانه‌ای بیش نیست.

* معلمان، رسولان روشنی‌اند

حجت‌الاسلام محمدباقر علم‌الهدی استاد حوزه علمیه چیدر می‌گوید: آموزش، از شئون الهی است و خداوند، این ویژگی را به پیامبران و اولیای پاک خویش ارزانی کرده است تا مسیر هدایت را به بشر بیاموزند و چنین شد که تعلیم و تربیت، به صورت یکی از سنت‌های نیک آفرینش در آمد.

وی که معلمی را یکی از کرامت‌های آسمانی می‌داند که خداوند به بشر داده است، می‌افزاید:

پیامبر اکرم (ص) در این باره می‌فرماید "در میان صدقه‌هایی که مردم می‌دهند، هیچ صدقه‌ای ارزنده‌تر از یاد دادن علم و دانش نیست."

این کارشناس مسائل دینی عنوان می‌کند: امام علی (ع) نیز در حدیثی می‌فرماید: "کسی که در مقام هدایت و آموزش قرار می‌گیرد، باید بیش از آموختن به دیگران، خود را پالایش روحی کند و ادب رفتاری‌اش، بیش از ادب گفتاری‌اش باشد."

* خدا، نخستین معلم بشر

معلمی در قرآن به عنوان جلوه‌ای از قدرت بی‌پایان الهی، نخست ویژه ذات مقدس خداوند تبارک و تعالی دانسته شده است و در آیات اول تا پنجم سوره علق، خداوند، خود را معلم می‌خواند.

امام خمینی (ره) در این مورد می‌فرماید: "معلم اول، خدای تبارک و تعالی است، به وسیله وحی، مردم را دعوت می‌کند به نورانیت، دعوت می‌کند به کمال، دعوت می‌کند به محبت، دعوت می‌کند به مراتب کمالی که از برای انسان است." معلم ایمان را به بشر می‌آموزد و آن را بر لوح جان و ضمیرهای پاک، حک می‌کند و در حقیقت سیاهی جهل را از دل‌ها می‌زداید و مهم‌ترین دغدغه معلم، همیشه این است که حیات بشر بر مدار ارزش‌ها و کرامت‌های انسانی باشد.

* نفوذ روحی و معنوی معلم در شاگردان

معلم، شاگردانش را که امانت‌های الهی هستند را از آلودگی‌ها و تباهی‌ها حفظ کرده و سعی می‌کند با تعلیمات خود و تربیت آنان، زمینه رشد و کمالشان را فراهم آورد.

انتظار جامعه از افراد به اندازه ارزش و مقام آنان است و بنابراین، معلمی که این چنین مقامی دارد، هیچ‌گاه مرتکب اعمال ناشایست نمی‌شود.

استاد حوزه علمیه چیدر بیان می‌کند: شاگردان به خاطر نفوذ روحی و معنوی معلم، تاثیرات شگرفی از او می‌گیرند که گاهی سرنوشت ملتی را تغییر می‌دهند. بیشتر انسان‌های موفق، کامیابی خود را مدیون معلمان خود می‌دانند و نیز افرادی هستند که سرخوردگی و شکست‌های زندگی‌شان را ناشی از برخورد بد معلمان می‌پندارند.

استاد شهید مطهری (ره) در مورد تأثیر معلم خود حاج آقا میرزا علی شیرازی می‌گوید: "او بزرگ‌مردی بود، مرا برای اولین بار با نهج‌البلاغه آشنا کرد و درک

محضر او را همواره یکی از ذخایر گران‌بهای زندگی خود می‌شمارم که حاضر نیستم آن‌را با هیچ چیز معاوضه کنم و شب و روزی نیست که خاطره‌اش در نظرم مجسم نشود و یادی از او نکنم و نامی نبرم".

* قدردانی امام حسین (ع) از مقام معلم

شخصی به نام عبدالرحمان، مدتی آموزگار یکی از فرزندان امام حسین (ع) بود و وی آیه شریفه "الحمد لله رب العالمین" را به کودک آموخت. امام حسین (ع) به دلیل این کار نیک، هزار دینار طلا همراه با پارچه‌هایی گران‌قیمت و مرواریدهایی بسیار به معلم فرزندش هدیه داد چنان‌چه شخصی از امام پرسید آیا آن همه پاداش به معلم رواست؟ حضرت در پاسخ فرمود "آن‌چه به او دادم، چگونه با ارزش آن‌چه به پسرم آموخت برابری می‌کند".

حجت‌الاسلام والمسلمین علم‌الهدی نخستین و اساسی‌ترین نشانه معلم نمونه را برخورداری وی از سوز و گداز "انسان‌سازی" می‌داند و ادامه می‌دهد: تنها عده معدودی از انسان‌ها هستند که همه وجودشان سرشار از سوز و گداز سازندگی است، این افراد عاشق تربیت هستند و قوی‌ترین انگیزه در آن‌ها، سوز و شوق انسان‌سازی است.

این افراد، از هدایت فردی به شادی و خرسندی دست پیدا می‌کنند و چنین معلمی به مدرسه و کلاس عشق می‌ورزد زیرا او در چنین محیطی بهتر و کامل‌تر می‌تواند به هدف انسان‌سازی خود برسد.

* معلمی در کلام امام خمینی (ره)

حضرت امام خمینی (ره) درباره مقام معلم می‌فرماید "نقش معلم در جامعه، نقش انبیاست؛ انبیا هم معلم بشر هستند، نقش معلم بسیار حساس و مهم است و مسئولیت بسیار زیادی دارد؛ نقش مهمی است که همان نقش تربیت است که

اخراج من الظلمات الى النور است؛ معلم، امانت داری است که [امانت او] غیر از همه امانت‌هاست؛ انسان، امانت اوست.

امانت‌های دیگر را اگر کسی خیانت به آن بکند، خلاف کرده است، اما امانت اگر انسان باشد، اگر خدای نخواست به این امانت خیانت شد، یک‌وقت می‌بیند خیانت به یک ملت است، خیانت به یک جامعه است، خیانت به اسلام است. معلم، امانت‌دار نسلی است که تمام مقدرات یک کشور، به آن نسل سپرده می‌شود و تربیت شما باید همراه با تعلیم باشد."

*در سایه‌سار کلام مقام معظم رهبری

مقام معظم رهبری در مورد معلم می‌فرماید: "شما [معلم‌ها] در سر کلاس، نه فقط درسی که می‌دهید بلکه نگاهی که می‌کنید، اشاره‌ای که می‌کنید، لبخندی که می‌زنید، اخمی که می‌کنید، حرکتی که انجام می‌دهید و لباسی که می‌پوشید بر روی دانش‌آموز اثر می‌گذارد.

ما به خودمان که مراجعه می‌کنیم، عمیق‌ترین احساسات و عواطف و حالات خودمان را اگر ریشه‌یابی کنیم، در انتهای خط، یک معلم را مشاهده می‌کنیم. معلم است که ما را می‌تواند شجاع یا جَبان، بخشنده یا بخیل، فداکار یا خودپرست، اهل علم و طالب علم و فهم و فرهنگ، یا منجمد و بسته و پای‌بند به تفکرات جامد بار بیاورد؛ معلم است که می‌تواند ما را متدین، باتقوا، پاک‌دامن، یا خدای ناکرده بی‌بندوبار، بار بیاورد؛ معلم چنین نقشی دارد، این ارزش معلم است و این تأثیر معلم است."



درباره‌ی معلم

در کلاس درس

ردیف نیمکت‌ها، با نظم و ترتیب، در سکوت، منتظر نشسته‌اند. آن مستطیل سبز رنگ، در کنار گچ‌های بریده‌بریده، به اتفاقی فکر می‌کنند که ناگهان، دیوارها و کف پوش و سقف آبی اتاق پر می‌شود از شادی و هیاهو؛ سرشار می‌شود که فریاد زندگی و رنگارنگ می‌شود از دویدن آن همه کودک سرخ‌دل. کیف‌ها و کوله‌پشتی‌ها، زنده از حضور کتاب و دفتر و مداد، از روی شانه‌های کوچک، آرام روی میز فرود می‌آید و داستان ترد ساقه‌ها، روی سرزمین درس و مدرسه نقاشی می‌کند.

شکوه معلم

حالا، همه چیز مکث کرده است. همه صورت‌های خندان و دست‌های پرشور، انگار چیزی دیگر تمنا دارد. آن پاسخ محو، آن حضور صمیمی و آن زمزمه محبت، یک «معلم» است. در باز می‌شود. قلم و کتاب و دست و پا، به احترام شکوه «معلم» قیام می‌کند. دیوارها هم ایستاده‌اند. همه باید به حرمت لبخند آموزگار برخیزند و به مهربانی و علم، سلام کنند.

جشن آموزش

کلاس، آغاز شده است. باران دانش، قطره قطره و پیوسته افشانه می‌شود. آموزگار، وجود نازنینش را واژه‌واژه می‌کند. او دهقان شده است. به مزرعه پاک قلب بچه‌ها، به صحرای ذهن و جان آن‌ها، بذر به بذر می‌آموزد. چه سبزه‌زاری می‌شود! دهان معلم‌ها، پر از یاقوت است؛ ریز و درشت. او از همه آدم‌های دیگر،

سخی تر است. او رایگان، بی هیچ ارمان، دست‌های کوچک را از آن همه یاقوت بنفش، پر کرده است.

سهم معلم از جشن آموزش، یک رضایت است که در دل او ماندنی می‌شود. فکرش را کرده‌اید: تا دنیا دنیا است، هر روز و شب، وقتی معلم خوب می‌نشیند به پای تماشای ساقه‌هایی که خود بر دل خاک نشانده و حالا درخت شده است، چقدر لذت می‌برد.

دست‌های معلم، بوسیدنی است

دانش‌آموز ایرانی! معلم تو، شبیه پیامبر خداست. چون که شکل مادر و مثل پدر، به شکفتن تو، به روشنایی تو و به سرفرازی‌ات اندیشه می‌کند. قدر معلم تو، از هدیه روز معلم خیلی بیشتر است. امروز برایش گل ببر و تا فردای همیشه، از بوی زندگی و خوشبختی، از رایحه علم و خدایی آموزگار، پر نشاط شو. امروز یادت نرود: دست‌های معلم شاید گچی باشد، شاید هم جوهری، ارزش بوسیدن دارد!

او یک معلم بود

یک نفر بود که به اندازه بزرگی ایران و به اندازه اهمیت دین اسلام، زحمت می‌کشید. شب‌ها کمتر می‌خوابید و بیشتر می‌خواند تا روزها بیشتر بنویسد و عطر کلام را در کتاب و در دانشگاه جاری سازد. او آنقدر اشتیاق آموختن داشت که دوستی جز اندیشه و نوشته نداشت. چند سال که گذشت، همه کتاب‌ها، عاشق او شدند و دانشجوها، پروانه‌هایی شدند که دور شمع آبی رنگ او طواف می‌کردند. با صدای گرم او، روح می‌گرفتند و با جمله‌های ارغوانی‌اش آهسته‌آهسته بیدار می‌شدند.

او هم یک «معلم» بود؛ بهترین معلم. وقتی پره‌های پروازش خوب اوج گرفت، غیر از کتاب‌ها و دانشجو‌ها، حتی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌هم عاشقش شد و یک نیمه شب، به خواب او آمد. به او تبسم کرد و او را بوسید. وقتی معلم بیدار شد، فهمید که قرار شده است، جایزه‌ای بزرگ به او بدهند و کمی که زمان عبور کرد و به وصالش رسید.

افتخار گرفتن مدال طلایی شهادت را به او دادند. چون او هم تمام هستی و دارایی‌اش را به دانش‌آموزها داده بود.

امروز، روز آموزگار بزرگ، شهید مرتضی مطهری است. به یاد او، قدر معلم‌هایمان را بیشتر می‌دانیم.

دوستت دارم، معلم!

بی‌ادعا چراغ روشن دانش، صبور پیامبر خستگی‌ناپذیر تعلم، مهربان پدر تأدب؛ معلم، دوستت دارم و بر دستان پر مه‌رت بوسه می‌زنم. بر همت بلند و غیرت به‌جایت آفرین می‌گویم و بر تلاش بی‌وقفه و هدف‌والایت رشک می‌برم. آب و آینه‌دار دقایق ترد کودکی‌ام، فانوس به دست کوجه‌های پر خم حادثه، راه‌دان و راه‌شناس! قدم‌های ملکوتی‌ات بر چشمانم و بلاگردان تن رنجورت، جانم؛ معلم، نشانه رحمت آسمان! دوستت دارم.

ادامه حرکت انبیا چه خوب فرمود والای آب و آفتاب، در بلندای قامت مقامت که «بنده آنم که مرا حرفی آموخت»؛ چرا که دانش، نوری است که از میان دستان تو، بر سر دیگران می‌ریزد و تو حالا شده‌ای واسطه‌ای میان خورشید و ما؛ پله‌ای که می‌رسد به ایوان بلند فکر؛ چشمه رحمتی که جرعه‌های معرفت را از میان دل سخت زمین، به دیگران هدیه می‌دهد؛ ابری که می‌بارد و تمام می‌شود؛ نسیمی که می‌وزد و پیام بهار را به خواب صبح باغ می‌رساند؛ شمعی که آب می‌شود و نورانی می‌کند دل‌ها را.

آموزگارم! شغل تو، ادامه حرکت انبیاست و تو، وام‌دار رسولان نوری. پس قدر خود را بشناس.

تار و پود لباس، از جنس ردای رسالت است

لباسی را خدا بر قامت تو پسندید که شبیه‌ترین تار و پودها به ردای رسالت بود. با سینه‌ای که رازدار علم و اشارت، با صبوری از جنس صبر رسولان و با شمشیری به نام قلم، رهسپار کارزار خویش شدی و تو را «معلم» نامیدند... دشمن لحظه‌های نبرد تو، از نسل سیاه ابلیس بود و نامش جهل... .

پای مکتب تو

طفل گریز پای بی‌قرار، در سایه‌سار دانسته‌های مهربان تو، آرام و قرار می‌گیرد و چارچوب بایدها و نبایدهای ناگزیر دانش می‌نشیند و می‌آموزد. تو از لحظه‌لحظه‌های هستی خویش، در کام کویری دل او، جرعه می‌فشانی و یک‌تنه، ذهنش را شخم می‌زنی، بذر می‌پاشی و از صحرای لم‌یزرع، باغ به بار می‌آوری. واژه انسان اگر در مکتب تمدن تو نمی‌نشست، به هیچ دستاویز بلند مرتبه‌ای راه نداشت.

دل ندانسته اگر بی‌بضاعتی جهل خود را به تو اقرار نمی‌کرد و تو دست‌های تهی‌اش را در دست لبریز خویش نمی‌پذیرفتی، آدمی هیچ معنایی را نمی‌آموخت؛ حتی بندگی در آستان پروردگارش را.

حدیث «سعی» تو را با لهجه تسبیح باید گفت. تو را باید به تقدیس صدا کرد که معیار اعتقاد و سنجش فهم و ادراک بشر هستی. اگر دست‌ها، آیین سجده را فرا می‌گیرند، اگر زبان‌ها می‌آموزند که چگونه به تکبیر کردگار، خویش را ابراز کنند، اگر ایمان نو ظهور، ریشه می‌دواند و پایه‌پای کودکی می‌بالد و قد می‌کشد، اگر دانش، شوق سراسیمه‌ای می‌شود و در سینه، کبوتروار، آرزوی پرواز به هرچه

بالادست را دارد، اگر تجربه‌ها به شعور و شور و کمال بدل می‌شوند، همه از محضر فراگیر توست. در سایه نفس‌های تو - این آموزگاران همیشه - «انسان»، مهیا می‌شود و راه زندگی را در پیش می‌گیرد.

تو بمان!

نخستین بار، خدا از نام خویش، نام تو را آفرید. از رسالت برگزیدگان خویش، سهم شانه‌های بردبار تو قرار داد. فانوس شبانه‌روز علم را در دست‌های نهاد و تو را روشن‌گر جاده‌های هستی رقم زد.
تو ناگزیری از این خطیر بی‌پایان. تو گماشته پروردگاری، فراروی آدمیان نابلد...

واژه‌واژه آموزه‌های سبز تو، آنچه از لب‌های دانشمند تو می‌ترواد و برگ‌برگ آنچه به دل‌ها می‌آموزی، دست‌های دعایی بی‌وقفه‌اند تا منزلت بلند بالای تو را نزد پروردگار، والاتر کنند. پس در این مسافت دشوار، صبور بمان و در جاده‌ها جاری شو و راه روشن کن که خداوند، تو را به رستگاری نزدیک، رهسپار می‌کند.
تو بمان، تا هیچ حدیث خداگونه‌ای ناگفته نماند!
تو بمان، تا هیچ تاریک بی‌روزی از نسل جهل، در دل‌ها ادامه نیابد!

صحبت از معلم است

عطر گرم خورشید، از ابریشم کلامش شنیده می‌شود. تکیه بر سلیقه دریا، پیرامون را به رنگ‌های آبی، پیوند می‌زند. در چهار گوشه کلاس، گل‌هایی از بهارستان صبح اردیبهشت می‌کارد تا زیبایی‌های آن سوی مرز تماشا را لذت ببریم.
لب که می‌گشاید، نور می‌نوشیم از واژه‌های آینه‌گونش. صدای باران، در ما طنین افکن می‌شود؛ مقابل مهربانی‌های ممتد او. خنده می‌زند، جشن رویش غزل‌های نگفته است.

صحبت از معلم است و نام آمیخته با روشنی او که خوش‌بوترین رایحه دل‌هاست.

معلم، جدیتی است تمام، برای برداشتن رکودها و تیرگی‌ها. یگانه فکوری است که در ادامه بهار، نکات سبزش همیشه جذاب است و دل‌نشین. امروز، می‌آید و تمامی مدیحه‌سرایان ادب، این‌چنین بوسه بر دست معلم می‌زنند:

بالاترین نقطه نور، جایی است که نخستین خوبی تو آغاز می‌شود. فرشتگان برای معلم بال می‌گسترند.

نیمکت‌های چوبی، بیشتر از درختان سرسبز جنگل، میوه می‌دهند؛ وقتی که ریشه در نگاه معلم داشته باشی و گوش دل، بر کلام او بسپاری؛ چرا که خود، درختی است که هر لحظه، با کلامش، شاخه‌هایش را به جان تشنگان دانش، پیوند می‌زند. محبت مادر و استواری پدر را در تو دیدم. شایسته‌ترین کلام در وصف تو، سخن رسول خداست که فرمود: کسی که برای علم از خانه خارج می‌شود، فرشتگان، بال‌های خود را زیر پای او می‌گسترانند و حتی ماهیان دریا برای او طلب آموزش می‌کنند... روزت گرامی باد، ای مسجود فرشتگان، ای معلم!

معلمان گمنام مساجد

می‌خواهم چشم‌هایم همیشه محصل بماند.
بوسه می‌زنم بر ابر که ایثار را به من آموخت.
بوسه می‌زنم بر دستان خاک که رستاخیز را برایم مجسم کرد. من در برابر آفتاب، تعظیم می‌کنم.

جهان، سراسر تعلیم و تعلم است؛ کافی است شاگرد درس‌خوانی باشیم. یاد می‌کنم از پیر روحانی مسجد کوچک محله که پس از نماز از منبر چوبی بالا رفت و فکر مرا هم با خودش بالا برد.

آقا معلمان گمنام مساجد! چه بی ادعا عشق را از کودکی به ما آموختید؛ روزتان مبارک.

هنوز صدایت را از میان نیمکت‌ها می‌شنوم

میان نیمکت‌ها، رد پای توست که هزار بار این میانه را طی کرده‌ای، روی تخته‌سیاه، مملو از دست خط‌های پاک‌شده توست و دیوارها هنوز انعکاس می‌دهند صدای تو را و صدای سرفه‌هایت از غبار گچ‌های تخته‌سیاه را. تو، در میان همین خطوط گچ، همه چیز را به من آموخته‌ای و ذرات وجودت را به من بخشیدی و من شادمان، زنگ‌های تفریح را برای آموختن، در آن حوالی می‌گشتم و می‌دیدم که هر روز، پیرتر و شکسته‌تر می‌شوی، اما با دیدن گام‌های من، لبخند می‌زدی. حالا می‌فهمم که رضایت از آن چه بود، تو می‌خواستی سینه به سینه، جاودانه شوی و این را وقتی فهمیدم که حرف‌های تو را، میان خطوط گچ، برای شاگردانم باز می‌گفتم؛ صدایت را هنوز می‌شنوم.

هرگز فراموش نمی‌کنم

نمی‌دانم! شاید اگر اسمم را هم بشنوی، شناسی. قیافه‌ام را که حتماً به یاد نمی‌آوری؛ چون از آن کودک بازی‌گوش سال‌ها پیش، اثری در این چهره مردانه باقی نمانده است. اما من هیچ‌گاه تو را از یاد نخواهم برد. نمی‌دانم چه می‌کنی و در کجایی؛ اما آهنگ کلامت، همچنان در گوشم زمزمه آشنای مادرانه را تداعی می‌کند. هیچ‌گاه نمی‌توانم فراموش کنم؛ حتی لباسی که به تن می‌کردی و مقنعه رنگ باخته‌ات، انگشتر ساده‌ات و چتر زیبایت، این‌ها همه زیباترین خاطرات نقش بسته بر صفحات اول ذهن منند. یادش بخیر! همیشه تو را با مادرم اشتباه می‌گرفتم و مادرم را با تو؛ شاید به یادت نیاید؛ اما من خوب یادم هست که بارها و ناخودآگاه تو را «مادر» خطاب کردم و البته مادرم را هم «خانم اجازه!» خدا می‌داند،

شاید هیچ‌گاه دیگر نبینمت؛ اما هرگز تصویر مهربانت را از طاقچه اتاق خاطراتم برنخواهم داشت.

اگر نبودى، بزرگ نمى شدیم.

ورود به دوره‌ای جدید و حال و هوای تازه، برای همه جذاب بود و حس شیرین در وجود همه هم‌کلاسی‌ها، تداعی عبور از دوران کودکی و ورود به نوجوانی و جست‌وجوی جایگاه اجتماعی می‌کرد؛ حسى که ناخواسته از کودکان دبستانی دیروز، نوجوانان دوره راهنمایی ساخته بود و احساس دلپذیر گفتن «آقا دبیر!» به جای «آقا معلم!» را تو بهتر از هرکسی از آهنگ کلام نپخته و سؤالات بی‌در و پیکر ما می‌فهمیدی و چه نیکو این حس را پرورش می‌دادی! یادم نمى‌رود، وقتی مى‌گفتی «شما دیگه دانش‌آموز ابتدایی نیستید» مى‌خواستم از خوشحالی فریاد بزنم و تو خوب می‌دانستی که در چه زمان این حس را در درون ما به جوشش درآوری و اگر نبود آن تحریک‌ها و تمجیدها، شاید هیچ‌گاه ما جوجه‌های محبوس در پوسته‌های دوران کودکی، جرئت سربر آوردن و رهایی از آن تنگنا را نمی‌یافتیم!

خدا می‌داند سخنان روز اول دیدارمان را نه من و نه همه بچه‌ها، هیچ‌گاه از یاد نخواهیم برد که با نگاهی سراسر مهر و عاطفه گفتی: «بچه‌ها این‌را بدانید که پیش من، تک‌تک شما با پسر نوجوان خودم هیچ فرقی ندارید» و من هنوز بوی صداقت این کلام را از پس سال‌ها، احساس می‌کنم... .

عطش دانایی‌مان را فرونشاندی

از پشت کوچه پس‌کوچه‌های کودکی، در میان گام‌هایی که راهش را به سوی بزرگ شدن می‌پیمود، مدرسه، سرای دومان، به پیشواز قدم‌های کوچکمان آغوش گشود.

چشمان گرم و مهربان تو، تسکین غربت نگاه‌ها و کلام شیرین و شیوایت، سیراب‌کننده عطش دانایی وجودمان شد.

همراه با تو، سجاده‌های عبادت را در کلاس‌های درس پهن کردیم. دنباله‌رو و ادامه‌دهنده جاده پرنور و روشنی هستی که آموزگاران الهی، برای هدایت بندگان طی کردند و هزاران هزار پروانه از تاریکی و ظلمت گریخته، در گرما و روشنایی داشت پناه می‌گیرند و زنگارهای تاریک و نادانی وجودشان را با عطر دانایی می‌زدایند.

گل‌های سپاسم نثار تو!

دیروز، امروز و فردای این سرای پهناور، ساخته کلام شیوای توست. هر کس، در هر مقام و رتبه‌ای، روزی در کلاس درس تو نشسته و زمزمه کلام شیرینت را در گوش‌هایش به یادگار دارد و زینت‌بخش آسمان زندگانی‌مان، ستاره‌های روشن و پرفروغ علم توست.

آموزگارم! تمام شکوفه‌ها و گل‌های سپاس را نثار قدم‌های پرمه‌رت می‌کنم؛ چرا که مولایمان علی علیه‌السلام فرمود: «هر کس کلمه‌ای به من بیاموزد، مرا بنده خویش کرده است».

گفته‌های بزرگان درباره معلم شهید

به‌طور کلی استاد شهید که به یک نهضت اسلامی معتقد بود نه به هر نهضتی، برای اسلامی کردن محتوای نهضت تلاش‌های ایدئولوژیک بسیاری نمود و با شرکت در تأسیس حسینیه ارشاد با کجروی‌ها و انحرافات مبارزه سرسختانه کرد.

روز ۱۲ اردیبهشت به یاد استاد شهید مرتضی مطهری روز معلم نامگذاری شده است. معلمی که معتقد بود باید اسلام را آنطور که هست به مردم معرفی کنیم، نه چیزی به آن بیفزاییم و نه بکاهیم، به تعبیر دیگر اسلام را بدون آرایش و پیرایش عرضه کنیم، آن گاه «فطرت حقیقت جوی» انسانها به سوی آن جذب خواهد شد.

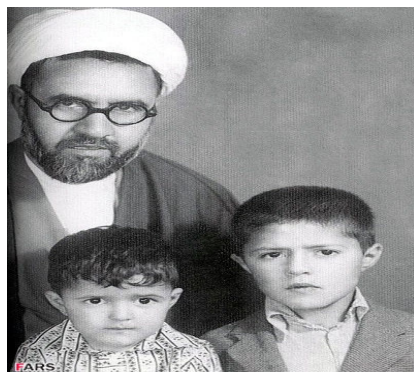
به گزارش ایسنا، استاد شهید آیت الله مطهری در ۱۳ بهمن ۱۲۹۸ هجری شمسی در فریمان واقع در ۷۵ کیلومتری شهر مقدس مشهد در یک خانواده اصیل روحانی چشم به جهان گشود.

پس از طی دوران طفولیت به مکتب خانه رفت و به فراگیری دروس ابتدایی پرداخت. در سن دوازده سالگی به حوزه علمیه مشهد عزیمت کرد و به تحصیل مقدمات علوم اسلامی اشتغال ورزید. در سال ۱۳۱۶ علی رغم مبارزه شدید رضاخان با روحانیت و علی رغم مخالفت دوستان و نزدیکان، برای تکمیل تحصیلات خود عازم حوزه علمیه قم شد در حالی که به تازگی مؤسس گرانتقدر آن آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی دیده از جهان فرو بسته و ریاست حوزه را سه تن از مدرسان بزرگ آن آیات عظام سید محمد حجت، سید صدرالدین صدر و سید محمد تقی خوانساری به عهد گرفته بودند.

در دوره اقامت پانزده ساله خود در قم از محضر مرحوم آیت الله العظمی بروجردی (در فقه و اصول) و حضرت امام خمینی (به مدت ۱۲ سال در فلسفه ملاصدرا و عرفان و اخلاق و اصول) و مرحوم علامه سید محمد حسین طباطبائی (در فلسفه: الهیات شفای بوعلی و دروس دیگر) بهره گرفت. قبل از هجرت آیت الله العظمی بروجردی به قم نیز استاد شهید گاهی به بروجرد می رفت و از محضر ایشان استفاده می کرد.

مؤلف شهید مدتی نیز از محضر مرحوم آیت الله حاج میرزا علی آقا شیرازی در اخلاق و عرفان بهره‌های معنوی فراوان برد. از اساتید دیگر استاد مطهری می‌توان از مرحوم آیت الله سید محمد حجت (در اصول) و مرحوم آیت الله سید محمد محقق داماد (در فقه) نام برد.

وی در مدت اقامت خود در قم علاوه بر تحصیل علم، در امور اجتماعی و سیاسی نیز مشارکت داشت و از جمله با فدائیان اسلام در ارتباط بود. در سال ۱۳۳۱ که از مدرسین معروف حوزه بود، به تهران مهاجرت کرد. در تهران به تدریس در مدرسه مروی و تألیف و سخنرانی‌های تحقیقی پرداخت. در سال ۱۳۳۴ اولین جلسه تفسیر انجمن اسلامی دانشجویان توسط استاد مطهری تشکیل شد. در همان سال تدریس خود در دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران را آغاز کرد.

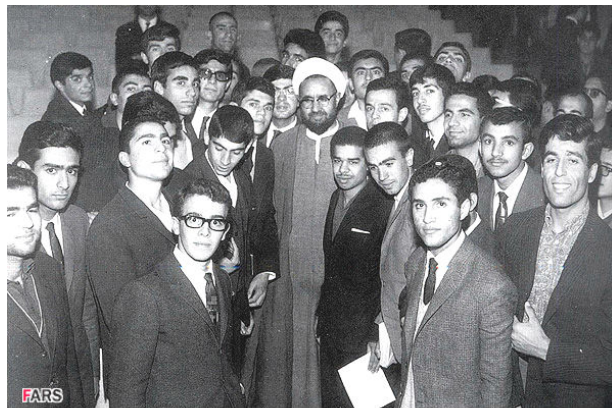


در سال‌های ۱۳۳۷ و ۱۳۳۸ که انجمن اسلامی پزشکان تشکیل شد، استاد مطهری از سخنرانان اصلی این انجمن و در طول سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰ سخنران منحصر به فرد این انجمن بود که بحث‌های مهمی از ایشان به یادگار مانده است. کنار امام بوده است به طوری که می‌توان سازماندهی قیام پانزده خرداد در تهران و هماهنگی آن با رهبری امام را مرهون تلاش‌های او و یارانش دانست.

در ساعت ۱ بعد از نیمه شب روز چهارشنبه پانزده خرداد ۱۳۴۲ به دنبال یک سخنرانی مهیج علیه شخص شاه به وسیله پلیس دستگیر و به زندان موقت شهربانی منتقل و به همراه تعدادی از روحانیون تهران زندانی شد.

پس از ۴۳ روز به دنبال مهاجرت علمای شهرستان‌ها به تهران و فشار مردم، به همراه سایر روحانیون از زندان آزاد شد.

پس از تشکیل هیات‌های مولفه اسلامی، استاد مطهری از سوی امام خمینی همراه چند تن دیگر از شخصیت‌های روحانی عهده‌دار رهبری این هیئت‌ها شد. پس از ترور حسنعلی منصور نخست وزیر وقت توسط شهید محمد بخارایی کادر رهبری هیات‌های مولفه شناسایی و دستگیر شد، ولی از آن‌جا که قاضی‌ای که پرونده این گروه تحت نظر او بود مدتی در قم نزد استاد تحصیل کرده بود به ایشان پیغام فرستاد که حق استادی را به جا آوردم و بدین ترتیب استاد شهید از مهلکه جان سالم بدر برد. در این زمان وی به تألیف کتاب در موضوعات مورد نیاز جامعه و ایراد سخنرانی در دانشگاه‌ها، انجمن اسلامی کردن محتوای نهضت اسلامی پزشکان، مسجد هدایت، مسجد جامع نارمک و غیره ادامه می‌داد.



به طور کلی استاد شهید که به یک نهضت اسلامی معتقد بود نه به هر نهضتی، برای اسلامی کردن محتوای نهضت تلاش‌های ایدئولوژیک بسیاری نمود و با شرکت در تأسیس حسینیه ارشاد با کجروی‌ها و انحرافات مبارزه سرسختانه کرد.

در سال ۱۳۴۸ به خاطر صدور اعلامیه‌ای با امضای ایشان و حضرت علامه طباطبایی و آیت‌الله حاج سید ابوالفضل مجتهد زنجانی مبنی بر جمع اعانه برای کمک به آوارگان فلسطینی و اعلام آن طی یک سخنرانی در حسینیه ارشاد دستگیر شد و مدت کوتاهی در زندان تک‌سلولی به سر برد.

از سال ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۱ برنامه‌های تبلیغی مسجدالجواد را زیر نظر داشت و غالباً خود سخنران اصلی بود تا این‌که آن مسجد و به دنبال آن حسینیه ارشاد تعطیل گردید و بار دیگر استاد مطهری دستگیر و مدتی در بازداشت قرار گرفت. پس از آن استاد شهید سخنرانی‌های خود را در مسجد جاوید و مسجد ارک و غیره ایراد می‌کرد. بعد از مدتی مسجد جاوید نیز تعطیل شد. در حدود سال ۱۳۵۳ ممنوع‌المنبر شد و این ممنوعیت تا پیروزی انقلاب اسلامی ادامه داشت.

اما مهم‌ترین خدمات استاد مطهری در طول حیات پر برکتش ارائه ایدئولوژی اصیل اسلامی از طریق درس و سخنرانی و تألیف کتاب است. این امر خصوصاً در سال‌های ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۷ به خاطر افزایش تبلیغات گروه‌های چپ و پدید آمدن گروه‌های مسلمان چپ‌زده و ظهور پدیده التقاط به اوج خود رسید.

گذشته از حضرت امام، استاد مطهری اولین شخصیتی است که به خطر سران سازمان موسوم به «مجاهدین خلق ایران» پی برد و دیگران را از همکاری با این سازمان باز داشت و حتی تغییر ایدئولوژی آن‌ها را پیش‌بینی کرد.

در این سال‌ها استاد شهید به توصیه حضرت امام مبنی بر تدریس در حوزه علمیه قم هفته‌ای دو روز به قم عزیمت و درس‌های مهمی در آن حوزه القا و همزمان در تهران نیز درس‌هایی در منزل و غیره تدریس کرد. در سال ۱۳۵۵ زودتر از موعد مقرر بازنشسته شد. همچنین در این سال‌ها استاد شهید با همکاری تنی

چند از شخصیت‌های روحانی، «جامعه روحانیت مبارز تهران» را بنیان گذاشت، بدان امید که روحانیت شهرستان‌ها نیز به تدریج سازمانی پیدا کند.

گرچه ارتباط استاد مطهری با امام خمینی پس از تبعید ایشان از ایران به وسیله نامه و غیره استمرار داشت، ولی در سال ۱۳۵۵ موفق شد مسافرتی به نجف اشرف نموده و ضمن دیدار با امام خمینی درباره مسائل مهم نهضت و حوزه‌های علمیه با ایشان مشورت کند.

پس از شهادت آیت‌الله سیدمصطفی خمینی و آغاز دوره جدید نهضت اسلامی، استاد مطهری به‌طور تمام‌وقت در خدمت نهضت قرار گرفت و در تمام مراحل آن نقشی اساسی ایفا کرد. در دوران اقامت حضرت امام در پاریس، سفری به آن دیار داشت و در مورد مسائل مهم انقلاب با ایشان گفت‌وگو می‌کرد و در همین سفر امام خمینی ایشان را مسئول تشکیل شورای انقلاب اسلامی می‌نماید. هنگام بازگشت امام خمینی به ایران مسئولیت کمیته استقبال از امام را شخصاً به عهده گرفت و تا پیروزی انقلاب اسلامی و پس از آن همواره در کنار رهبر عظیم‌الشأن انقلاب اسلامی و مشاور دلسوز و مورد اعتماد برای ایشان بود تا این‌که در ساعت بیست و دو و بیست دقیقه سه‌شنبه یازدهم اردیبهشت ماه سال ۱۳۵۸ در تاریکی شب درحالی‌که از یکی از جلسات فکری سیاسی بیرون آمده بود با گلوله گروه نادان و جنایتکار فرقان که به مغزش اصابت نمود به شهادت رسید.

اندیشه‌های متفکر شهید استاد مرتضی مطهری همواره به عنوان اسلام‌شناسی آگاه، عالمی زمان‌شناس، دانشمندی دردآشنا و فیلسوفی توانا مورد علاقه‌ی فرهیختگان و جوانان فکور بوده و می‌باشد.

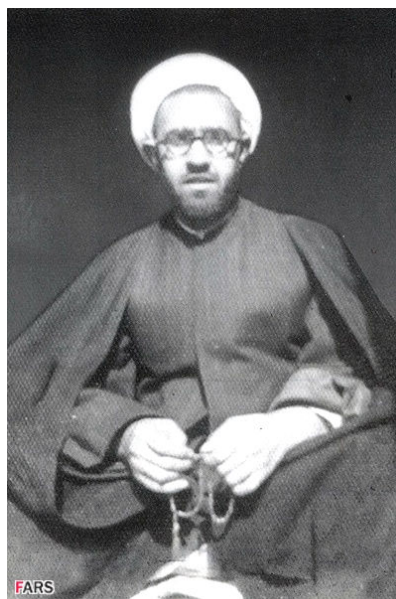
استاد شخصیتی بود که پاسخ‌گویی به شبهات زمانه و مقابله با انحرافات فکری و عقیدتی را وجهه همّت خویش ساخت تا بدان‌جا که در قبال این مجاهدت عظیم علمی جان خویش را فدای آرمان خود ساخت.

امام خمینی (ره) در پیام تسلیت خویش به مناسبت شهادت استاد فرمودند: «مطهری شخصیتی بود که عمر شریف و ارزنده خود را در راه اهداف مقدس اسلام صرف کرد و با کجروی‌ها و انحرافات مبارزه سرسختانه کرد.» این سخن امام جهت‌گیری اساسی فعالیت‌های شهید را نمایان می‌سازد. استاد مطهری هم در علم کلام و احاطه بر اندیشه‌های متکلمین اسلامی و هم در فلسفه اسلامی و آگاهی بر نظریات فلسفه اسلامی تبحر خاصی داشت. وی از این جهت بسیار عزیزالوجود و کمیاب بود و از معدود افرادی بود که واقعاً فلسفه اسلامی را درک کرده و لذت آن را چشیده و به اهمیت این میراث گرانها پی برده بود.

کتاب‌ها و مقالاتی که از استاد مطهری منتشر شد عبارت است از:

مقدمه و پاورقی بر اصول فلسفه و روش رئالیسم، علل گرایش به مادی‌گری، انسان و سرنوشت، آشنایی با علوم انسانی (منطق و فلسفه)، تصحیح و تعلیق کتاب التحصیل، بخشی از کتاب سیری در نهج‌البلاغه، مقالات فلسفی، نقدی بر مارکسیسم شرح منظومه، شرح مبسوط منظومه، حرکت و زمان، درس‌های شفا، آینه جام، اخلاق جنسی، استاد مطهری و روشنفکران، اسلام و مقتضیات زمان، آشنایی با علوم اسلامی، آشنایی با قرآن، اصول فلسفه و روش رئالیسم، امامت و رهبری، امدادهای غیبی در زندگی بشر، انسان در قرآن، انسان کامل، انسان و ایمان، انسان و سرنوشت، بیست گفتار، پاسخ‌های استاد به نقدهای کتاب مساله حجاب، پیامبر امی، پیرامون انقلاب اسلامی، پیرامون جمهوری اسلامی، تعلیم و تربیت در اسلام، تکامل اجتماعی انسان، توحید، جاذبه و دافعه علی، جامعه و تاریخ، جهاد، جهان‌بینی توحیدی، حرکت و زمان در فلسفه اسلامی، حق و باطل، حکمت‌ها و اندرزها، حماسه حسینی، خاتمیت، ختم نبوت، خدمات متقابل اسلام و ایران، داستان راستان، درس‌های الهیات شفا، ده گفتار، زندگی جاوید یا حیات اخروی، سیری در سیره ائمه اطهار، سیری در سیره نبوی، سیری در نهج‌البلاغه، شرح

مبسوط منظومه، شرح منظومه، شش مقاله (الغدیر و وحدت اسلامی)، شش مقاله (جهان بینی الهی و جهان بینی مادی)، عدل الهی، عرفان حافظ (تماشاگاه راز)، علل گرایش به مادی‌گری، فطرت، فلسفه اخلاق، فلسفه تاریخ، قیام و انقلاب مهدی، گفتارهای معنوی، لمعاتی از شیخ شهید، مساله حجاب، مساله ربا، مساله شناخت، معاد، مقالات فلسفی، نبوت، نظام حقوق زن در اسلام، نظری به نظام اقتصادی اسلام، نقدی بر مارکسیسم، نهضت‌های اسلام صدساله اخیر، وحی و نبوت، ولاها و ولایت‌ها. درس و بحث علوم رسمی عقلی و نقلی نتوانست مانند بعضی از طلاب حوزه علمیه استاد مطهری را از قرآن دور نگه دارد. او که به قرآن و معارف قرآنی سخت عشق می‌ورزید ارتباط و انس نزدیکی با قرآن داشت.



وی جلسات تفسیر متعددی در تهران داشت. برای نمونه می‌توان جلسه تفسیر ایشان در قلعه که به مدت پانزده سال ادامه داشته است و نیز درس‌های تفسیر ایشان در مسجدالجواد را نام برد.

او نسبت به نهج‌البلاغه و حضرت علی(ع) علاقه خاصی داشت. با این کتاب مانوس بود و معمولاً در سخنرانی‌ها هر جا مناسبتی پیش می‌آمد به فرازهایی از نهج‌البلاغه اشاره می‌کرد.

به عرفان نظری و عملی هر دو واقف بود و در این مورد از محضر اساتید متعددی بهره برده بود. به علم اخلاق همانند دیگر فنون فرهنگ اسلامی آشنایی کامل داشت. کتب بسیاری را در علم اخلاق مطالعه کرده بود و به معارف ارزشمندی در مورد فلسفه اخلاق رسیده بود که نمونه‌ای از آنرا مترجم کتاب کلیات فلسفه با استفاده از تقریرات استاد مرتضی مطهری ذکر کرده است.

شهید مطهری به نیکی می‌دانست که عدم اشراف روشنفکری دینی بر متون دینی، زمینه‌ساز استنباط‌های انحرافی و التقاطی خواهد بود و از این رو تأکید می‌کرد که باید این قشر تحت نظارت اسلام‌شناسان به بیان دیدگاه‌های خود بپردازند و در این صورت است که وجود آن‌ها برای ترویج دین بسیار پرمفعت و مبارک خواهد بود.

استاد در نگاه دیگران

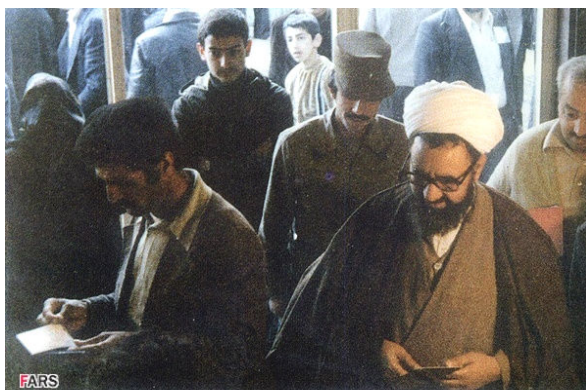
شهید حجت‌الاسلام باهنر درباره استاد شهید مطهری گفته است: استاد بزرگوار عمدتاً پاسدار اسلام بود و هوشیار در برابر اسلام. یادم نمی‌رود یک کتابی را ایشان شنیده بود که این کتاب منتشر شده است. ایشان می‌گفت که این کتاب را از هر جا که هست برای من پیدا کنید ما مأمور شدیم برای این‌که بگردیم و این کتاب را پیدا کنیم. گشتیم و بالأخره یک نسخه پیدا کردیم آن نسخه‌ای که به دست ما رسید منحصر به فرد بود، ۴۰۰ صفحه بود. من با زحمت زیادی دو نسخه فتوکپی از آن گرفتم و یک نسخه خدمت ایشان بردم و یک نسخه پیش خود من

ماند. شاید بیست روز بیشتر نگذشت، ایشان فرمودند با این کتاب چه کردی؟ گفتم: من هنوز گذاشته‌ام ان شاء الله وقت کنم مطالعه کنم. بعد دیدم ایشان تمام این کتاب را خوانده فصل به فصلش را تحلیل کرده، نقطه‌های ضعفش را درآورده و در حدود سیصد و پنجاه مورد علیه اسلام به نام اسلام نوشته شده بود یعنی کتابی که به عنوان یک بحث تاریخی درباره اسلام بود و دقیقاً می‌خواست بگوید این کتاب کتاب اسلامی است بیش از سیصد مورد ایشان در این کتابی که به نام اسلام نوشته شده بود بر علیه اسلام مطلب داشت، نقد کردند و این هوشیاری و این حضور همیشه در صحنه علمی و دفاع فکری از اسلام، بسیار محترم است.

شهید آیت الله بهشتی نیز درباره این استاد شهید گفته است: یادم است که در سال ۱۳۲۶ که در قم با آقای مطهری و آقای منتظری و آقایان دیگر علاوه بر درس و بحث و کارهای طلبگی مان همیشه به فکر سامان دادن به روحانیت و پربار کردن این نهاد اسلامی اجتماعی بودیم در همان سال یک حرکتی را در یک جمع حدود ۱۸ نفری انجام دادیم که زمینه بود برای همکاری بیشتر و پردوام‌تر در جلسه‌ها و بحث‌های مختلف. همواره این سخن می‌رفت که باید برای عظمت فکری و معنوی و تعالی اخلاقی و سامان یافتن هرچه بیشتر روحانیت تلاش کرد. در سال ۱۳۴۰ پس از فوت مرحوم آیت الله بروجردی جمعی برای بحث و گفت‌وگو پیرامون مرجعیت و روحانیت در تهران به وجود آمد مجموعه بحث‌ها در همین کتاب بحثی درباره مرجعیت و روحانیت تنظیم و چاپ شد. شوری بود در همه برای این که باید برای رشد روحانیت و سازماندهی آن تلاش کرد. این شور و علاقه در ایشان و در همه ما همیشه حضور وجود دارد و همیشه در این اندیشه‌ایم که چه خدمتی باید در این راه انجام دهیم. مرحوم آقای مطهری در آخرین سال‌های زندگی‌شان بر آن شدند که سفرهایی مرتب به قم بروند و با شروع بحث‌های پرمحتوا برای طلاب درس خوانده‌تر و فاضل‌تر، حرکتی را در راه غنای فکری حوزه دنبال کنند و توسعه

بدهند، حرکتی که چه بسا می‌توانست به ساماندهی‌های دیگر بیانجامد. دریغا که این حرکت پر برکت ایشان با شهادتشان ناتمام ماند.

هم‌چنین شهید آیت‌الله مفتاح درباره استاد شهید مطهری گفته است: در آن اوج مبارزات به من می‌فرمود به خدا اگر امام و رهبر ما پیروز بشود هیچ پستی من نمی‌خواهم هیچ مقامی نمی‌خواهم، برای من همین زندگی که الان دارم، کتابخانه‌ام برای من بهترین لذت است من همین را می‌خواهم که بنشینم و کتاب بنویسیم، بنشینم و تحقیق کنم، بنشینم از اسلام عزیز دفاع کنم، این هدف من است؛ بنابراین، این کوشش و این تلاش، ارزش شخصی برای من نیست و دیدیم راست می‌گفت و پس از پیروزی با این‌که در سطح بسیار بالایی قرار داشت (ما اگر یک مطلبی را می‌خواستیم خدمت امام بگوییم همه دوستان ما فکر می‌کردند تنها فردی که امکان دارد با امام صریح صحبت کند و امام علاقه به او دارد و او را می‌پذیرد فوراً می‌گفتیم برویم خانه آقای مطهری به آقای مطهری بگوییم ایشان خدمت امام عرض کنند چون می‌دانستیم امام به ایشان علاقه دارد) می‌گفت من که مشغول تحقیق و تألیف برای من منصب و مقام مهم نیست جز همین که مشغول تحقیق و مشغول نوشتن کتاب و مقالات باشم.



FARS

FARS NEWS AGENCY

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی نیز درباره استاد شهید مطهری گفته است: باید گفت دارای نقش اساسی بود، هم از نظر فکری - چه ایشان پلی شده بود بین دانشگاه، فیضیه، روحانیت و قشر دانشگاهی و حتی بازاری - و هم در مبارزات. سال ۴۱ که مبارزات‌شان شروع شد نقش درجه بالایی داشت. چهار پنج نفر بودند که سرپرستی گروه مواتلفه را که در شکل دادن به مبارزات اسلامی در سال ۴۱ و ۱۵ خرداد ۴۲ بسیار موثر بودند به عهده داشتند. آقای مطهری جزو گروه پنج نفری بود که می‌گرداندند و حتی واسطه بود بین امام و این‌ها و روی هم رفته باید سهم قابل توجهی برای ایشان در شکل‌گیری مبارزات اسلامی که منجر به پیروزی انقلاب اسلامی شد، قائل باشیم. سال آخر هم که سال اوج اعتراضات و مبارزات ایران بود ایشان در کانون و کادر مرکزی گرداننده این جریان‌ات سال آخر بود و وقتی هم می‌رسیم به تشکیل حکومت اسلامی، ایشان از طرف امام مأمور شده بودند امام چهار پنج تا اسم به ایشان داده بودن که ایشان آمدند هسته اصلی شورای انقلاب را تشکیل دادند و بعد همان بود که کم‌کم توسعه پیدا کرد که حکومت قانونگذاری و اجرایی بعد از انقلاب را اجرا کردند و حتی وقتی امام از پاریس برگشتند و نقطه مهم آن روز منزل امام بود، ایشان با همه گرفتاری‌هایی که داشتند (عضو شورای انقلاب بودند، عضو گروه سرپرست اداره منزل امام هم بودند) چون آن روز اداره منزل امام فوق‌العاده اهمیت داشت به این کار پرداختند و در ماه‌های اول تشکیل حکومت اسلامی ایشان نقش بعد از امام را داشتند ایشان جزو آن چهار پنج نفر بودند.

به راه انبیایی ای معلم

چه خوب و باصفایی ای معلم
همیشه دم زنی از معنویت
هر آن سودی که باشد مایه از توست
فلاطون گر بود بی درک استاد
تو کاخ علم و صنعت را به عالم
تو خود سوزی و بخشی روشنایی
همه اندر پی مرغ و فسنجان
هزار افسوس چون شعر "خدایی"

تو نور چشم مائی ای معلم
به راه انبیائی ای معلم
ولی خود بینوائی ای معلم
ندارد ره به جائی ای معلم
نخستین پایه‌هائی ای معلم
همه نور و ضیائی ای معلم
تو با سبزی رضائی ای معلم
به دوران کم‌بهایی ای معلم

اشعار حاج فیض الله خدایی